

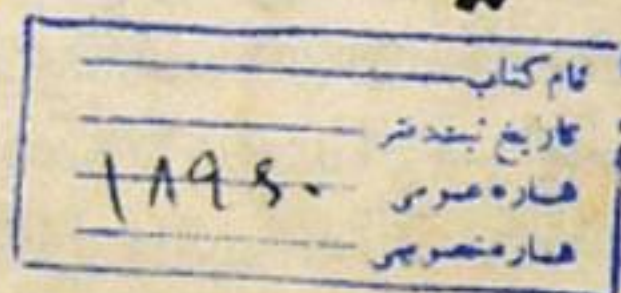
1794V
ب.ع.

960V



۹۹
۵۵

مُظَفَّرِي أَحْيَاءُ الْأَطْفَالِ



درممالك محروسه ايران
عن الخزان و مدونة
کتابخانه
نذارد

أَحِبَّاءُ الْأَطْفَالِ مُطْفَرِكٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي خلق الانسان من سلاله من طين ثم جعله نطفه في قرار مكين ثم خلق
النطفه علقه فخلق العلقه مضغه فخلق المضغه عظاما فكسى العظام لحما ثم
انشأه خلقا اخر فبارك الله احسن الخالقين ثم رزقه في حجر طير جوده وكرمه ارضه
من يدك الاله ونعمه ثم افطمه وغذاه ثم بلغه اشده وقواه فمنهم من يوفي
ومنهم من يرد الى ارض العثر ثم اماته فافترشتم اذا شاء انشر الله بهم علينا
نذارى داما الذنوب بدواء توبتك ومغفرتك واشف قلوبنا المريضه من
الجهالة بنسخه انا بك دخل نفوسنا العليله بمنفى الخوف الخشيه عن خلخال
الشهوات الضمان وتورثونا القبله بفقر الفقر المسكنه عن بخار
الغرور والكبر الطغيان وصل اللهم على طيب نفوسنا وحبب قلوبنا رسولك
الذى قوى قلوبنا الضعيفه بدواء مسك خلافة الكامله وفرج اقدارنا
التحيفه بفرج شفاعته الشامله وعلى اله واصحابه الذين طبب بطيب
اخلافهم الافار وعطرو بغير انفسهم الاصفان سببا ابن عمه وعبيد علمه الذي
شفى كل عليل طبه الاكبر وسقى كل غليل من حوض الكوثر

سلیس بود انتمندان بصیرت اقدان خیر پوشیدند که بشیر اطفال ما
از حین تولد تا بعد از زمان طعام علیل نایل میشوند از بعضی اشخاص از

دُیَاچہ

عدد اولادشان سؤال شد میگویند زغادر و از دنا چهارده اولاد متولد شد
 و حال از آنها دوسه با چهار نفر که بعضشان هم علبل اند مانند با هیچ نمائند
 که بعضی قبل از وقت سقط شد و در حین وضع حمل با بعد از آن در آب و رضا
 و طعام تلف شده اند و سبب ^{از} بختی اطلاع ما در ماست که طریقه حفظ
 صحت و رضه و پرشادها و انداختن و در زمان حمل حفظ صحیح میکنند تا آب علی
 قابل ماست که در وقت وضع حمل طفل را چنانچه شایسته است میبند بگردانند
 دشنه جوهه و بلبکه مادرش را منقطع مینمایند تا آلتا فصور رضه ^{که} طریقه
 ارضاع و انداختن و از شیر و حفظ صحت و تربیت طفل را مطلقا نمیدانند
 گمانیکه از وضع ممالک نمیدانند اطلاع دارند میدانند که عده نفوسشان در
 بروز در تزیینات ^{نفوس} صاحب ملکشان از کثرت بعضی تنگ میشود که از مسکن مانده
 خود بجای دیگر میزنند و حال آنکه بحکم شرعیشان مرد را جز یک زن مجوز نیست
 و در ملت حنفی اسلام که خصل عقل کل و هادی سبیل صلی الله علیه و آله برای تنگی
 نفوس است مرخوم یک مرد را از و جان متعدد و مباح و سنت نموده تناکحو او
 تناسل و اقاقی با هم یک الام فرموده اند با وجود این از عده نفوس مسائل
 بسال میگذارد و آخرین سفر فرزند و شهر یار پس و یکی از عباد زن و
 شوهری داد بده میگذراند عبط و افسوس خوردن هفت طفل که سن ^{و فتنه}
 بهم نزدیک کو با معنا متولد شد بودند و جلو آنها راه میفرستند طفل
 صغیر را هم در میان کرد و بی گذارد میکشیدند و هر با هم در یکا محبت
 و مهریابی در حالت بازی خند میفرستند معاً و میشد آنچه از آنها متولد شد
 بدو زلف همه مانند این از آن نابت است که در تربیت طفلان هیچکس بلیغ
 دادند و از آن یاد مهم مینمایند آنها را فنی تربیت میکنند که با کمال سادگی
 همیشه خوشحال و مانوس و خندانتند و موجبات طلال و جبین را از آنها دور کرده

د بیاجه

طریقه و بدخلقی را برایشان میدود و منبأند چنانچه هیچ کس را از اطفال
انها شنیده نمیشود و نمیکند از انداختن و ضعیف القلب ترسان شوند و بیکدیگر میکنند
که جرئت پیدا کنند برخلاف اطفالی که از نادانی سوء تدبیر طفل را بیکدیگر
میانند از ندیدن نمیتوانند ساکت بمانند و از اینها میترسند و از کرم و سگ و الو
و خاله فلا و صدای غریب و اشکال عجیب میترسند طفل بیاجه که در این
دایره خیال بسیار وسیع است از اینها تصور آن فواید ندارد و از کما
خوف و هشت ساکت کشنده اما مادام که در این جهان میشود باوقتی از اسکان
عاجز ماندند و بی رویا و شرم میهند و در میساکت میشود باز کوبه میکنند
شیر میهند و از شدت امتلاء مبتلا به هضم و قوی میگردد کوبه را
بیشتر میکنند بعضی مادران و ذایه ها که بکلی از جاده مرتب خارجند مخصوصا
در شبها برای حاجت خواب خود ساز و قفسه طفل کوبه میکنند شربت خشک
و افروز و حب که میهند تا ساکت شود و غافل از اینکه بخند و بیدارند و من
مبتلا شد مستعدا مرض صعبه متعدده میگردد و این و دایع الهیه را که عاجز
نیز مخلوقند بهین قسمتها خراب ضایع کرده فوج فوج بادی فنا میفرستند
لذا از برورده نعمت خادم دولت بیدارند و دانی علی ابن ابی طالب
همدانی که تمام عمر خود را صرف فاقبت خدمت و وطنان بلکه عموم را بنیاء
جنت نموده اغلب فائز صراط بر وجه و نالیف کتب عقیده مانند دوده شریح
مصور و تمام دوره طب فرنگی و یکدوره کمالی و امراض عصبیه و غیره
بود که با حفظ صحت معالجه امراض اطفال را بدیلا بلی که ذکر شد اقم و فایده
آنرا اتم دیده با وجود هجوم هموم و ضعف مزاج و پریشانی خیال و تبلیل مال
از میان هفت کتاب امراض اطفال از مضایف طبای بزرگ فرنگ که در این
سفر آخری تحصیل کرده بود و کتابی انتخاب استخراج کردم که تمام شرط حفظ

طفلی را
از کوبه که در خانه
بود زیاد ترسانند و بوند
مرتکب کوبه میگرد
میکشند کوبه اندک
میشود و قوی کوبه را
میدیدند و بیکدیگر
دو دو در اطراف آنها
خوابیده بود کوبه داخل
الحاق میشود و قوی
او نمایی بیند کوبه
در بالین طفل نشسته
و طفل در آن است
علی

مظفر الدین شافا

صحت در و طفل در هنگام حمل و وضع حمل و حفظ صحت طفل و ذایه را
بیدار و وضع حمل از دادن شیر و غذا و تربیت های جنمائیه و نقائیه و صحت
نولدها زمان نظام و تحبش غذا و وادیه مناسبت و علاج ناخوشیها و بیکدیگر از وقت تولد
و بعد از آن تا سن هفتگی که عارض میشود و کیفیت تربیت و تعلیم آنها در آن اندک
بفضل الله تعالی حسن توفیق به بیجا خوش و عبادتی مانوس که برای نادان
و ذایگان و زمان هر خانواده دستور و برای اطباء تدبیر و از این فیل البضاعه
ناکار باشد و لطف نمود و برای پیشکش قدوم اعلی حضرت حجه پنهان و گاشا منشا
جهاز پناه انجم سپاه که در دولت از جلوس خود فرغی ناز و بخشید جوهر و
جمع قرآنی مظهر هر ذکی میقد توان عدل و انصاف و بیکدیگر بنیان جور و اعتدال
منبع شجاعت هر کس مدار سخاوت و پادشاهی که جهان ناپایدار از استواری عرش
پایدار شد و غلامی اعتبار از محکم بنیان دولت اعتبار پیدا کرد و مظفری که
ظفر از کمر بیگان خواهد و منصور که نصرت از ملازمان حضرت او است ملک
الملوک القاهر و سلطان السلاطین الحجاب و الملک العادل و السلطان المبازل
و الخافان القاهر و البطر الشهد و الظفر و التناهد السلطان ابن السلطان
و الخافان ابن الخافان ابن الخافان السلطان خلد الله تعالی ملکه و سلطانه و
ادام الله علی العالمین فیض و احسانا انما موسو با حبا الاطفال مظفر
کرده بر مقدمه و در مقاله و خاتمه مرتب نمود و اینک بوفیق حضرت و اهد
الغیا با شریع بمقدمه نموده از خداوند علی اعلی توفیق اتمایا کتاب را مستقیم

مقدمه

در حفظ جنین در و حامل و بیدار و وضع حمل از در چهار فصل برادر میشود
فصل اول در مطالبی که دانستن آنها برای بوی لازم است -
مرحله که بخواند طفل را صحیح المزاجی داشته باشد باید از جوان خوش خلق و بی عیب

نکته بر حوامل برای حفظ جنین

که خورصافی مزاج سالمی باشند ناشد اخبار نماید از زمانیکه غالباً خور از آنها
جاریست بجنب باشد چه سلا منابون خاصه ماددا اول شرط سلام طفل است که زنده
شد اطفال که از بدن مادر در بطن ضعیف متولد میشوند در همه عمر علیل و موم و مضوم
و به تبلی که کاملی زندگانی نمایند

در ایام حمل باید کمال مواظبت نمود که مادر در بطن نشود چه عضا طفلی که در شکم
در حقیقت عضا از او است و فیه که در بطن عضا طفل متولد میشود و در شکم
بالجمله سلا منابون موقوف به سلا منابون مادر است پس باید در حفظ صحت او کوشید
نیل این مضمون بر حوامل لازمست که جمیع شرایط حفظ صحت و به حال جنین متعلق
خود را بچیزی که مشرب حام را بر سر قوم خواسته و نظم و مراعات نماید

زن حامله نباید زندگانی مثل خود شود و شکم دارد که بسی غریب است چار
طریقه و رفتار زندگانی خود را که قبل از حمل داشت را وقت حمل تغییر داده و متکثر
بر حفظ خود و طفلش بگذارد و حوامل در جمیع ممالک معتدله بسیار عجز و از همه نکالند
مشکله و شافه معافند حتی از روزه و برهنه شدن و در شرب و غذا و اجابت معفونند

فصل دوم

در نکات بر حوامل برای حفظ جنین

De la conservation des enfants pendant la grossesse.

(۱) هوای متشق حوامل - ناممکن است در مکان خلوت و زاحق هوا
مناخ خالص زندگی نموده و هوای طاق خود را مکرر تجدید نمایند چه بجزیره
هوای غیر مجزیه بسیار مضر و مورتا مراض کثیره آنها میشود چنانکه زنان ساکنین بکه
از فرای رویا که در میان بقره تنگی واقع بودند و هوای بکذاشتند و اولادشان
بسیار ضعیف متولد شد منتهی ندچندی آنها را با حامله بکنند و بهر دفعه
که هوای خوب باشد تمام اولادشان قوی غذا احوالشان کرشد

De l'air que doit respirer une femme grosse.

(۲) در کتب و انتخاب نوع اغذیه حوامل - در تمام مدت حمل مخصوص
از او

De la quantité et du choix des aliments.

حفظ صحت حوامل

و او آخران باید از امثله معده و پر خوری اجتناب نمایند از سوء هضم این باشد
پیر مناسب این است که در فغان غذا و بیشتر و مقدار آنرا کمتر کنند و این موجب
بنکی است نهام و جودت هضم میشود -

ولی کسانی که اشتها دارند غذا را خوب هضم میکنند چون باید و نفر غذا بوند
بعد از سابقه خودشان یعنی مثل اوقات قبل از حمل غذا بخورند بلکه دفعه طفل
در شکم بزرگ شد بشرط جودت هضم بیشتر از آن هم غذا بخورند اما از غذا
بد و ثقیل اجتناب کنند و پیروی عقاید باطله عوام را که میگویند زن حامله میشود
مهر کوفه غذای بضرر هضمی را هضم کند و ضرر را و نماند نماید

Des boissons.

(۳) مشربان آنها شراب مشربان الکلی مخصوص مقدار زیادشان همیشه در
نتایج ناگوار دارد و بر علاوه بر ضرر که بخودشان میرسانند ممکن است اطفالشان
مستعد عوارض خطر از قبیل مستی و امراض کثیره صعب العلاج مانند صرع و اختلا
رحم و جنون و غیره نمایند -

De l'exercice.

(۴) ریاضات حوامل - علی الصوم ریاضات معتدله اسباب سلامتی و خو و طفل
انها است مناسب بر ریاضات معتدله آنها پیاده راه رفتن است که برای جلیب شهوات و
هضم و حفظ صحت و تقویت قوی و لازمست اما زمان و وضع و ابلیه که قوه حرکت و
ندارد پیاده خیلی بیانی و از احمی راه روند با در کاسکه نرم و کشنده و روی
نیمهای صاف و مواد با صفتی حرکت دهند مطلقا سوار بر قوس و سفر طولانی
حرکات صغیره زنان حامله اجازه داده شده است خاصه اوقات قریب وضع حمل که باید
از ریاضات شاقه و حرکات شدید اجتناب نمایند و علامت سقط ظاهر شود آنکه
درد و اوج درد و وقت حرکت احساس میکنند و در ناکی و در شکر نمایند
مطلقا بی حرکت و راحت بمانند

De sommeil.

(۵) خواب حوامل - کلبه خواب در حامله و در وقت حمل باید با دراز و سابقه

و نایف در اندام خول

مفید است اگر مربوط بکثرت دم باشد فصد بالعکس و فله دم مقویات و کثبات
افزونیه بخوبی نماید

(۴) *Des purgations* مهلات خول - نباید در هنگام حمل از مطلق مهلات جناب و
مهلات برفق و مهلات خفیف عند الضرره بدینند و از مهلات قویه منع نمایند چنانچه
سوء هضمی که اغلب عارض زنان حامله میشود هرگاه مهلات ندهند ممکن است بعد از
وضع بچیان در به واسطه اسهال و سوء خاوی مهلات کردند

(۵) *Des digestions* فاشتهای آنها (و نایف) آنجا که غالباً عصبانیت و استعمال ادویه تند تشنجیه
و مقویات قه از قبیل کلب و کاسیا و جنطیانا و سونبرک و بیدیه و بون ذابل میشود
هم ممکن است بواسطه امتداد مجرای قند به عارض گردد علاج آن مهلات برفق
ممکن است کثرت موجب اشتها می شود عین علاج آن فصد است

(۶) *Des aigreurs* ترشی معده آنها - در این حالت منبری کالیندی و کینات و سور و غیره
و بشی بسیار مفیدند که می آید و به مرقه معطره در دفع این مرض از مردم وانی
بیشتر مؤثرند

(۷) *De la salivation* تلعب خول - در ابتدای حمل اغلب جریان غلبه هان مودیشی غرض
میشود و از انداز و به ضد تشنجیه مانند مطبوخ سبیل الطیب منع میشود هرگاه
حالت توبه داشته باشند که گاهی بهرین واسطه اگر از اینها دفع نشد صمغ عربی
بانیان در دهان بکینند

(۸) *Un mal de dents* درد دندان خول - گاهی سبب از انقباض خور بقیه کین است و غالباً
عصبانیت و انقباض دهان است که احتمال و بچیان خور نشد اخراج خون کمی مثل
ارسانا چند زود و محاذی موضع جمع کنند و اگر عصبانیت باشد و توبه ممکنه
مثل بر مورد و نظار و ترناک بدینند اگر در توبه غرض که گاهی بخوبی نکند

(۹) *Des hémorrhoides et des varices* بواسیر و وریدها - ایند و مرض بواسطه فشار دادن دم باورند

در سقط و علل او

۱۱

که از اطراف نافله و از قسمت اخیر امعاء خون را بقلب منبرند غرض میگردند و غالباً
بواسطه پیوست شد بد غرض میشوند و خطر و درم و زایل بواسیر بیشتر است
ذیرا که بعد از وضع حمل علاج نشد و در هر حال صعب میشود احتیاط اینست
که در دم و در بدلول نواری پیچ کنند و لباسهای تن پوشند که مانع از درون
خونند و پیوسته مزاج را بملینات مهلات و خفهای ملینیه علاج نمایند و در
بواسیر ما لیدن هم توانکل و استعمال شبنام و غر کا کا او بر این معالجه بسیار
در ایند و مرض تمام مقام موضع عمومی بسیار مفیدند

(۱۰) *Des démangeaisons* خارش خول - گاهی را و ایل حمل خارش شد و الاث تناسل
دن ظاهر شود که او را از خواب خور و در فتنه از دارا است تمام و غسل بالنبات
و حمامهای کوکودی و علاج آن کافی اند بعضی ار سال چند لو بموضعی که در با
میخارد بخوبی بک کرده اند

(۱۱) *Des déplacements de l'utérus* تغییر مکان رحم آنها - در هنگام حمل اغلب رحم از جای خود حرکت کرده
غالباً بیاضین نزول منبسط و در شکم و دیم و سیم بیشتر از شکم اولست بر شکم
بطوریکه رحم نزول نکند محکم بشین و استعمال کینند در او و آخر حمل بسیار مفیدند
(۱۲) *De l'avortement* در سقط و علامان عمد اسباب آن و تدابیر وضع ازان - دفعها بکده را و اولاً
اول در میان خرق مناز سقط و فاشیدن قبل از موعد -

سقط عبارت از فقدان طفل است پیش از ماه ششم و وضع حمل قبل از موعد افتاد
آنست از ماه ششم تا ماه نهم

(۱۳) *De la gravité* در خطا سقط - این خطا است که گفته اند سقط چند از خطر نیندازد
چند خطوان کین از فاشیدن بموعده نیست هر چه مدت حمل بیشتر باشد در انت
سقط بیشتر است و او آخر ماه اول تا او آخر ماه چهارم از بانیان که توفالدم
شد بد غرض است اخراج جنین صعب و بیرون از در جفت بر وجه میشود

تقدیر بحفظ و منع از سقط

۱۲

نیز با خطر است

سپهر علامات عده سقط - مکه ازنی که قبل از حمل و هر چه خون زیاد از او جاری باشد احسان بر جهت و سنگینی و لکن و وجع و کلیه کرده خاصه و قنکه خون کمی هم از او جاریست جریان خون بعد از تحقق حمل بخصوص بعد از ماه سیم باشد باید بدین وقت سقط باشد مکه یکی از اسباب قوتیه موجب سقط کرد و اول مبتلا بدرد شدیدی در کلیه بانها بر نقاط بطین شده که ادرام گرفته پس از لحظه شد میکند و درد زایشین غالباً نه روز بعد از این واقع نمود و ادرام میگرد اما اینقدر ممکن است کمتر یا بیشتر شود و طفل چند ماه در رحم میماند پس از آن خارج شود مرده مانند طفل در رحم ضری ندارد و بجهت اینکه مواد داخل رحم نمیشود که طفل را متعفن کند علامات مرگ جنین اینست که زنا احسان پسینگی در دناکی و شکم نمیکند که با حرکت بدن منابست منابست بدن در هر شب نمیکند و تبش بر روز و شب ایشانها میباشند و شبها از آنها ترشح کرده حرکات شدیدی که طفل در شکم میگرد موقوف میشود و نطف معلوم میشود که طفل مرده است اگر سقط بواسطه علیله مادر یا سینه دیگر که که در طفل اثر میکند عارض شود علامات قبل ظاهر میشود کاهی قشری و کاهی که در بدن سقوط است و وجع قلب خستگی و بی طراوت و سنگینی بدین خلیه و احسان بر روی موله وضع سنگینی غیرهها در شکم اینها که ظاهر میشوند و احسان بر سقط میشود و هیچ تدبیر منع از آن نمیتوان نمود

چهارم پسینگی از سقط - برای جلوگیری از سقط باید از اسباب معتدلان که مذکور میشود مثل بیکاری کوشه نشسته که ضررشان از کارهای بزرگتر بیشتر است استعمال ایشان سبب شکم که مانع انقباض شکم است و هر چه در رحم و احسان بر منابست از مصلحت جنین و قوت گرفتن و ضرب و سقطه و خجاع طولانی که بقوت میکنند و بر داشتن چنینهای ثقیل زنا یا زنا و خلیه شکم و نطفه

اعمال مؤلف از نشانه
که اگر زن از اول حمل
بجرت داشت چنانکه غایت
احسان و حراقت باشد
که در تمام احوال حرکت
و جمیع اعمال شاقه را کند
و در سینه و سینه حرکت
منابست آنها را بنمایاند
بکند و منع از حرکت
استنشاق مؤلف کند که
استقامت نوزاد شود
جمیع حالات آنها میشود
اما اگر از اول غایت
نداشتند البته در نطفه
وضع حمل با بکتر

تدبیر که قوت سقط و منع میکنند

۱۳

اسباب که در وقت سواری و اغراض مضایقه شدن مانع از سقط و خود و غیره اجتناب نمایند زنا که زیاد مستعد سقط اند باید از پوست نواح برهنه مثل پنجم رفع اسباب - رفع اسباب معتد مذکوره در منع از سقط کافی نیست در نواح چهارم و پنجم لازم است

(۱) زنان ضعیف المنبه قلیل البدن و آنها که مزاجشان بواسطه امراض طویل و ضعیف شده باید با غذای مقویه و ترکیبات از دواهای نادره مخصوص خاصه و بجز مداخلات نمایند مراعات این تدبیر برای آنها در تمام مدت حمل لازم است مگر کاهی که زنا و اسباب خستگی شوند که باید چند روز ترک کرده دوباره معمول داشت -

(۲) جربازاب سفید اغلب باعث سقط میگرد و باید بر حیا و تن و مزاج مخفی نوزاد زد که با و خامها موضع کاهی یا خراج خون کمی از وره باز و امر نمایند

(۳) اگر چند مرتبه سقط کرده اند و سبب معلوم نشده که میتوان از او بضعف رحم نسبت اد باید بجا مای نادره و دفعه ای در کهای سرد با ابغالص یا مطبوخ پوست کنده که با مطبوخات قابضه مقویه رحم بزنند

(۴) زنان که کثیر الحوض و یا سقط میکنند باید قبل از حمل و در مدت حمل غذاها مقویه را ترک کنند و همینکه معلوم شد خون آنها زیاد است فصد کنند بهترین است که در هنگام حمل در هر ماه قبل از زمانیکه عارض میشود اخراج دهن نمایند

ششم تدبیر اولیه در وقتیکه شروع بسقط میشود - علامات از این فقره وجع که شروع از آن ناف و بلغم منتهی میشود و وجع کلیه و صلابت شکم و ثقل شهرگاه و اعطای غامرها طویلی نمیکند که بلغمهای خون الوده بدیاری کردند و زنی که ابتدا اندک و بعد زیاد شد و مضارفات بسیار شد که مافی ظاهر میگردد باید قبل از رسیدن طبیب آنچه را مذکور میشود معمول دادند و او را بر روی خنجر یا بر زمین بوضع افقی بینه و زنا بخوابانند مطلقاً از حرکت

انکه زناهای عیال
مزاج و آنها یکبار از اغراض
نشانیه مثل غصه و مزاج
غیره از زنا و ترش و مشک
از زنا که احتمالاً زنا
و ادرام طبیب اندیش
سبب میکنند
علی



Premiers soins de la
l'entretien corn-
mena

ثبت پروغده انهدار الوقت

۱۸

پس از آن مایع مصلی خون الودی دفع میشود هرگاه در انوقت تب ششها برض کرد و طوبی نفاسی موقوف میشود و همینکه تب دفع میشود دوباره جاری میگردد اما انوقت مصلی مایل برزدی است و زمانش برده نفر با سه هفته و در انهاشکه بچه شیر نمیدهند اغلب ششها جاربت اگر این طوبی بصفا مذكوره نباشد تا وقتیکه قطع شود فقط مواظبت پاکیزگی و علاج آن کافست اگر بواسطه معین با غیر معینی قطع شود باید فوراً بطیب عرضه کرد که اگر جاری کند چه موقوف شدن آن که غالباً بنظر چند از معنایه ثبت اما کاهی سبب خطرتند بکشد و اگر طوبی مذكوره گنده و منعقد شود با مطبوخ یا بونه آبدردک بزنند که مهربار بشویند

دقت هشتم تب شیر - این تب را و آخر روز دوم یا نصف اول و سوم میکنند کاهی از قشر پره که و صداع و بعد از آن از سرع نبض و حرارت جلد که در ابتدا خشک و بعد از چند لحظه عرق و آفری و آن ظاهر میشود شریع کدی و همیشه مضاد با صلابت پستانها است که اغلب تا زبر بغل را منور و مینماید و کاهی موجب رد بسیار شدن پدی میشود این تب در زمانش برده اغلب بقیه بخصوص در زمانهاشکه طریقه احتیاط از آن ششها چند ساعت بعد از وضع حمل پستان خود را بدمان طفل گذارده شیر داده اند و مدت تب پرهیز کامل لازم است سینه را گرم بپوشانند و قی خوف سرما خوردگی نباشد از غسل و حنفه اجتناب نمایند

دقت نهم غذای انها بعد از تب شیر - چون تب ششها قطع شود غذا بخور نموده و بندریج زیاد کنند و اغذیه مقویه بدهند هرگاه پستانها را با صلب باشند با بد غذا که بخورند و عکامقوی را ترک کنند برای تلپین سه شغال و غن که یک بدهند و در زمانهم و در از هم و از بعد از سابقه امثالند

de la fièvre de lait.

Du régime après la fièvre de lait.

زمان بخوابیدن و بیدار شدن

۱۹

دقت اول هر بر خاستن زاهو - بعد از دفع تب شیر مادر را از رخت خواب بپوشان و زده بشیر او را عوض کنند و در روزهم میتوان روزی و ساعت او را بروی صندلی نشانند

دقت نهم بچین زمین زاهو - در تابستان روزی نیمه است از خانه بپوش و در روز زمستان یکماه الی شش هفته راحت ماندن در خانه لازم است

دقت دهم تلپین مزاج انها - بعد از وضع حمل مانند قبل از آن شکم را با پد بواسطه حنفه یا مسهلان خفیفه ملائمه از آمد نمود

دقت یازدهم خشک شدنش بر زنی که نخواهد طفل خود را شیر بدهد مطبوخ فی شکو (ع شغال و در ویت شغال اب) بنوشد با مطبوخ در ویت شغال برك غار بدهند و اغذیه مقویه را ترک کنند با چندین مهمل خفیف مثل اب سداب یا سترانه و منبری بخور کنند پستانها را گرم بپوشند

دقت چهارم پستانها - هرگاه يك یا چند عقد پستانها سخت و صلب شوند ضمناً بروی ان انداخته و بشیر داد و صلا و مت نمایند هرگاه آن صلابت ساده نبوده و در غار ض شود با بد شیر دادن را ترک نمائند ضمناً بر پستانها اندازند اگر در و داشته باشد عصاره بلادن داخل روغن خاکسری کرده بمالند که تجلیل برود اگر تجلیل نرفت و درهم در آن ظاهر شد با بد بجر ارج و جوع کرد که بدون ثامل نباشد بزنند

دقت پنجم شفا پستانها - در زمانیکه دفعه اول شیر دادن انها است و در بعضی در شیر دادن شفا عسفی در پستان نشان فارض میشود اگر چه خطری ندارد اما از مکیدن مثلاً شده و جمع شد بکافار میشود و اغلب انها را از شیر دادن باز میدارند ممکن است چرك یا طوبی که

Du lever de l'accouchée.

De la première sortie.

De la liberté du ventre après les couches.

Faire passer le lait.

De l'engorgement des seins.

Des gerçures des seins.

در حفظ صحیح نوزاد

۲۰

از آنها جادی میشود داخل شیر شده برای نوزاده ضرر داشته باشد
تدابیر زیادی برای علاج آنها کرده اند اما گاهی مفید و گاهی زیان
آورده اند برای پیش بندی از آن باید در روز قبل از وضع حمل
باد فاده های لوده بشیر پونست کنه کنه با غولی از جوهر مازو که برو
حله الشدی گذارند موضع را قوی نموده لعاب بملانه (میخ تا شش دانه
بهذا نه زاد رمان قاشق آب جوش برزند تا لعاب کند) برو شفا قها اندوده
موم دوغنها و روغن کاکاء بروی شفا قها بمالند مفید است آب املک
معمول زاد داخل جوهر (حسلیه) حصی لبان نموده بمالند و موضع را
با اثرشی بوزق (اسید بزمک) بشویند اگر ممکن نباشد

چند روزی طفل را از پستان شیر نداده شیر

کا و با قاشق یا پستانک بنوشانند و در این

بهر شفا قها را علاج کنند و در

معالجه میشود

تمت المفاد و تملوها المصفا

الاولی انشاء الله

تعالی

در حفظ صحیح نوزاد

مقاله اولی

De l'éducation des enfants depuis
la naissance jusqu'à après le
sevrage.

در حفظ صحیح نوزاد و در آن دو باب است

باب اول در حفظ صحیح تربیه های طبیعیه و جسمانیه از حین تولد تا بعد از

زمان نظام دان در چهار فصل بیان میشود *Des premiers soins.*

فصل اول در تدابیر اولیه و در آنها چهارده ملاحظه است

ملاحظه اول در انقطاع نفس نوزاد - بعضی اوقات طفل که متولد

میشود صورتش و نبضش و بدنش به حرکت و ضربات بندها و غیره

است و اینها را باید بندها را بیدار کرد و خون در ریه ها و بینه ها

که سبب احتقان (انباشتن) خون در ریه ها و بینه ها است همینکه خون

خارج بشد احتقان رفع میشود و هم در این حالت طفل را عرض نمائید

که نفس بکشد بلبه ها شکم در کوی و جمع شده با انگشت با قلم مو بپزد و بپزد

و با کمال قوت مدارد در زان بشارند و در کهای محرم نماید و نفس مضبوط

چنانچه مذکور میشود کنند و ناپاشیدن آب سرد بر صورت بلکه بنام بدن

و در لک بروی سینه را بمکید کرده اند

ملاحظه دوم در احتقان (خفه شدن) نوزاد - همینکه متولد

شد اگر پریده رنگ و بدن او نرم و سرد است نفس نمیکشد اما ضربات بندها

ناف او محسوس است و کاف خفه شد است و اینها را بلا فاصله بعد از تولد

عارض میشود و سبب طول عبور سرد از رحم و مهبل است و اینها هم باید بند

ناف را بپزند و بگذارند قدری خون برود و به بندند و نوزاد را با پارچه ها

گرم بپوشند اگر در کربا طاق بسته است بکشند با او و در جالو پیچ بگذارند

که هوا بپنجه او اثر نماید و روی سینه او را با دست یا پارچه که لوده بپزد

سرد نباشد بمالند و باد است بپزند و نگاه و اسافل بدن او سلی بنهند و در

خود طبیعیه است
بچه ها و قشمت گرفته اند
سین طفولیت تنه ش
جوانی سن بچه طفولیت
مدرقه قشمت کرده اند
طفولیت اول که از دنیا
تولد است نادر است لکن
که وقت نظام است طوق
دوم از زمان نظام است
نمافت تا لکن تنه ش
هم بد و قشمت گرفته اند
قشای اول که از نظام
نادر و از دنیا نادر است
قشای دوم نظام است
که از دنیا نادر و از دنیا
است تا بپزد و بپزد
تا لکن و کشته با نادر
در این کتاب از امر خود
احکام نظام طفولیت است
که از دنیا تولد نامفت
تا لکن است که آنها را
احکام شان نظام است
بد و قشمت گرفته
بپزد و بپزد
علی

ضعف مولود و شکست سوزن

۲۲

که این کارها را می کنند تمام فائز حاضر کنند که وقتی شروع به نفس کشیدن نمود و از ذرات غوطه دهند باید غالباً در این تداوم باشند و او را بجای خود نگذارند زیرا که اغلب این تداوم بعد از یک الی دو ساعت اثر می کند هرگاه آنها مفید نباشند و ناله های مخصوص نفس مصنوعی کنند یا در این راه او گذارد و چندین مرتبه هوا در ریه ها و نمایند و در هر حال نفس اوله های پیوسته را باز کرده و آنکس که فریاد و زاری کند یا زمان دخول هوا به خلیه طولانی و نه دفعی باشد یا به نحوی که دخول هوا را بتدریج زیاده نماید پس از آنکه قدری هوا داخل گردد موقوف کند و فشاری بسپارد که هوا خارج

شد شبیه باخراج نفس گردد

Faiblesse congénitale. ملاحظه پنجم در ضعف مولود و نوزاد - هرگاه قبل از موعد یا بعد از

مرض شد بد مادر متولد شوند بسیار ضعیف اند و تنه بپوشی لازم دارند یا بعد از فاصله پر از تولد آنها از در فلان (ماهون نازکی است) نادرینت محلول به بچند و گرم نگه دارند که سرما یا آنها اثر نکند پس طاق آنها را گرم و بیک هوا نکه دارند که در درجه ها بچند و در اطراف آنها بگذارند بجز این است که اگر ممکن باشد که هوا در فلزی برای آنها بسازند و از آنجا که در درجه ها قرار بدهند و در هر گرم مادر گرم کنند طفل را در میان آن گذارد و بر حسب حالت فصل او را بپوشند و ساعتی یک مثقال پنجم الی و مثقال شش با غایت اوله کا و و نشوای اوله بکوبند و بدان و برینند اگر از راه دهان ممکن نشود او را اتفاقاً بر کدست که فشان شود یعنی کاه از این بلیه و کاه از این بلیه داخل کنند

Retardement du nourrissement. ملاحظه ششم در شکست سوزن نوزاد - پس از تولد بعضی مواضع او از مادر جدا و بر غلبه پوشیده شد باید از او ماده چرب بکوبند و در غریب و کره و موم و روغن بر داشت بجز این است که ذره نخی را زان باز زنند و موضع مالیده آنها را بزدانند و موضع را با اندکی آب تر و اگر خوب ناک نمیشود با

دور
ماست که طفل از
مؤید متولد شود و طفل
مستحاضه و غیره و مثلاً
بیمه و از این قبیله فاسد
و از این قبیله که در ریه ها
او را نشیند و مفید است
طفاصت و یا لاله خود
مکند و در این است که این
طفل را حال بپوشد و تلخ
میشود و در او با اگر شش
هم متولد شود و مادر
تداوم کند و در این
کمال می کند و اغلب هم
ضعف بسیار متولد
می شود و بعد از تولد
با نفاذ او شده و از این
مکوبند و قبل از موعد
متولد می شود یا بعد از
مخصوص که نفخ می گذارد و
بجز این است که در درجه
نفسه متولد می شود
نفس که در اندک مکافه
طفل را در درجه
اگرچه فریاد و زاری
طفل را در درجه
گرم کنند و متصل با طریقه
ملاحظه می نمایند
سر شود و از این
کنند و بیک درجه
و تداوم کند و در این
است که تداوم کند
اغلب می نمایند
طریق

در حفظ صحت نوزاد

۲۳

صابون شسته با پارچه نازکی خشک کنند و با منديل گرمی او را بپوشانند و قلعو از اینجکشانند یا بطلب حیوانات همه می گذارند که بچه خود را بپوشد و از زبان می کشند که ناک شود

du fillet. ملاحظه پنجم - باید پس از تولد تمام بدن نوزاد را ملاحظه نمود که شوشک یا نقصان خلقی در او نباشد غالباً در ریه ها و ریه ها و زبان او است که با مدخلی با ماده ای که نوزادان تیر نباشد بپوشد و نگذارند که قابله ها از او با ناخن بکشند که اغلب بچهار زبان از او با ناخن قطع می کنند و از آنجا است که موجب زرف ادم میشود خالی از خطر نیست و باید دانست که طفل را با خوب بپوشد و دارای این رباط نه و محتاج با پنبه نیست

Deformation de la tête. ملاحظه ششم در شوشک سر آنها - اگر وضع حمل متغیر طول بکشد که سر طفل از رحم و مهبل در خارج شود سوء شکل عارض آن شده و کشید میشود بعضی از اینها قابله سر را گرفته بچم می گذارند که بحالت طبیعی برگردد و این جنسی با خطرات بسیار است و باید از او نگذارند که خود بخود بطریقی غیر محسوس بحالت طبیعی برگردد

Coillettes de l'enfant. ملاحظه هفتم در لباس پوشاندن به نوزاد - پس از آنکه او را شسته و پاکیزه کردند کلاه از پارچه نازک لطیفی که قدک استعمال شده بر سر بگذارند و اگر هوا سرد باشد در وی کلاه دیگر از فلان نازکی وضع نمایند و همینکه موی سر او بلند شود و قدک کبریا غارت کرد یکی از آنها را بر سر قد که گذاشت بکلاه لایه نخیست همیشه سر برهنه باشد بعد از آن پنبه از پارچه نرم نازکی که آستر نداشته و قدک استعمال شده باشد با و بپوشانند و نیم تنه بر وی بپوشانند و این پنبه از پارچه کان یا پنبه بدینست و بکشند اگر هوا سرد باشد میان این استین و پنبه استین فلانی هم قرار بدهند

در لباس پوشیدن نواد

۲۴

این سبب مایه و سبب باشد که دایه بتواند دست خود را برای اطلاع از
حالت طفل داخل و خارج کند اگر کشاد نباشد که به دست دست اخل نشود مگر
است دست طفل را که هنوز استخوانهای او نرم است بشکند با لوله یا بد لباس آنها
نه انقدر کشاد باشد که سرها داخل شود و نه خیلی تنگ باشد و این حالت کمر
پایین طفل باز است پس از کمر پائین آنرا پارچه نرمی بدوزند و به سبب
بقدری بلند باشد که ناسینه و زیر بغل آنها بپوشد و نواری که چند از فشار دهد
بدون آن به سبب در بر حوصله لباس آنها را تغییر دهند در زمستان آنها را
کرم پوشند تا ممکن است سوزن و سنجاق لباس و باین پارچه فافه نکنند
و بایند و تکه بملاط بقیمه به بندند که با کمال راحت نفس بکشد و سینه بند
از پشت تکه نمائند که راحت باشد و در وقت پوشاندن و کندن محتاج به چسب
دست نباشد جمیع این تدابیر را طاقی گرمی اگر ز مستطابا شدانش معتدل هم
داشته باشد بماند دست طفل را قوی کنند که بی حرکت نماند و آزاد
باشد

ملاحظه هشتم در بریدن ناف نواد - این عمل را باید اندکی پیش از تولد
بکنند اول کلاه دیو گذاشته سینه بند او را به بندند که سرها نخورد پس بند ناف را
با انگشت شست بکنند و آن موضع را که میخواهند بزنند قدک را بالا نه و قدری بپاشند
آنرا از روخا محکم به بندند و آنوقت آنرا از وسط آن دو بزنند پس از آن در وسط
دشمال مربع کوچکی سوراخی کنند که بقدری که در ناف باشد و یک طرفه شش
پاره کنند تا بان سوراخ برسد و آنرا الوده بمویر و روغن کرده به بیخ بند ناف نشو
نمانند که انوزاخ در وسط در و در بند ناف واقع شود بعد از آنکه از بند ناف
باقیمانده و میان آن دشمال نهاده و در طرف چپ او گذازند که بر کبد فشار
وارد نیاورد و آنکه دشمال دیگر چهار لایه کرده بر آن گذازد و نواری که بر

Pansemment du
cordon ombilical.

در خطرهای فنداق

۲۵

سه انگشت باشد چند روز بروی آن بدوزد که طفل به سبب محکم شود بند ناف
در روز چهارم تا پنجم مبادند سوراخ کوچکی بجای آن مینانند تا بداند از راه و زده
شست شو کرده غبار نشامه یا غبار (لینکونید) کبریت نباتی بپاشند
و دشمال خشکی بر آن به بندند اگر بجای آن در موضع ناف قرصه بماند که رطوبت
از آن مترشح باشد و از این بمانند یا پنبه روی اخل این کرده کرده نه بهین
نمانند و بیهوش بپاشند

هرگاه فتق غار ضریف شود باید فوراً آنرا با نواری از شمع و یا خلبون یا
نافه انکلیبی یا زفت که بروی پوست ناف کی کشیده باشند به بندند اگر پیشتر
باشد که آنها کافی نباشد قدری پنبه یا شاربکی کلوله کرده بروی موضع فتق گذازد
چوب پنبه کوچکی بروی آن وضع نموده چند روز در نواری که طفل به سبب
با نواری الاستیکی بروی آن به بندند اگر باز فتق پیشتر باشد که آنها هم کفایت
نکند قطعه سرب را چمن کرده چوب پنبه بر آن وضع نموده با کمر بند الاستیکی
با ما هوئی محکم بسته تا سه ماه باز نکند بعد از سه ماه که میخواهند بکنند باز
کنند بتدریج آنرا با روغن و کوچک نمود و آنوقت بردارند که فضا ترک عادت
نشد و اگر طفل زیاد گریه و سرفه میکند که احتمال بیرون آمدن و دوباره
فتق شدن میرود که بپندارد و دوباره به بندند

ملاحظه نهم در خطرهای قیاط (فنداق) این عمل سابق بر این در
همه جا متداول و از عادات سیه بود و امری بجز الله در تمام اروپا مشرک
شده است ضررهای آن بسیار است یکی از آنها تبسین هر دو دش طفل است
که هرگز ندانند است که وقتی طفل خوابیده است پای خود را حرکت میدهد
چگونه قیاطی دارد که از هیچ چیز چیزی نشاطی برای او حاصل نمیشود و دفعه
دشمالی او باز است بروی چنان مادر میکند و اسباب هجاش شربش

Dangers du
maillot.

در شیرازی که نوزاد

۲۶

شیر زاده پس از آمدن جاری میشود و نیز دشت پای او را که بر بندند خوب
نویسند و کوچک میمانند بلکه از این فشار تمام بدن بی حرکت ماندن و
کامل نمیکند مگر است از قنطاری استخوانهای او که نرم است کج شوند و شوشکل
عارض آنها شود و هم وقتی که تمام اعضای نوزاد بواسطه قنطاری شده
زیاد گرم میشود و عروق زیاد میگردد و موجب قنطاری و اضطراب میگردد و هم فشار
قنطاری در بطن موجب جناس برآورد و صد سیفیل صد و هفت نفوذ و در آن
خون کشته خون بطرف سرد مانع مایل میگردد و از فشار موجب اختلال هضم
گشته است و در زیر شکم عارض میشود که غایت سبب مبتلا شدن بحالت
صرعی میگردد

ملاحظه فرمایید و فتنه که مادر میخواهد بطفل شیر بدهد — باید که
دو سه ساعت بعد از وضع حمل شروع کرده و برای دفع عقی (اول دفع طغیانی)
عوام از اما موزی نامند قندی عمل داخل آب کرده با و بخوراند اما اگر
دایه شیر میدهد چند مرتبه در سه مثقال ترنجبین داخل آب کرده با آب عسل
و ترنجبین را با هم مخلوط کرده بطفل بدهند که عقی خارج کند و بعد از دو روز
ساعت و بیشتر شیر بدهند پس که تلین گردد و عقی خارج شود بکر ترنجبین
ندهند

*Sains sous le reg-
ist du régime*

ملاحظه فرمایید — بعضی گفته اند مادر در دو سه روزی شیر بدهد
تا شیر به پستانها نرسد و وقت شیر بدهد در بعضی قری هنوز هم ناست و زنک
شیر نمیدهند و این خطا است چه محقق شده که دلالی سه ساعت شیر قوی
که خاصیت آن بر آنست که عقی را خارج کند و پستان او را زیاد از این است که گفتیم
که وقتی که دایه شیر میدهد ترنجبین بطفل بدهند تا عقی خارج شود بجهت آنکه
شیر از این خاصیت ندارد که عقی را دفع کند و دیگر اینکه اگر مادر در دو سه ساعت

*Quand faut-il
donner le sein
pour la 1^{re} fois.*

اول

طریق خوابانیدن نوزاد

۲۷

اول شیر بدهند پستان او را ممتلی از کثرت شیر ممتد شده بزرگ میشود که دیگر
طفل نمیتواند سر پستان را بدندان خود بندد و هم عقده های پستانی او
متورم و متضخم شده و مگر در پستان ظاهر میشود *Deu coucher de l'enfant.*
ملاحظه فرمایید هر طریقه خوابانیدن و تهیه بستر خواب نوزاد
نوزاد — پس از آنکه لباس با و پوشانیده ملاخطان و لپه در حالت معده
او گرداند و در برخت خواب بپزند اما در خانه خواب دارد و دایه بخوابانند
همیشه هوای خنک خوابانند و نفس آنها نامناسب و طفل را مرض میکند
مگر در دین شده دایه خواب بدهد بزرگ طفل فتنه با الحاف را سخت بپزند
با او زانک را غوث گرفته او را خفه کرده است نگاه باید دارد که او
کذاشت که لاین بلند تر از توشک باشد که وقتی مغلطد و حرکت میکند
نپغند و در هر کوهان قهر فرماید که با سانی توان آنرا از جانی بجای نفل کرد
در میان تاشک آنها بر زینم نکند و ند موی مناسب برک سخن و حاشا برنایه
مناسب بگذارند اگر آنها ممکن نشود آنرا از کاه نرمی بکنند و برای بر کردن
میان بالشان آنها موز مناسب است اول توشک بزرگی در دفعه اول
گذارد و توشک دیگر سه قطعه باشد بر آن وضع کنند که بتوان هر یک قطعه
از ابتدا کانه برداشت بخصوص سطحی را که اغلب الوده میشود و باید آنرا شست
بجدید کرد اما اگر ناپا رجه نازکی از پنبه یا کتان بروی توشک اندازند که نوا
بخود جذب نماید و پس که الوده میشود بشویند و بجدید نماید بجهت اجتماع است
باید طفل را احتیاطا بپهلوی بخوابانند برای اینکه بلغمی باشد که در دهان و بینی او
مجموع شده به هولت خارج گردند و بجلو او نروند و در وسط روز هم که بیدار
است او را و بر روی پنجه و جانی که در شنای زیاد دارد بخوابانند که در شنای
چشم او را از تب میکند اگر در این حالت او را بپهلوی بخوابانند او را حول میشود و توشک

روی

طریقہ کا ہوا کر کے نفع

۲۸

روی در بر حیات فضل کم و زیاد کنند اما ملاحظہ فرمائید ہمارا بیشتر از کرنا
بکشد کہ سر ہا بخورند و بر تو کا ہوا پرده از طور یا پارچه مشابہ بکو
با پارچه سفید نازکی (نتریب) پوشند کہ موالبہت و از انہا داخل و خارج
شود و از آفت خافوزان محفوظ باشد اما درن متنا باید پرده از پارچه کلفت
بندازند و این ملاحظہ بسیار تم و برای حفظ صحت ہا مفید است کہ موالبہ
در یکا تنگی کہ موالبہ شدہ و در نزد یک بخاری کہ آتش دارد و در محل جربان ہوا نکند
اگر ممکن شود بخبرائیکہ دو کا ہوا را داشتہ باشد و این در مکان و سبی کہ موالبہ
آن جایگاہ است بکشد کہ رفتی و برمی تروید ہوا میشود بر ذرات و مضر
در ان اقلی بگذارد و ہکذا

Comment il faut
placé le berceau

در انام ساقہ جنبانیدن کا ہوا در ہر جا متداول بود متاخرین ہم کا ہی آنرا
بجور مہکوندند اما در این ایام اغلب منع کردہ اند بجهت اینکہ غارت میشود و ترک
کردن از بسیار مشکل است ہمینکہ فی جنبانند طفل کریم را بیشتر میکند و دیگر
اینکہ اسباب نازاخی و بی خوابی بہ مہکوردن آکرہ میکند ناچار میشود کا ہوا را
بجنبانند و برای طفل ہم خالی از ضرب نیست این است کہ در این ایام کا ہوا را
جنبانے ناسیار کہ کردہ اند

Que l'enfant doit toujours s'en dormir
dans son berceau.

ملاحظہ فرمائید — ہمیشہ طفل را در کا ہوا باندہ شیر ہند
و مثل بعض اہل فاکہ او را بروی ناف نکند شہر میدهند نکند چہ در این بین بخواب
میرد و قی و در بر داشتہ بکا ہوا میکند ان بیدار میشود انوقت باید مدتی
سعی کنند یا با شیر بکشد تا دوبارہ بخوابد پس باید از اول عادت دهند کہ
شیر از کا ہوا بخورد یا اینکہ وقت شیر آمدن و میخوابد بخواب و در فورا بکا ہوا
بگذارند بدین شدہ کہ در وقتیکہ دایہ بطفل شیر میداد خواب را بوزہ بروی
طفل نشاندہ او را خفہ کردہ است پس بر ذابہ لازم است ہمینکہ احسا بمقدار

بہترین
مہکوندند
نار و نعلی برای
کہ متولد میشوند با
خلق کریم کہ انہا را از
و کرما حفظ کنند و اگر
پس با بچہ بین فک و
مدکور است و با ای
اذا حفظ
کنند
علی

خواب
اول

طریقہ رضاع

۲۹

خواب کرد فی الفور بر خیزد و شیر ندہند و زہ ستائہا سر برای احتیاط از سر ہا کر
بای بطری پر از آب کر کرده قدری و در تراز با ہا می بکندارند کہ سر ہا با
اثر نکند *Degré de la température de la chambre.*

ملاحظہ فرمائید در سر ہا عدد متوقای اطفال بیشتر از کوفہ
سر ہا است حساب کرمانند و سر ہا عدد متوقی و صد پنجاہ و دو و پنجاہ
چهار و دو کر مہر صد بیست ہونہ و سبب این است کہ طفل بجز این مادہ رقیق
صفت و کبہ متولد میشود ہر گاہ حرارت طانی کمتر از این باشد بواسطہ سر ہا نالہ
میشود پس باید سر ہا حرارت طاق با بند و کبہ و ہمیشہ بکھوا باشد و فہم
بزرگ تر میشود و میخوامند و از اطاق بیرون نیند با بد و از خوب پوشانند و
سپہر و شکم و پا ہا ی او را کر نگاہ دارند نکند بدن او سرد شود و انہا را قی
باید سرد و فر نیند و اگر میخوامند باید در غایت کبہ ہند پس از انکہ متوقی پیدا
کنند از نایشان کہ شروع کنند اول با بقا ترو بتدریج حرارت را کر کنند ان
وقت باید سر ہا فر نیند در سر ہا ہر گاہ از اطاق کر انہا را از قی خارج
و کھواسر ہا بربند سر ہا بروی کر کردہ موجب لہ وز گام و اگر بچہم برسد موجب
جربان اشک و بعد سبب مد و خبر ہا میشود پس باید بغیر انہا را از اطاق
کر خارج نکند

فصل دوم

در قانون رضاع و شروع در غذا دین و زادن و در ان طریقہ *de l'alimentation
de l'enfant jusqu'au
sevrage.*

طریقہ اولی در شیر دادن مادر و ذابہ وان بر کہ قسمت است
قسمت اول در شیر دادن مادر — بجز غذا ہا برای نوزاد
شیر بجز از شیر ہا شیر ماد را است چہ از ماد و بوجو د ماد از خون و نمو
کر دہ همان خونت کہ رنگ شیر کفرہ بتدریج در پستان برای طفل ذخیرہ شدہ

de l'allaitement
maternel.

در حقیقت

در بیان شیخانی و فایده فواید

۳۰

در تحقیق برین واحد بود و از هم جدا شد اندیستان هم برای این عمل خلق شد اگر شیر ندید
ملغی باطل میماند پس از این شیر چون از همه جهت سبب بحالت و است و در ترو و میبندند چنان
طبیعی جمع حیوانات است که از پستان مادر در خود شیر میخورند و برای مادر و هم چنانکه
مذکور خواهد شد در دادن بطفل خود فواید است که دادن شیر هر مادر که بیشتر شده
بچنان حالتی مشائی میکند که هیچ دانه طاق تحمل آنها را ندارد و میل بطفل هم بمادر و با
میشود اگر او را بدانه بدهند این میل منقطع و مادر مثل بچانه میشود و این جهت
بدانه پیدا میکند بعضی بچان طفل را از مادر بیشتر دوست دارند که اسباب جبریت
مادر میشود و هم از این شکر خدا که در اغوش مادر میبندد و بددی میبندد هر قسم
علاوت در دنیا باشد مرفع میگرد و نیز اگر بدانه بدهند شیر غریزاً که خداوند با
و تعالی برای اخراج عقی روقت فایده بدیشان مادر را ورده دانه ندارد و پستان
انهم موجب ضرری برای طفل شود و تحقیق این شیر حق این طفل است که باورند
حق او را غصب کرده اند خاصه بچنین مظلوم و بیانی هنوز مادر را که شیر ندهند
نصف کلک فایده خود را بعل نیاورده با او بدتر از حیوانات و طهور کرده که عکس
دندان خود را به بچه خود میدهند بلکه او را خورد کرده بخلق ان مهر نزنند بزرگ
شود بعضی مادرها از خوف اینکه نقص در جمال و در سایر حالات آنها پیدا شود
از شیر دادن بطفل خود اعراض دارند و این خوف بیجائی است چه زمانیکه طفل
خود را شیر میدهد مثل چرکها و کرمها با لافا و در وقت دادن شیر هیچ
در حق آنها ظلم نشد و جبر نرود بچهره میشوند مادر را بد مزاجان جمیع شرط حفظ
صحتی را بنا بر ظاهر قوی داشته و هم خوب باشد از خوردن و خوابیدن قوت
بگیرد و کثرت شیر او را طیب بداند باشد و معلوم کند که امراض مزاجیه
و صریح مثل کوفت و خنار بر رسل و جنون و بعضی امراض جلالت و مزاج لنفی که
مکر است بهر بچان بطفل نماید نشده باشد اما اخوس که جمیع این شرایط در دنیا

مادر
مادر و شیر را بچانه
از این پستان مادر که از آنها
وقع شود و مادر را از شیر
امری که ممکن است بچانه
وضع عمل غرض از خوردن
مخوفه نماید چنانچه بچانه
کرده اند و در مکتب عشتا
پستانها برزد شد و باز
شیر میشود و استیلا شلخته
و هم و این را آن شده که
برای حفظ صحت و در پستان
مقدار است اگر بطفل دهد
گاهی پستانها میترسند و
منع میگرد و مرفق
او را میبندد مگر آنکه
مادر بعضی شود با عذر
دیگر داشته باشد با بدانه
دانه شیر را در دنیا شود
بچانه بچانه خود را شیر
بد مدهد و اگر او را شیر نداد
و او را ندانند حال خطر هم
برای خود و هم برای طفل
او را بچانه بچانه بچانه
طفل خود را شیر نداد و اینها
خوب نیست و بزرگ و بزرگ
دانه شیر مثل دانه شیر
بهداد و این بچانه بچانه
نکند که ضعف مری
منقول شده مبتلا به جنس
سلطان بداند شیر را
او را نکرده که کرمها
او خوب باشد و مکر از
این شیر را مادر دید
شد است
مده

در فواید شیرانی و فایده فواید

۳۱

سواد اعظم و پایی فحشها جمع نمیشود در دانات و بلاد و بینه و در نیست جمع شود پس
اگر مادر فاقد بعضی از این شرایط باشد باز محتسب دیگر دارد که بچانه دانه است که
محتسب آن بیشتر است چنانچه می بینیم مادرها شایسته چندان قوی نیستند بلکه ضعف و
هم هستند طفل آنها خربه و ساله تر از طفل دانه سالم است پس بر مادر که از زمانه که
اگر ممکن باشد هم بملاحظه طفل و هم بملاحظه خود و شرب بعضی توهمات جبریت طفل
خسارت کلی نکشته شیر دادن را ترک نکند مادر که میخواهد طفل خود را شیر بدهد
باید که ماه آخر حمل سر پستان خود را با تنبور حصی لیان (حزلبه) و اد کلنی
(جوهر طوطی و دوس) بشوید و اگر حمله الشی که در این وقت بجزر آمد بر
جسه میشود بجزر نیامد باشد با بدانه بچانه با الیها با اسباب میکند از این جهت
و در سه ساعت بعد از تولد پستانها را بدندان او بکند و شیر غریزاً بخورد که عقی را
خارج کند و پیش بنگاز و در مکتب پستان نماید با بدانه بچانه بچانه بچانه
اگر بچانه شیر بد مدهد که نخی شالی چهل ساعت بکند و هر چه میبندد شیر بد پستان
نمی بدید قمت شیر کا و داخل سه قمت ابقند کرده که بدندان طفل بزرگ
و هر مکتب پستان بد فاشی کزارد تا بکند *des noms -*
قمت شاف قمت در شیر دادن دانه و آن بر وقت است بچانه بچانه او را
بچانه بچانه و همیشه پدر و مادر و اهل خانه مواظب هستند و او را بحالت خود
فایده بکند و ندانند بلکه او را بچانه که میخواهند تربیت میکنند بخصوص اگر از اهل
هم باشد غیر اینست همیشه در تحت نظارت جمیع اهل خانه است در حکم مادر است
و اگر باز در حالات او مشک دارند و در دست اطفال پیدا نکرده اند مواظب باشند
تا از او مطمئن شوند بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه
خود را بخای بچانه بچانه که دیگر پدر و مادر و هم از حالت طفل اطلاع پیدا میکنند
باگاه که بچانه بچانه و در دنیا مکتوب کمال هنام دارد شیر دادن و تربیت او را

نقد
مبتلا بایست
شد و از شیر دادن
بطفل منع کردند و مادر
شد و کودک در هر چه بود
علاج او کوشیدند و بچانه
نکرد و روزی طفلش را
کریم کرد و از کوفت شیر
شیر پستانش آمد طفل را
دما نکرده و دانه بچانه
خالقش غیر شد کف
او که احوال داد بکند
طفل را با و آگاه شد
چندین مرتبه که شیر
مرض او علاج شد

بعض
اطفال مختلفه ضعف
با و بچانه بچانه بچانه
ساله است و کز قمت پستان
عجز دارند و تغیر میکنند
دو احوال طوطی و بچانه
شود باید که مقرر حفظ
شیر پستان بدندان او
بچانه بچانه بچانه بچانه
با فاشی بدندان او بچانه
هسته طم شیر بچانه
خود بچانه بچانه
بچانه بچانه
علی

در شیر دانی و مرکب آن مختلط

در صورتی مجوز است که شیر مادر و دانه که میخورد که شده و شیر دانه دیگر را هم میخورد و آنوقت معلوم است که شیر حیوان برای و بعضی غذاست شیر حیوان اول زبانه میخورد و با دانه اول مرتبه که و بندد بچ داد که شیر دارد و بشد با چنانکه داده با چنان حیوان را بدین اوقات که در چند روزی که میخورد و با این طریق حادث میگرداند که شیر الاغ با شیر گاو را در مثل خود آب داخل کرده بندد بچ آب آنها را که کرده بعد از یک ماه شیر خالص بدهند و این بین اندکی از غذاهاست که مناسب حال او است که بعد از مدتی که میخورد و با این اضافه کنند و اما همیشه مواظب باشند که شیر پستان مادر و دانه زیاد شود اگر کم میشود ما بوسه بزنند و هر روز بعد از سابقه پستان را بدان از یکدانه بدین شیر بیاورد و محتاج با اینها نشوند چه سبب است که به پستان همچنان نیست که از مکیدن طفل و گذاشتن دستها بر پستان بدن مادر حاصل میشود اما جای افور است که وقتی مادر را این طریق معمول داشتند دیگر ملتفت نمیشدند از او ما بوسه بزنند و میگرداند تا شیر یکی خشک میشود با بد طبیب ملتفت باشد و هر روز آنها را مجبور بگذارند شیر بخورند که در و بیند و این بین شیر نادر شود

طریق شیر دانی در شیر دادن از پستان حیوانات - در قدام
 زمانه متداول بود ولی از باب اینکه استعمال او شکل است و این باب که معمول در بعضی بلاد المانی و سوسن و نوز هم معمول است که طفل را بدست میگیرند و بر شکر حیوان بر دانه حیوان را میخورانند و پستان را بدندان او میگردانند و باندازند که کفایت میکند شیر بدهند شیر الاغ از باب اینکه در قیود و در جمیع صفات اشبه بشیر انسان است و با این مادر او و پ که است هم مشکل است از آن بکسر و بکند و طفل بقدریکه لازم است شیر بخورد و شیر گاو را از باب

مادر که توانست
 او که خورد و شیر بدند
 با بدین غذا که بکند
 میزاید این خیال که شیر
 میخورد و پستان را که بکند
 پستان را بدندان آنها بکند
 و اصل و کد بکند بکند
 چه پستان را که بکند
 او که نشانه و در و در
 داشته بلکه در و در
 نداشته در و در
 با و چون که حالت بکند
 محتاج در و در
 بکند و در
 علی

در
 اطفال شکری
 هم که نمیشوند از پستان
 شیر بخورند و در و در
 که شیر را بدندان بکند
 با آنها بدندان بکند
 و با این که بکند
 با آنها نشاند و بکند
 حیوانت بدست و بکند
 در متن مذکور
 بخورد
 علی

طریق شیر دانی از پستان حیوان

اینکه حرکت نمیکند و طفل زود بان حادث میکند ترجیح دارد اما با بدین روشها که از ایشان حیوان نکند شیر آن غلیظ نشد باشد و شیر مشکل را است بجهت اینکه حرکت میکند و نمیکند از شیر بخورد و مگر اینکه او را بخورد و به بندند تا بتواند شیر بخورد و این طریق بر اینست که شیر را بدوشند با پستان که با ظرف دیگر بدهند ترجیح دارد چیزی که هست اینست که اگر شیر غلیظ باشد نمیتوان این چیز دیگر داخل آن کرد که رقیق شود پس باید حیوان تازه داشت انتخاب کرد اگر ممکن نباشد علفهای تازه که مناسب سراج طفل باشد و بدهند که شیر رقیق شود و اگر لازم شود میتوان بعضی دو به هم که برای لازم میشود بخوراند شیر بدهند

طریق شیر دانی در شیر دادن از پستان و غیره - این است که
 شیر گاو و الاغ با شیر بز را بدوشند و بر حسب حالت طفل آب خالص یا آب مقطر یا آب بشی یا آب هلت یا مطبوخ بعضی را و به با ماء الشیر یا آب برنج یا آب نان بکند با آب بقیق و داخل آن نموده با غایت ظریفی که شکل آن مختلف است بطفل بدهند و با بد ملتفت باشند که مقدار شیری که میخورند با اندازه شیر مادر باشد که اگر بیشتر باشد موجب عسر هضم گشته و اگر کمتر بدهند اسباب ضعف طفل میشود شیر بکس بوزار میدهند با بد از حیوان نوزاد می باشد که مدتی از ایشان نکند شته تقریباً بقدری که زایش طفل باشد اگر ممکن نباشد بجز این است که همیشه از شیر یک حیوان بدهند و آنرا عوض نکنند برای این با پستان که هر قدر شیر تازه دوشید باشد بجز این است و بعضی مواضع برای اینکار حیوان مخصوصی که میدارند که هر وقت میخواهند شیر تازه از آن بدوشند و فی الفور به پستان بزنند اما در اغلب شهرها این حیوان ممکن نمیشود و بجز صبح و شام که حیوانها را

ببین
 (چنانکه) از قیوم
 معقول بود شکستن
 از در حاکم شهر و در
 خیل قدیم است پستان
 میاید و از او آب خشک
 نامند و او را با شیر
 پستان معقول است
 از آب اشک مختلف است
 هر چه ساده تر باشد که
 شیر و دانه با هم که
 شود بهتر است برای طفل
 صغیر که نمیتواند شیر را
 بقوت بمکد یک حوض
 و برای طفل بزرگ که
 بقوت بمکد اگر یک کوزه
 داشته و مادر میخورد با
 سوراخهای متعدد
 داشته باشد
 علی

Allaitement à l'aide du biberon

de l'allaitement par des animaux

طریق شیر دادن با پستانک

۳۶

میدوشند شیر ندارند اینست که اغلب ترش میشود و مودت بعضی امراض
میکرد پس باید در تابستان شیر را در موضع خنک خشکی بگذارند
شیر خام خیلی زود ترش میشود بجز این است تا دوشیدن با قدری
بی کربنات سود داخل از کنند آب با ماء الشعیر غیر که میخواهند داخل
کنند قبل از وقت داخل نکنند و وقتی داخل کنند که میخواهند با بخور
هر چه داخلان میکنند باید گرم بدردی که می شیر مادر یعنی سی هفت روز
با بکری خام مار به باشد با با تش گرم کرده تر مطبوک بگذارند تا با این درجه
گرم شود و شیر را با پستانک یا شیشه کوچکی که بدین ابرنا از کی که
بدوزان پارچه مشکی مثل طود گذاشته باشند بدهند اگر آنها حاضر
با طفل با اینها شیر بخورد با فاشق بدهند اول و ثلث و بیشتر با داخل
بعد نصف داخل کنند و آخر یک ثلث داخل کنند چنانچه وقتی نباشد شیر
چون بطفل بدهند در روزهای اول زیاد داخل کنند و در اول و ثلث
قند یا قند شیر بزنند که قند را سبک کند طریقه داخل کردن آب
بشیر از این جدول معلوم میشود اما اگر با شیشه میدهند با درها
آنرا همیشه در آب سردی که هر روز آنرا عوض کنند بگذارند و قند
دهند ترش نشد با شیر بریده و در دو جوب پیستاید آنرا عوض کنند
پستانک را هم باید بهین طور مکرر بشویند
که شیر ترش نشد در روز و آن نباشد شیر
حیوان محققا بخورد شیر را شش طفل
که مدتی از پستانک مادر شیر خورده او
از پستانک شیر میدهند اغلب این شیر
و فاسد میکنند بجز حال طفل آردی

اینکه شیر را در
موضع خنک بگذارند
قعات و شیشه را
که بپوشانند و از
طفل یا شیر را
بیاورد و در نیم
الوح و بخورد و
که چند روزی بدهند
اصلاح کنند و این
در وقت که با پستانک
شیر را میدهند مضم
نمی شود مقید
علی

Quantities de
lait coupé à
donner dans
les 24 heures.

روز اول	شیر	آب
روز دوم	۴۰	۱۲۰
روز سوم	۱۲۰	۳۶۰
روز چهارم	۲۰۰	۴۵۰
تا یک ماه	۳۰۰	۴۰۰
از دو ماه	۵۰۰	۳۰۰

نسبت شیرهای مختلف به یکدیگر

۳۷

از چنانچه پستانک شیر ۵۰۰ آب ۳۰۰
از شیر تا بالا تر ۸۰۰ ۲۰۰
بدهند و همینکه دفع ترشی سبک شد بتدریج که کرده موقوف کنند
که است که بتوان طفل ضعیف را با شیر حیوان بزرگ کرد گمانیکه نمک دارد
ناممکن است با برینا و در شیر حیوان ندهند چه بعد از تجسیر زیاد حتما کرد
موتای اطفا لیکه شیر حیوانات میخورند در صند پنجاه و موتای اطفا لیکه
شیر زن میخورند در صند نه بوده است بنا بر این باید هرگز با طفل لطیف با
اطفا لیکه مزاج خویش را در شیر حیوان ندهند بعضی از علمای شیمی میگویند
که از شیر حیوانات که در داخلان کنند مثل شیر زن بسیار بدین حالست نه تنها
از پستانک بلکه البومین شیر زن بیشتر است بلکه از پستانک شیر زن بدیج
و که در داخل مملک میشود و شیر حیوانات بکثره داخل شد بواسطه ترشی معده
بریده شده لخته های صلب غیر محلول از آن حاصل میشود و بدین شد اطفا لیکه شیر
حیوان را قوی کرده اند لخته ها که بعد و شاه بلوط که بسیار صلب بوده قوی کرده اند
و این هرگز از شیر زن پیدا نمیشود و هم در شیر حیوان دانه های کوچکی که
خیلی محلول و آبست قوی میشود و هکذا در اطفا لیکه از پستان انسان شیر
میخورند که دیده شده اما در دانه های شیر حیوان با از پستانک شیر میخورند
در بزرگان در بعضی امتحانات کوله کوه بقدر فتنه قوی اند

Etude comparative des divers
modes d'allaitement.

در نسبت شیرهای مختلف به یکدیگر

اول شیر مادر پس از آن شیر را به است مخصوص دانه که بخانه میبرد بجز این
که باید همیشه طبیب بپند و از اخبار نماید چنانچه هیچ گونه ضرر بر آنها نیست
نسبت شیر از آن شیر را در مرکب شیر دادن از پستانک حیوان است بر طبیب است که
از این سه را قبول نکند مگر آنکه پدر و مادر بی بضاعت ناچار باشند و اصل

در شیر با امتحان شیر

۳۸

بشیر دادن با پستانک داشته باشند و را مجبور نمایند در وقت مردوتا
اول شیر الاغ خالص بدون اینکه چیزی داخل آن کرده باشند بدو و اگر
الاغ پیدا نشود شیر گاو و بز چنانکه ذکر شد اول در و ثلث و بعد نصف
داخل کنند و در آخر یک ثلث آب داخل کنند و چنانکه بیان شد پستانک را
هم روزی بزنند و مقدار شیر را بطوری مقدار کنند که مساوی شیر مادر
باشد و با شیرانی که مذکور شد گاو میکنند و داخل پستانک کرده بدهند
و بر طبیب است که هرگز راغی نشود که در دو ماه اول بعد از تولد شیر
شیر مادر و دانه داده شود چه اگر بلافاصله بعد از تولد از پستانک شیر بدهند
چند روزی نمیکشد که تلف میشود

جدول معرفت اجزای شیرهای مختلفه	زن	الاغ	مادگاو	بز
آب	۸۹	۹۱	۸۷	۸۲
روغن	۲	۱	۴	۵
شکر شیرین	۵	۵	۵	۴
ماده پنبه‌ری که در شیر می‌باشد	۴	۲	۴	۹

Analyse chimique des laits généralement employés pour l'alimentation des nouveau-nés.

طریقۀ خامس در امتحان شیر — باید شیر سفیدنه خیلی
غلظت و نه خیلی رقیق باشد بعضی طبباء میگویند باید در قاشق ریخته نگاه
کرده قدری که در ته قاشق ماندن امتحان کرده و از آن حکم بخوبی بگیرد
میکشد یا آنکه چند قطره از آن را در روی ناخن بگذارد و اگر این مبین نرسد
بچه میکنند اگر زرد مبین نمیریزد میگویند خوب است اگر مریزد میگویند قابل تغذیه
نیست یا از قشاق که بر او ریخته میشود حکم میکنند حق این است که خوبی
شیر از نظر کردن تنها معلوم نمیشود مگر توسط اسبابی که آن را
(لاکسیک) یعنی ممتحن اللبن نامند آن کوچکی است و اروپا در اغلب

خانها

امتحان بطریق غیر فنی و غیره

۳۹

خانها دادند و از آن سنجی و سبکی و غلظت و رقت شیر معلوم میشود و با لاکسیک
یعنی ممتحن اللبن یا با ذره یا بواسطه تجربه شهبانی (امتحان بطریق غیر فنی و غیره)
و شهبانی مفید است اما دفعه تمام اشکالات نمیکند) افوس که این لاکسیک
دایکمان موجود نمیشود اگر هم بشود طریق استعمال آنرا نمیدانند پس استعمال
از کفایت کشت شیر را باید از عمل شیر خوردن و حالت طفل نمود که اگر مثلاً
تپا و شیر بخورد و بعد از شیر خوردن گریه نمیکند و رنگ و قوام براز و اوجالت
طبیعی است و بریده بریده و الوذیه بکافایت صبری نشود و قی نمیکند معلوم میشود
کفایت و کشت شیر خوب است و خوب هضم شده است این امتحان را باید مدت زیاد
و مکرر کرد و هرگاه طفل چندین مرتبه که پستان میگیرد و نقد بخورد که شیر
و پستان هیچ خالی نشود پستان او شیر زیاد کافی دارد و اگر طفل مضطرب
است پستان را زارها میکند و باز هم از آب میجو صلی میگیرد و بجای آنکه بخورد
گریه میکند احتمال کلی است که شیر آن گاو باشد یا اگر مدتی بعد از شیر دادن تا قبل
از آنکه میخواستند و باره شیر بدهند گریه میکند یا بدین معنی که گاو تر شدن از بول
و براز و سرفه و گوا و پوست مزاج است یا سنجاقی بجای از او فرو رفته یا خورد
یا یا با یکدیگر و خراشیده شده یا چیزی دیگر سبکی به شده یا چاره آن بگویند یا اگر
سبکی سبکی و هضم نشدن شیر است باید بگویند شیر نرسد یا از شیر هضم شود
پس تا طفل گریه میکند شیر نباید داده چه همیشه سبکی گریه نیست باید
سبکی گریه را دانست و بخار آن گویند که شیر را در موجب خستگی و ضعف دارد
و هضم نکردن طفل و حالت اعتدال و قولنج او میشود که هم سبکی گریه بگریه
و لجوج گریه طفل است و با صورت باید اعتدالی بگیرد و نمیکند که پس از چند
ساعت میشود که هر که طفل از گریه و کوی شیر گریه میکند از آنست که طفل
دانه بزکتر از این طفل است و پستان را بقوت میگیرد و میکند شیر را بخورد

هرگاه

کند
طفل بگریه
اینست که وقتی پستانک
شیر را در دهان بگذارد
کس میشود که گریه
معدن افتاده از قاشق
افعل خوردن از ممانند
پس باید در وقت خوردن
شیر و خواب این و دانه
بهلوی ذات
بجوابند
طی

مکانه
طفلی را نام بزنند
پاست ها و بکر با بچه
الفور شیر دادن با پستانک
ترک کنند که شیر آن
و دانه بهلوی و هم چنان
ماد را بزنند با لاکسیک
شیر را بزنند
علی

میزان شش ماهگی

۴۰

همه را میخورد و این طفل از شیر تغذیه میشود و با دوا و پستان دانه طفل
 را بهر مدتی که کند و وقت این طفل را به پستان بداند از آنجا که ممکن باشد
 چند روزی تمام شیر را به پستان بداند تا خوب جاری شود و وقت این طفل
 بداند اما وقتیکه شک دارد و نتواند شکم کند که سبک بهر چشمتان بد
 طفل را با تر از و بکشند از کشتن مقدار شیر بزرگ و در بیست چهار ساعت
 خورده معلوم میشود اگر بیشتر خورده باشد کمتر کرد و اگر که خورده باشد
 کرد و در بعضی اوقات طفل و غایب بزرگان و از وی مخصوصی برای آنکه
 وزن اطفال معلوم کنند که از و اندو برای اینکه نمود روز بروز و مقدار
 شیر که میخورند میفهمند هر روز طفل را میکشند اگر بکروز به بیند از آن
 و زنیکه نباید باشد باشد کثرت شده میفهمند که با شیر را و که داده شده باشد
 غرض از کشتن با سبک بکردار و اگر به بیند وزن او زیاد شده ملا خطه می
 اگر تغییر خالک مثل کرب و مویست مزاج و نفخ و سنگینی مقدار و شیر از مقدار
 مشاهده میکنند ملنگ میشود که شیر زیاد داده شده هضم نکرده است
 بخار و او میگویند اگر اینها نیست معلوم میشود که نمود بواسطه خوبی
 هضم زیاد تر شده است و از همین معنی کرده اند که در روز اول و دو
 تولد وزن نوزاد از وزن جنین تولد کمتر شده و این از بابت خارج شدن
 مواد کثیف که در اندرون او بوده (عفی بول که مدتی مانده بودند) و
 خشک شدن و افتادن زینتانی و شروع تغذیه و جلد بیست روز پس از آن
 بران افزوده شده و وز چهار ماهه بوزن دو تولد میسرید و بوزنایی
 میبرد و از آن بر سبیل ناقص است چنانکه در ماه اول روزی شش مثقال
 بر وزن افزوده میشود در ماه دوم پنج مثقال و نیم در ماه چهارم چهار مثقال
 در ماه هفتم دو مثقال و نیم در ماه دوازدهم یک مثقال و نیم که هر قدر از زمان تولد

لغت مدینه
 برای معلوم کردن وقت
 شیر ادرار نمود که شیر
 بلوله که بکشد آن را
 و وسیع و طریقه بکشد
 تنک و مسک و در آن
 منقسم شد بهر روز
 جوهر که میخورد از آن
 شیر بخورند و تمام از
 از شیر جدا شده بالانند
 بر شیر بهر بابت از وقت
 تولد را بر تکیون کرده بر
 میگردانند و چون بالا
 بطرف شکم تولد که
 بدو را منقسم شد بهر
 در جاک ملا خطه کرد
 بهر معلوم میشود که
 شیر بهر قدر که از و
 بکشد و بکشد
 علی

دور

در تعیین نمودن وزن

۴۱

دور میشود نمونکه میشود با بد طفل را در صبح ناشنا که تخلیه کرد شیر
 بخورده باشد بکشند و بعد از شیر خوردن هم بکشند از این جدول بکشند
 وزن متوسط موجود ماه بماه طفل را بچهار روز بر وزن افزوده میشود و معلوم میشود

وزن متوسط طفل	وزن پستان بیا	وزن طفل	تولد
۵ مثقال	۵۰ مثقال	۵۰ مثقال	مأول
۴ م ۱۵ نخود	۴۰ م ۱۴	۸۰ م	مأول
۴ م ۱۰ نخود	۳۰ م ۱۳	۹۰ م	ماه دوم
۴ م	۲۰ م ۱۲	۱۰۰ م	ماه سوم
۳ م ۱۵ نخود	۱۰ م ۱۱	۱۱۰ م	ماه چهارم
۳ م ۱۰ نخود	۱۰ م ۱۰	۱۲۰ م	ماه پنجم
۳ م	۹ م ۹	۱۳۰ م	ماه ششم
۲ م ۱۵ نخود	۸ م ۸	۱۴۰ م	ماه هفتم
۲ م ۱۰ نخود	۷ م ۷	۱۵۰ م	ماه هشتم
۲ م	۶ م ۶	۱۶۰ م	ماه نهم
۱ م ۱۵ نخود	۵ م ۵	۱۷۰ م	ماه دهم
۱ م ۱۰ نخود	۴ م ۴	۱۸۰ م	ماه یازدهم
		۱۹۰ م	ماه دوازدهم

Poids moyen
 et augmentation
 mensuelle.
 Augmentation
 quotienne.

بر طفل یک در وقت تولد وزن او بکروز و مثقال بود و در آخر سال اول وقتیکه
 نمود بطور طبیعی باشد بکروز پنج سیر میسرید اما این وزن و این نمود همیشه
 با نظور منظم نیست هرگاه طفل بیشتر از آنچه مذکور شد شیر بخورد و وزن
 او بیشتر میشود اگر مرض جزئی غرضان شد کمتر میشود از وزن او بایستی
 کرد که در فغان شیر دادن طفل را منظم کرد که در روز هر دو ساعت و در شب

هر چهار

در تغذیه و مقدار و وقت شیر دادن

هر چهار ساعت اگر طفل خوب پستان میگیرد بدین امانا اگر قدری بعد از شیر
داد زودتر از آنکه دوباره میخواهند شیر بیاورند بدهند که میبندد یا بدفعه بسیار
این که به چپش بچاوه ان بکوشند تا آنکه ناکر که میبندد شیر بدهند که سبب
مضم و قویج گردد معده نوزاد بسیار کوچک و احسان باینکه چه قدر شیر بخورد
ندارد این است که گفته اند باید دفعات شیر دادن آنها مقتدر و معتدل باشد
اگر بیل آنها و گذاردند زیاد بخورند بعد از شش هفته ای و ماه و هر چه
نوزاد بزرگ میشود فاصله های شیر دادن را باید زیاد کرد چنانچه در
سن پنج الی شش ماه در شب بیشتر از یک الی و مرتبه شیر نباید بدهند ولی با
وجود این باید چنانکه گفتیم ملاحظه کرد که طفل چگونه از اضم میبندد اگر
خوب مضم میبندد معلوم میشود که کثرت و کیفیت شیر خوب است بالجمله همیشه اگر
شکی پیدا شد باید طفل را تا تراز و کشید که از کشیدن هم مقدار شیری را
که طفل در یک دفعه میگیرد و در ۲۴ ساعت خورده و تغذیه روز
بروزی و وزن طفل معلوم میشود

از این جدول که بوشد در رضاعه قابلکی یار پس (ما ترنیتیه)
مقدار شیر را بکشد و بختی که کرد که مقدار طبیعی شیری که طفل از دو
تولد و بعد از آن روز بروز و ماه بماه میخورد معلوم میشود

Quantité de lait par tétée et en 24 heures.		
روز اول	(مقدار)	از یک دفعه یکین
روز دوم	۱۵	در ۲۴ ساعت
روز سوم	۲۰	۱۵ مثقال
روز چهارم	۲۵	۲۰ مثقال
روز پنجم	۳۰	۲۵ مثقال
روز ششم	۳۵	۳۰ مثقال
روز هفتم	۴۰	۳۵ مثقال
روز هشتم	۴۵	۴۰ مثقال
روز نهم	۵۰	۴۵ مثقال
روز دهم	۵۵	۵۰ مثقال
روز یازدهم	۶۰	۵۵ مثقال
روز بیستم	۶۵	۶۰ مثقال

الی

در طریق غذا دادن به شیر

الی سه ماه	مقدار	در باز دفعه	در ۲۴ ساعت
چهار الی پنج ماه	۲۰ مثقال	۴ مثقال	۱۲۰ تا ۱۴۰ مثقال
شش ماه	۳۰ مثقال	۵ مثقال	۱۴۰ تا ۱۶۰ مثقال
هفت الی هشت ماه	۳۵ مثقال	۶ مثقال	۱۶۰ تا ۱۸۰ مثقال

طریق شیر ساق

در غذای مادر و دایه - مادر و دایه همیشه
غذای حادی خودشان یعنی همان غذا باشد که در حالت صحت معده بودند بخورند
هرگاه کسی بخواهد دایه ای که معده او بدست آمده قلیل التغذیه که کلیه نباتی بود
غذای حیوانی مثل گوشت تخم مرغ و غیره بدهد او را مریض میکند و شیر آن
خوبی را فاسد نمینماید و اسباب این میشود که عادت حیض او رجوع کند یا بلب
فرجیح او و نفضان شیر او کشته قوتش را زیاد کند و زیاد اتفاق افتاده است
که در این حالت بعد از چند هفته دایه خیلی خا و شیر آن تمام شده است این
سهواست که بعضی گفته اند بعض غذاها مخصوصند باینکه ترشح شیر را زیاد
میکنند همان غذاها باشد که باینها عادت داشتند سبب سبب سبب سبب سبب سبب
دایه را که از دهان و جای دیگر مینماید و بعد بواسطه تغیر عادت و تغیر
غذا و خشکی سفر غصه و خوف و غیره شیر آن کم میشود باید چند
روزی صبر کند شیر طفل دیگر با شیر او آب حل کرده بطفل بدهند تا از
عادت کند و بحالت طبیعی خود بر گردد و وقتی با اهل خانه انس بگیرد
شیر او باز زیاد میشود

باید که مادر و دایه همیشه از اعراض نفسانیته موقتیه اجتناب نمایند بجهت اینکه
مگر است شیر بکلی فاسد گردد بلکه حالت سستی در آن احداث نماید که شد
از هر مریضی که در و برای این حالت حکایات و اتفاقات زیاد میست یعنی از آنها
بیان میکنم شخص قصاصی در خانه خود یا سرایزی نزاع کرد که سر از او شد

غضب

De la nourri-
ture de la mère
et de la nourrice

در تغذیه
ملاحظه شود که اگر کسی
دیگر غیر از آنکه شیر او را میگیرد
و با او انس داشته باشد و او را
شیر بدهد او را مریض میکند
و شیر او را فاسد میکند و اگر کسی
او را بکشد که ترشح شیر او
شود و در حالت سستی او
شیر او را زیاد میکند
تغی عادت او

در طریق سون نایبها

۴۴

غضب بشهر کشید بطرف قضاب فت ذقضاب که اول انخالک زادید
شرع بلز بدزد که در سبکدازان که در همچنان آمدن شمشیر اودست سر ناز کوفه
شکست بدو انداخته فاذا مبهکه هنوز در اینجا لک محراب شد بدو طفل را
مانده خود را که در کمال سلامت بود و در کاهواره خود باک میگردید و با شکر
شیر ذره و داین بین که طفل شیر میخورد و در فتنه ایشان را زها کرده چندان
در من خود را با و کرد و در بغل نادر میبرد

دانه دیگر را برای نفس کشی که کرده بود از درند و فتنه در اینجا لک طفل شیر ذره
فی الفور تشنج عارض طفل شده حالت او دیگر کون شد زنی دیگر زیاد
مست شده بود طفل خود شیر ذره پس از لحظه تشنج عارض شد

پس اگر مثل این اتفاق برای مریض افتاد باید شیر ذره را ترک کرده
مطبوخی از زرد فون با برک نارنج بنوشد تا او احتیاج و بعد شیر خورک باشد
با شخص جوانی انرا بمکد و بچرخانند و در پوزان شیر بدهند نباید با به زانجا
بخصوص بعضی دانه ها که بروج و فنادانند با دانه او مهر لایه کرد که دل و زو خیر
طفل شود اگر او دانه کشند و در دانه و فنادان شیر بقل کرده بلکه طفل را

از دانه کشند و بچغذا او نکوشد و او را تلف کند ملاخطات دیگر که دانه مادر
باید بدی نماید در هواهای خالص خشک زندگی کرده و هر دوزه ریشا
و حرکت داشته باشد و دینا نهی خود را از سر حفظ نماید و قتی که جزینا
نفا سر نام شد محض با کپرتی انجام برود بعضی بجان کرده اند که جماع خالت شیر
بد میبکند و برای طفل ضرر میشود این خطا است با جماع دانه کرد و نباید
که کرد آینه در دونه های فربه و قوی که خالک صحت کامله دارند ضرر که بشیر ذره
ندارد و کتب انرا که در ضرر بکفایتان دار و مادر دانه لاغر و ضعیف دیگر
است این شیر ذره که و نیز یک کرده تغذیه انرا که میبکند با لجه نمیتوان برای

مطلب

چنانچه
دانه کشند
دعا انجم
پیشام
شیر ذره
نمایند
بیشتر
دانه کشند
آینه بدو

در اندازه شیر غذای طفل شیر خوار

۴۵

مطلب حکم کلی خود مکر اینکه بگوئیم و قتی که لبن میشود ما ذامکه طفل را
سال است شیر بدد و در همینکه ضرر شیر بطفل میبرد که ضعیف و لاغر میشود
شیر را قطع کند

اغلب در وقت شیر دادن حبس کلی موقوف میشود و این برای اینست
که در نایب خون بطرف ایشان رفته و شخیل بشیر میشود پس در میان شش
و جریبان حبس رشت و رابطه شش خفا انچه اغلب قتی که حبس میشود
که در کمین میشود و در اینجا لک باید طفل را از شیر ببرد اما با وجود جریبان
حبس هرگاه هیچ ضرری عارض نشود و طفل در کمال سلامت باشد با بهمان نظر
شیر بدد بسیار شایع است که در زنان شیر ذره از هنگام وضع حمل ماه یا هفت ماه
که طاری میشود غارت میشوند و با وجود آن طفل انها سال است که قتی که
دانه انتخاب کنند نباید تا به را که خاضع میشوند انتخاب نماید بجهت رجوع
و لیل است بر اینکه شیر ذره را تمام میشود

طریق سابقه - و در اندازه شیر غذا دادن طفاک در آن
مطلب اول در وقت که اول بطور اطمینان بکند و در خورد هر چند

مرتب و مرتب غذا که میخواهد شیر بخورد بجهت اینکه هنوز عادت نمیکند نکرده کم
میخورد و در بین جماعت و ساعت و فاصله شیر دادن میخورد و چندین دفعه
راحت میکند پس بعد از آن اگر مقتضی باشد و فعات شیر دادن عازان را بداند
اما اگر شیر ذره خورده باشد بخوانند کمتر بدد و با به او دانه و دانه خوب
تفرج بیند تا فاقا شیر را فراموش نماید پس از آن برای خواب حالت نوزاد شیر
دادن را منظم و عدد و فعات انرا معین نماید بجهت اینکه منظم کردن و قیام
دانه ان برای صحت و لا از است و صوابا بد ملتفت منظم نباشند اگر
منظم نمیکند بر حلیت که در منظم نمایند و هم منظم کردن ان فائده دیگر دارد

کطفل

De la quantité
du lait donné
aux enfants.

در تغذیه نوزاد و شیر و غذای او

۴۵

که طفل و ذایه در شب مان را حتی دارند با بد ملتفت بود که اینقدر باید طفل را به پستان گذاشت که در کمال میل و سر پستان را بمکد و غصه از دهنش بیرون میخورد و خوب پستان را نمیکرد فی الفور بردارند و قتی که تن طفل را باد شد هر دفعه ذایه شیر میخورد با بد ضلالت او را که کرد بقیه که سالی چهار مرتبه در روز و یک الی دو مرتبه در شب بیشترند و این وقت است که تغذیه طفل خوب است حال خوشی دارد و وزنک و خوش خلق و خندانست و خواب آسوده اما وقتیکه بیکس از پستان باید شیر را که کرد و غصه که سبب تغذیه چیزها

برفع آن کوشید

مطلب چهارم - در اینکه چه هنگام با وجود خوردن شیر طفل غذا باید داد اگر گفت و گفت شیر خوب باشد بکمال تمام بجز شیر چیز دیگر ندهند بجهت اینکه شیر غذای است که طبیعت طفل است واسطه مابین غذای حیوانی و نباتی دارای مولد است که نوزاد با آنها نمیکند و از باب مهولت هضم مناسب بعد از ضعیف و در اول طغیانی چیزی قائم مقام آن نمیشود بعد از یکسال شروع تغذیه سبک اغلب در ماه پنجم و ششم از بابی که شیر را در لازم میشود که بطفل چیزی غذا بدهند در آنوقت اگر شیر را به شیر کاوی که ماء الشعیر را خل کرده باشند اضافه نمایند کفایت در تغذیه میکنند چیزی غذای سبکی هم بان بپذیرانند

Epoque de la nourriture donnee aux enfants pour dont l'allaitement

مطلب پنجم - وقتیکه میخواهند شروع تغذیه کنند با بد غذای اختیار کنند که مناسب حال طفل باشد و مفید شیر باشد بجز این غذاها برای طفل شیر خواره آب کوزه و قتی است که جری نان داخلان کرده باشند بجهت اینکه طبعی که در این موایل میشود است سریع الهضم تر است از اینکه بجز آب گوشت قدری شیر اضافه کرد که سبب شیر را بان گویند و بعد از آن چنانچه در طریقه ناسعه هم ذکر میشود قدری شسته فربانی و پکا و شلبا اینک آرد

Commencement de la nourriture.

سبب

در تغذیه طفل از شیر

۴۶

سبب متبوع اخلان آب گوشت کرده بدهند با برنج و آب ابی کمی نمک بچند انگشت شکر داخل کرده بخوراند و با بد تمام اینها که گفتیم که کرم نباشد شش هفت ماه که گذشت ممکن است از جمله غذاها ای آنها را آب گوشت متعارف را بدهند از آن هر روز با یک در میان برای آنها تهیه کرد و هم چنین میتوان مغز نان را در آب گوشت فربوده با آنها خورد و اینها آنکه شربت قند که اندک شراب و آب بچند باشد نگاه گاهی قدری مان داخل این شربت قمری کنند قائم مقام اش میشود و این غذای سبکی است که در وقت تفریح با طفل میدهند

طریقه ششامه در نظام - مقصود از نظام این است که در یک طفل شیر ندهند و برای آن وقتی باید اختیار کرد که طفل در کمال سلامتی بجز این است و بجا و با شیر او را از شیر بکشد و در پستان که احتمال میبرد مریض شود هرگاه ملتفت شوند که اسهال دارد و با د و وقت و با مبتلای بکلون (اسهالی که قبل از و با م عارض میشود) از شیر بکشد اگر هم از شیر کشته باشد و دوباره بدهند تا مریض بانی بکلی و قوت گرفته اتفاق کرده اند که طفل در پرتو شیر بکشد بجز شیر تا از دو شیر بکشد مگر آنکه ضرورتی داعی شود که در دو شیر بکشد حد وسط شیر را در بعضی بجز را در دو دانه و با جمیع دانه های شیر قرار داده اند ولی این غذا عشا را نذر بجهت اینکه در بعضی دانه ها زود تر و در بعضی دیر تر بیرون میاید چنانچه مذکور خواهد شد بعضی با دندان متولد میشوند بعضی دیگر از بیست ماه تا دو سالگی را میسر میکنند بالجمله برای اینکه خطر این شستن و مریضی که در آنوقت عارض میشود بکشد و با صبر کنند تا دندانهای اولیه تمام خارج شوند آنوقت از شیر بکشد گاهی وقت شیر کرفتن غذا دادن میسر شود و هر غذا اینک بطفل میدهند هضم نمیکند و در روز ضعیف میشود از اینست که معده او هنوز قوت هضم غذا ندارد و بخور

اگر

Du Sevrage.

شرح بکری از شیر

۴۸

اگر غذا اعتدال غلیظ باشد که محمل است موجب زردی و ماس شود در آنوقت بکری
 باید انداخت و شیر بدهند که معده قوت بکند و بتواند غذا را هضم کند اما باید بگویم
 اگر خیلی از موعده شیر گرفتن بگذرد باز شیر بدهند طفل از تمویز میان نبت و
 لاغری و استخوانهای او نرم ماند و منعده گشاده (و استنبیسم)
 میشود چرا که شیر باغذای نبت که کفایت بدو ندارد و وقتیکه هم دندانها
 بزیر آمدن طبیعت غذا مطلب بدینا بدیهه شود شروع بدادن غذا کردند تا بگذرد
 شیر که کند که هر قدر غذا را بیشتر میکنند شیر را که کنند و که هر قدر از شیر
 موقوف کرده در بین روز هم از فضائ آن بکاهند بعد از مقدار آن که کنند
 تا بکلی قطع نمایند شیر گرفتن بعضی اطفال خیلی مشکل است متصل کریم میکنند
 پستان را میخواهند و اینحال که بدباید و اما تلخ و بدتر مثل تنور آفتابین
 و جنطیانا و صبر و در پستان خود بمالند که دیگر پستان را نکند و همینکه طفل
 از شیر گرفتن عجز دارد و دادن گوشت غذا های قبل غلیظ نکند از غذا
 او و نباتی و بنزدیج گوشتها طعم و غذا های حیوانی بدفند که موجب
 تحریک و در مجرای تغذیه نشود

دانت که در شیر
 قند و نبات است پس اگر غذا را
 بکری تیره و شیر بدو غلیظ
 او را صبر و صبر و صبر و
 حیوانی و نباتی که قند
 ندارد و کند طفل را بفرستد
 لایق نبات و غلیظ غذا را
 قند نام دارد یک قدر را
 با و بدفند
 علی

Sevrage rela-
 tivement aux
 nourrices.

حالت فطام نسبت به ماه کلیه هر قدر که شیر بطفل شیر بدهند بدتر بچ شیر او میشود
 تا وقتی که بکلی قطع کرد شیر تمام میشود اما کاهیه یا وجود فطام شیر او که نمیشود
 در اینحال باید هر روز صبح کل زبر فون را تلخ کرده یک قاشق آتش خوری
 اکبر بکری نباتی داخلان کرده بخورد با یک آلی و بطوری آب بدینا بهر
 شیر است و منبری میشود

طریق نهم سحر -- شروع در گرفتن از شیر باید ببنوی باشد که
 مذکور میباشد شیر از صبح را مبتدئ بدادن چند قاشق شیرین نماید و در روز
 اول از غذای بدینا بکراحت دارد و هیچ چیز غیر از شیر خود نمخواهد اما نبات
 باجاک

غذاها مناسبت طفل صغیر

۴۹

با اینحال اعتدالی که در طولی نمیکند که طفل انرا خواهد خورد و بهیچیکه اگر
 در همان ساعت فرغند از باز نهند و تقاضا نمائید این فرغ از امکان است از
 کند با جو و غیره با چنانچه مذکور میشود ساختن بکری است از و اختل کنند
 و با اقسا بسیار ملاهم که زباد بخار نکند با آب یا با شیر بریزند در و ذوق اول
 چهار قاشق آتش خوری بدفند که فرغ آنرا بچشد و هر روز چند قاشق نبات
 چند که گذشت روزی و مرتبه از آن فرغ یکی صبح یکی عصر بدفند تا
 که گذشت یکی صبح یکی ظهر یکی عصر بدفند و از این روغها بعضی آنها
 بچرخید با قدر کوه با نبات بر یا رشته فرنگی یا مغز سیب یا بکری نبات
 اغلب اطفال مرق گوشت کاه و با جو و را خوب هضم کرده بعضی دیگر آنها
 خوب هضم نمیکند و ای آنها مثل مصلی میشود با عصاره حقیقه غیر از اینست
 برای آنها چند قسم است و طریق بخن و عصاره ککر و نباتان کنیم

Allimentation
 preparant au
 sevrage

فرنی منعابری

این
 یک قاشق آرد کند و در چند قاشق آب سرد بریزند و که شیر داخل کنند و
 همسطور بزنند تا بشد متعال برسد و از باقی ملاهم بجوشانند و متصل
 بهم زنند که آرد بقعر ظرف بچسبد فاسد شود انگاه چند حبه قند بان
 بیندازند و قدری نمک هم داخل کنند و معقول دارند

Bouillie d'avoine

فرنی از جو

طریق تهیه آن مثل فرنی آرد کند است ولی میتوان از آب پن قلم تهیه نمود
 یک قاشق آرد جو را در و قاشق آب سرد مخلوط نموده زباد بزنند که کلو کلو
 نشود پس صد متعال بکری آب جوشان داخلان کرده تا نیم ساعت بجوشانند متصل
 بهم بزنند که غلیظ شود آنوقت هر قدر از آن میخواهند بردارند و ظرف دیگر
 و بچینه بدهند و شیر بر روی آن بزنند که روی آنرا بپوشاند بهم بزنند بجو را

چون که
 کدو نان مخلوط
 میشود و آب سرد
 بکری تیره و شیر
 از آن سبز میشود و
 نمک اندک در تمام
 میشود با جو معقول
 برقی تیار و زرد اما از آب
 آبکاز خوش طعم
 جو غلیظ

این فرنی را
 در ظرفی
 بپزند و
 با آب سرد
 بزنند

غذاها بکریکچند فطام برائید

۵.

در این قسم عنبه هم ارد بخوبی بچند میشود و هم شهرمدنی نمی جوشد که غلیظ
مکانه بخوانند از ارد برنج و ارد عدس و تاپیک و غیره خرفی بپزند میتوان بهر قسمها

ارک شیری

Farine lactee.

نان سوخا و بزا کوبیده داخل شیر کنند و اگر میخواهند با پستانک بدهند یک قاشق
اذا نرادده قاشق آش خورک آب اگر میخواهند از آن خرفی بپزند پنج قاشق آب
داخل نمایند و دق بپزند و روی آتش بگذارند تا طبع شود بدهند

راکا و عزمها

Racahout des Arabes.

غلب کوبیده کاکا او کوبیده مغز پسته بچند ارد برنج قند سفید مسخوق
شکر بکوبه با وانیل معطر کرده بلوط شیرین کرده بوداده کوبیده از همه اینها
خرفی با آب با شکر طبع نمایند از نبات آنکه خوش تر است و دهنم میشود عنبه را

انکوشت نان

Soupe au pain.

پوشان زانند که بمالند و در روی آتش بپزند و از آن خورد و خورد
کنند و در ظرفی کذارده افتد زاب بر آن بر پزند که رو آنرا بپوشانند و میگو
بجوشانند که نان خوب بچند و از هم پاسته شود بعد صا کرده قند و نمک داخل کنند و معده

لشکر شیر مرغ

Lait de poule.

زرد تخم مرغ آب کمر شکر سفید عرب بهار نارنج زرد تخم مرغ
ادانه بلبله ه مشال امشال نیم ناله کمر پاد
برزند شکو بهار نارنج و داخل کنند اطفال از هر خلیه زرد تخم مرغ میکنند و از رو

انکوشت جو جگر

میل بخورند
Bouillon de poulet

جو جگر و اگر پوست و آنرا نکرده باشند قطعه قطعه کنند و صد مشال هم
کوشک و بران بپزند و قند نمک بر پزند و در حصار صد مشال آب و والی

ساعت

غذای اطفال صغار

۵۱

تا غل بجوشانند چربی روی آنرا که موجب سوء هضم و اسهال میشود بردارند
و با پارچه نازکی صاف کنند و بدهند و اگر میخواهند اش شود برنج با بلغم
با جو مقشر و نان بجوشانند و آنرا بکذارند سکه بشود بخورند

Bouillon d'urgence.

انکوشت فوری

هرگاه ضرورتی نماید شود که تعجب باشند یا شدند صلالی و شب مشال کوشا
خوب بپزند و هر شیری که میل نمایند بپزند که خاخر کرده باشند که زرد
چهار صد مشال آب بچند بجوشانند تا یک نعلین بماند صا کنند در کمتر
از یک ساعت بکوشش بسیار خوبی حاصل میشود

Bouillie de la
farine de blé pour
la diarrhee.

فرنی آرد کدو سبب اسهال

یک پلرد زرد و پارچه بچند و درش را جمع کرده کلوی آنرا با روغن بانی بر پزند
و زاب جوشانند و از زده ساعت بجوشانند و پیر و زده خالی کنند و از
سخت و زانده دانه میشود و از خشک بپزند هر وقت میخواهند یک قاشق از ارد
پنج مشال شیر بجوشانند تا بچند شود و اسهال و ذوسطار با و متربک معده است

Bouillie de lentille
au lait.

فرنی عدس با شیری

بکپزند یک قاشق آش خوری ارد عدس و کمتر از یک قاشق ارد کدو و قند
مشال شیر اول ارد ها را با کمی از آن شیر مخلوط نمود و زاب بپزند و قند کنند
نمک داخل کرده و در ظرفی بچند و بهنگه بپای جوشانند که زرد که بقیه شیر را
و بچند و بکپزند و زاده دق بپزند بجوشانند اگر لازم شود میتوان یک زده
قیم در نزد یک برداشتن بان اضافه نموده بپزند و بکذارند

Du riz au lait.

شیر برنج

سه قاشق آش خورک برنج زرد و صد مشال شیر و بچند بجوشانند و بپزند
تا برنج بچند شود و قند میخواهند بردارند قند داخل نمایند استمال کنند میتوان

انرا

فصل در نگاه داشتن اطفال شیر گرفته

۵۲

از آب بریزند و کوبند و بوی برنج با او در برنج ساخته که خسته میماند با آب افتاده و شکر

فرنگی قهوه نمود

De l'eau de riz.

آب برنج

مقدار برنج نایک کوزه شسته زامدت سه ساعت ز آب گرم بپزند پس از آن بپزند و زده در ظرفی نهاده بقدر کفایت آب بریزند و آن را بکفایت بالتش ملائم بپوشانند و صاف کنند اندکی لیموی عمانی کوبیده داخل آنجا کرده کنند اگر لازم شود یک تخم کینیا که هم باز اضافه نمایند در آنجا مفید است و در وقت با شیر هم از اغذیه مناسبه اطفال است

De la camelle au lait.

شیر بادی ارچین

پنجاه مثقال شیر و اندکی دارچین نرم کوبیده و قدری قند و یک مثقال شکر کینیا داخل کرده بپزند و در آنجا مال مفید است اگر لازم شود قند کرم کرده بد

De la viande crue.

گوشت خام

گوشت بزرگ مرغ یا کوسفند را کوفته یا رچه یا رچه یا قهقهه کنند مثل آن قند کرده در مایه و بپزند بقدر بکوبیده آب شود در آنجا مال هر دو سه ساعت بلن مثقال نیم از آن بدهند

Jus de viande crue.

شیر کوشن خام

گوشت بزرگ مرغ یا کوسفند را کوفته یا رچه یا رچه یا قهقهه کنند مثل آن قند کرده در مایه و بپزند بقدر بکوبیده آب شود در آنجا مال هر دو سه ساعت بلن مثقال نیم از آن بدهند

De l'eau d'orge.

طریق تهیه ماء الشعیر

مقدار مثقال جو را اول در آب سرد شسته بپزند و بقیه را ز آب گرم بپوشانند آن

الها

ملاحظات ثانیة فی حفظ اطفال

۵۳

آب را بریزند یا نریزند سرب را غ بر روی آن ریخته بملائمت بپوشانند تا بک چنانکه آب باقی بماند با قدری پوست لیموی عمانی از معطر نماید اگر لازم شود قدری قند داخل کرده بدهند و آنرا غلبه بدون شکر است اما بیشتر

فصل سیم

در ملاحظات ثانویه از نظافت و پاکیزگی و حمام و لباس و خواب اطفال و در آن پنج لحاظ است

Des soins de propreté, des bains, des vêtements, de l'exercice et du sommeil.

لحاظ اول - در نظافت اطفال و در آن چهار مبحث است

Propreté.

مبحث اول - از زمان تولد باید بر حسب حال طفل هر دوزه با

ملک در میان با قطعه ابر نرمی که در آب نیم گرم فرو کرده باشند بکمال سرعت

Lavages quotidiens de tout le corps.

بتمام بدن طفل بگردانند و بشویند و اگر در جلد خراش و سرخی باشد با شستن نشاسته بپزند و بپاشند و این در اطافی باشد که موای آن سرد نباشد و در مقابل آتش باشد و فی الفور بدن او را با پارچه نازکی خشک کنند و لباس او را

بپوشانند و کمی بدن او را بمالند که گرم شود (اما نه بسوی) بکوبیده شستن بآب

نیم گرم جلد را ضعیف میکنند و باید جلد را قوی و مستحکم کرد که حالت عرق منظم

کود که اصل در صحت اطفال است پس باید در او ابل چندی آب نیم گرم است

کرد و بعد بتدریج باید شستن بآب نیم گرم و ترک کرد تا آنجا که آب نیم گرم

گرم باشد با سطر پی که تمام بدن را در حالتیکه از سر صورت شروع کنند بشویند

اسطر بقیه در تمام قشرها را غلبه ملل معمول بوده و صفت بعضی مادران را جو

می بینند در مرتبه اول طفل قریب میکنند از آن مشابهه میکنند اما اگر

حقیقه بچه خود را دوست دارند و میبای آنرا است که طفل را بشویند و

شست شو برای اطفال ضعیف لازم تر است با بدانها را بطور منظم هر دوزه

شست و شو کرده باشد و آنها را در آب خوض یا در دخانه یا در پارچه فاغله

دهند

در نظافت و پاکیزگی اطفال

۵۴

دهند بعد از چند روز که کرم کردند عادت میکنند و این یکی از بازیهای و شوخیهای آنهاست و در مدت این شستن هم را میخندند و بچین زاده را اگر اسهال بقیه معمول بود اطفال همیشه ساله و از اکثر اوقات محفوظ میمانند فائده کلی شستن شوازیست که دیگر عرق زیاد نمیکند و مواد را از آنها اثر نمیکند و در سرما و اشتها منخوردند و از بسکه از امراض مثل امراض جلد و حالت صرع و زکام و زلزله و ذات الحجب ذات الریه محفوظ میمانند و چندیکه میگردد نوی میشوند و صحت محکم پیدا میکنند و در این ايام فواید استعمال آب سرد بعموم مردم محقق و واضح شده است و بجز این اعمال است که مادران را با برادران معمول میداریم و در بارین زیاد متداول شده است قلیسوی برای اینکه مادران را مطمئن کنند طفلی که از استعمال آب سرد بکمال قوت میرسد بجهت نشان میدهد پس باید بچراغ شوازی استعمال کرد و در حقیقت برای پیشگیری و حفظ صحت اطفال بجز اینها نیست بخصوص در اطفال ضعیف لطیف ساکن شهرها و این میتوانند مقام غالب غایبها حفظ صحت کرد و پیش شستن شوی بکند و آب سرد از اعمال بسیار نیک است اسباب جلب حفظ صحت میشود و اگر کسی نتواند خوب بشناسد این عمل را در تمام عمر میکند

مبحث و غیره - در پاکیزگی آنها - هر روز باید سر طفل را شست

و شستن شو کرد و مامون پاک کن زد غالباً مادر چربا بسوخته شخصی در و پیش سر آنها را میشوید و عوام میگویند نباید از بر داشت و این خطا است که اگر از این بزدانند سبب رمد جلد شود و کجای پیدا شدن طبعه کلفه میشود که در زبان چربا پیدا خواهد برای برداشتن آن باید هر روز صبح و روغن زیتون بمالد و پاک و وسعت بعد از آن با مامون پاک کن بمالد و اینها را بردارند و با آب بشویند و همیشه مواظب پاکیزگی سر باشند و بعد از چند

روز

Coilette de la tête.

شستن صورت اطفال

۵۵

روز خالت طفل خوب خواهد شد و این خالت نکند و اندک میباید شود که جلبک شک و شلیق کرده آنها را ضعیف میکند و از اینها شستن با آب میباید که بر شامها فلانجا بچه بعضی مادرها هنوز هم کار میکنند برای صحت مغیبات باید آنها را با پاکیزه نکند داشتن کرم مالیدن و عینها سار و تر با شستن با مطبوخ منقود چون دق و غیره را رفع نمود و اگر آنها فایده نکرد و غیر خاکسری داخل کرده ببالند بکلی میبهرند

Coilette de la figure.

مبحث شستن صورت طفل - باید تمام اعضا صورت

و بینی و چشمها و گوشها را پاک کنند و بشویند بعضی بلفهها غلبه در بینی جمع میشود که سوراخ بینی را مسدود کرده نمیکند و انداز بینی نفخ بکشد و قهقهه و شپرد میدهند ناچار دستازها کرده کرم میکنند و معاد مضطرب میشوند و هم ناچار میشوند همیشه از حلق نفخ بکشد راه حلق خشک شده موجب حلق میگرد پس باید با کمال دقت آن بلفهها را خارج کنند در گوش نیز شستن جمع میشود که مجرای ظامری گوش را مسدود و بسیار مانع از شنوایی طفل گشته کرمی موقه غرض میشود اگر چه این کرمی موقه است و قهقهه بزرگ شد بجام رفتند و سوراخ شسته شده خارج میشوند کرمی رفع میشود اما ممکن است مدتی بماند ملتفت نشوند و طفل همینکه تشنه تکلم نمیکند مدتی بماند پس باید با چهره لوله کنند و بمالد و بپشت داخل گوش آنها کرده پاک کنند با پاکیزه پاک بکنند

Propreté des linges.

مبحث چهارم - در پاکیزگی پاهای سفید که بر سر اطفال

طفال میبندند بعضی داینها و قنیکه این پاها را ببول یا چیزهای دیگر میزنند فقط آنها را میخشانند باید این پاها را تر شدند فی الفور آنها را عوض کرد و با آنها پا چرخه سفید شسته دیگر گذارد و اینها را با آب بشویند و و قنیکه اطفال

ز کتب خوب

حمام اطفال

۵۶

در خنوب خود را الوده میکنند نباید آنها را گذاشت در آن الوده شوند یا آنها
با کنارهای پارچه که در دراز آنهاست پاک کنند بلکه باید قطعه ابری
در آب نیم گرمی که در آن اندکی (ای کلنی) جوهر اسطوخودوس ریخته
باشند فرو برده آنها را بشویند لباس آنها را دوسه روز یکبار عوض کنند
اگر در شلوار و زیر پیراهنه پوشیده اند آنها را از دتر عوض کنند برای
آنکه بول و برازها را بدین آنها نشده مؤثر و خطری شوند با بدن آنها را غارت
داد بروی لکن نگاهداشتن در زمان طفولیت این عادت خیلی مہل است
باید بطور منظمی آنها را غارت داد که تخلیه کنند با سبکی روزی و سه مرتبه
انها را بروی لکن بپزند موضع آنها که الوده ببول و براز میشود قطعه ابر
باید با تر فر برده هر روز بشویند

نکات دیگر در حمام اطفال مقصود از حمام شستن طفل است

باز کمر نه بدن بمثل حمامها ابران که بسیار کمر و مرکب از چند ماده
متعقبات است که آب حاصل با چند دیگر که میخواهند طفل را بان بجا میزنند
ظرف کوچکی با اندازه طفل ریخته در اطراف گرمی برده بجهت که میخواهند
گرم کنند اول قطعه ابری تر کرده تمام اعضا طفل را مالند پس او را در آن
ظرف فرو برده بشویند و هر قدر میخواهند که داغند و او را خشک کنند
و فلانی بدو را و به پیچید و لباس او را بپوشانند و مادامیکه بدن او خشک
نشده او را بچین نزنند و نکند و بچین برود اول با بدن او را با فارت بپاشد
و حرارت تمام تنه را مثل حرارت بدن باشد و باید همیشه تر مژد و کار باشد
برای اینکه بطور تحقیق در بستر گرمی بعلوم شود که سهولت شود اگر چه چند
هفته تمام باشد که در اول اسباب خطر است هر چه طفل کوخات تر است
باید احتیاط را بیشتر کرد و مدت حمام را بدو شش ماه اول از پنج تا ده

دقیقه

Des bains.

لباس اطفال

۵۷

دقیقه و بتدریج تا سال و نیم از بیست تا سی دقیقه باشد اما وقتیکه اطفال
چنانچه ذکر شد هر روز میشوند هفت بکار حمام کفایت میکند اطفال خیلی
کوچک را دو حمام نباید بخورد و گذاشت با بدن او بپوشانند و باید سبک باشد
دست و پیر را بر مفضل را نپوشانند بلکه اگر هم بزرگ باشند و اینها
مواظب آنها باشد همینکه طفل را از حمام برین آوردند باید فوراً او را خشک
کنند و با پارچه های نازک او را مالش دهند چند دقیقه است و او را بپوشانند
مندی که از روز گذشته هوا گرم شد استجا میکنند صبح بسیار زود که سرت
بجام میزنند

نکات دیگر در لباس اطفال آنچه سابقاً گفتیم در اول لباس نوزاد

Des vêtements

در مقام چهارم ممکن است در وقت قبالی که مناسب است و لطافت طفل
باشد با و بپوشانند و جورابها بپوشانند و کفش کوچکی از پارچه نرمی که
مانع از حرکت و غوغا نباشد و پا را هم نزنند و وقت نکند بپای او کنند
شب و ذام با بد تنه را با بدن چهار پنجاه بعد از تولد لباس را که روزی
خارج کرد و شیل لباس را حتماً مثل پیرهن بلند با و بپوشانند که خواب
راحت کند اما چون در لباس بیشتر میپوشند و پوش او را بیشتر کرده
و پرده روی رخنه او را کلفت تر کنند که سرما نخورد و قتی که هوا سرد
نباشد طفل را غارت بدینند که همیشه سر برهنه باشد بشرطی که مو سر
بلند نباشد این معتین است لباس را باید با قضای فضل با و بپوشانید در فصل
بازده لباس را بیشتر در فصل خاره کتر کرد باید دانست که حار و خنوب
در زمان طفولیت خیلی کثر از زمانهای دیگر است پس باید در لباس آنها
خیلی ملاحظه کرد که مطمئن بشوند که آنها را بیک حرارت معتدلی که مبدی
طفل که حرکت میکند باید لباسها او کشاد باشد که در هنگام حرکت آزاد باشد

در وقت خواب
بچین مپا و زد

دقت

ریاضت اطفال

۵۸

و فشار بر سینه و شکم او نهاده از باب آنکه لازم میشود لباسها آنها را کمتر
عوض کنند باید در محل تخیله لباس عوضی حاضر باشد
نکته چهارم در ریاضت اطفال و از بر چهار قسم است
۱^م **مستمر** در ریاضت هنگامیکه تازه متولد شده اند ریاضت آن
هنگامی که در دماغش مانده و در او ایستاده آنها قدر حرکت کنند و دفعه
دویم و سیم در زمانی که بر توده را بستانند و در توده فرو برده و از او
خالص برده بگردانند هوای خالص بقدری برای فکری مفید است که از اکل
و شرب هم لازم تر است باید دیگر هوا برای حفظ صحت این است که مادران
هوا که گرفتند سخت قوی میشوند دیگر تغییرات هوا است که موجب مراض میشود
در آنها اثر نمیکند اما اگر ضعیف و لاغری باشند در هواهای سرد خیلی احتیاط
کنند و قوی میخواهند آنها را به بدن ببرند خوب پوشانند و اگر شکایت
میکند و هوا با آنها از آب نمیکند بدن بپوشانند و از ترک کرده در میان خانه آنها
بگردانند و این ریاضت همان طور که برای طفل مفید است برای
دایه هم مفید است زیرا که شیر او را خوب میکند

در ماه چهارم و پنجم عظام و رباطات و عضلات اطفال هنوز چنان قوی
ندارد که آنها را بخود واکند و باید که به نشینند یا بنشینند یا تحمل سنگینی
خودشان را کنند پس باید در این هنگام ریاضت خیلی خفیف باشد و منحصر
بشود باینکه آنها را میان طاقها یا جا بجا بگردانند یا بگردانند
باید طفل بطور افقی بر روی سطح دایه بخوابد و کمالی از اجزای بدن
آن در یک نقطه قرار دهد شده است که بعضی از اطفال که این احتیاط را در
آنها نکرده اند مفصلان با یکی از مفصلها آنها خلع شده و مکرر قبل از آنکه
اعضا طفل صلب شود با ریاضت قوی بدینند بسیار مضرت می رسد

اطراف

ریاضت طفل صغیر

۵۹

اطراف نافله و ستون فقرات و زحمتی ببل معده و ریه و قلب میشود
پس از ماه چهارم و پنجم بد طفل قدری محکم میشود و میل دارد که با چهار دست
و پا راه برود و خود را بر زمین میکشاند و میخواهد بر خیزد نمیتواند بلند آید
بغل او را بگیرد بلند کند اما نمیتوان تا ماه دوازدهم تا نوزدهم که میتواند
خود تنها راه جز او را بخود واکند و در زمان اول طفولیت بواسطه
نرمی اعضا اطفال و متاثر شدن آنها از اشياء خارجی به بزرگمان تفرق
آنها که ناشی از بیضه از نیم ساعت الی یک ساعت بیشتر نباشد و بعد از آن زمان
زیاد کند بنا بر چشمها اطفال را بروشها کنند بخصوص با شعله نورانی و آفتاب
یا با آتش آفریننده انداختن بجهت اینکه اجزاء چشم در این مناسبات نازکند
و نمیتوانند متحمل چنان تحریکی بشوند چشم ضعیف باشد میشود و اینها را خطه
بسیار مهمی است که باید بکنند بجهت اینکه زناد اتفاق افتاده است که چشم طفل
بدون اینکه علامت در گذ داشته باشد شده است باید این احتیاط را در
در قوه سامعه کرد که صداهای بلند نشنیدند مثلاً صدای توبه تفنگ دفعه بگذرد
آنها نرسد که مکرر و بد شده است که موجب جال و صرع کشند است

نکته پنجم وقتیکه خود شروع به حرکت میکند باید یک مدتی از او جدا
برو زمین یا بروی فرش یا بر روی تخت یا بروی مرغزار اگر خوب خشک باشد بگذرد
که در اینجا بمیل خود حرکت و بار کنند و هم خوب کمالی را در واکند که کودک
گذارد بگردانند بعضی گفته اند که آنها را بخود واکند و از برای اینکه بر خیزد
و شروع براه رفتن کنند بجالس طبعی باشد خیلی بزرگ است از اینکه آنها را از آب
بکالسه کوچکی بگردانند یا بزمینند و بگردانند چنانکه بکالسه سینه آنها نشاند
شکسته آنها بالا ببرد و بواسطه فشار دماغ خود در سر آنها جمع شود
و همینکه خودشان میتوانند بنشینند و خود را بر زمین بکشند جرئت پیدا

میکند

2^o Quand l'en-
fant commence
à se mouvoir
de lui-même.

Exercices

1^o Pendant les pre-
miers temps de la
vie.

حرکت و جنبانند اطفال

۲۰

میکنند و قتی که میخوانند بر پا یا بشنند یا بدقی میگرد که راه بروند ملا خطه
انها را داشته باشند و چیزی که اسباب بازی آنها باشد بدست گرفته نشان
بدهند که بطرف آن بیایند یا بدیکه که میمانند ای آنها قرار میدهند که در کوزه
و فنند یا میخواهند بپسند بان تکیه کنند و اینها را بخور و اگذازند
همچو تر میند از دود بدیده که خود طفل قتی حرکت میکنند که صد مه با و از
منابدا و از بسیار بدیدانی است و قتی که اطفال میخواهند راه بروند بازی
انها را میگیرند چه قوی که برای اینکه خود شان را بپایانند و راه بروند
که میشود و این برای آنها خیلی مهم است اشخاصی که مواظب اطفال هستند
میخواهند آنها را بردارند و بازی آنها بگیرند و بلند کنند بجهت اینکه در
طفولیت دست پا و استخوانها ضعیف نمانند و بزرگ استخوانهای آنها خلق
میشود و میثکند پس قتی که میخواهند آنها را بلند کنند باید دست در زیر
بغل بگذرد و طرف سینه آنها بگذارد و در فته آنها را بلند کند آنکه بعضی از
طفل میگیرند و در فته بلند میکنند بسیار بد است بدیده شده است که این بی احتیاطی
موجب هلاکت شد است

فصل پنجم مینکه اطفال شروع کردند که نهاده بروند یا بدیدانها بخور
و اگذاشت اما بابت نکمیان غاقلی داشته باشند که ملنگت آنها باشند از اینکه
مباشند با دست پای آنها میثکند آنها را نرسانند اگر چند دفعه هم بپسند
ضرر ندارد بلکه مفید است با طفل عادت کند که بقوت خود بلند شود
این صدمات جزئی که در بین بزرگها میگذرد ضرری برای آنها ندارد
فصل ششم در قتی که طفل میخواند نهاده بروند یا بدیدانها بخور و
گذاشت در بین در فضا بزرگی بیخ شاعت بازی کند چنانچه
فقط اندک فته استقامت مجامع وای مطوفی نمایند و هر روز انرا میگو
دارند

3° Lorsque l'enfant commence à marcher seul.

4° Quand il est marcher seul.

رباض طفل صغیر

۲۱

دارند که اسباب حفظ صحیح است که طفل بان محظوظ میشود و موجب نشاط
و مجلد حیوة او میشود و این بنا بدیده و صبح بسیار زود و عصر بر بصری
وقت غروب در هوای بسیار سرد و بسیار گرم شود اگر آفتاب گرم نباشد طفل
در آفتاب بکشد تا اندامها اگر گرم نباشد در مواضعی که آفتاب بوده و رفته است
گردش بدهند و باید قتی که طفل بازی و گردش میبرد چند طفل هم تن نمانند
بسیار و با او هم بازی باشند و حقیقت حقا اطفال با بنت که با یکدیگر بازی
کنند هیچ چیزی مثل اینکه جمعی باشند و با هم بازی کنند هوش آنها را زیاد و
خلق آنها را خوش میکنند مینکه آنها مانده و بخور و خورد پسند و غیره فاش
و حسود کشته نموانند بنا خیر میمانند و موجب عادت های بد آنها میشود بازی
با اشخاص متن برای طفل فائده ندارد بلکه موجب خلل و بروز نکون
کمالان طبیعت و نقصان او میشود محقق است که هیچ حفظ صحیحی برای آنها
مثل رباض نیست اگر مضاف باشد با خوردن غذاهای مناسب خوب مزاج آنها
محکم میکند و با غذاهای بد هم با آنها قوی دند در سال اول حیوة این تدابیر
در اعضا شکه هنوز زمقابل انحنایند خیلی مؤثرند و همچنین این تدابیر برای
اینکه قوای نفسانی آنها بروز کند و قلب آنها قوی گردد لازم است **باب اول**
میکوید رباض بدنی برای اطفال بسیار مفید است برای اینکه قوت آنها را زیاد
کرده و صفت و صورت آنها را خوب میکند این مزاج و ترکیب خوب جنم که
در زمان طفولیت تحصیل میشود برای مان پیری بدینا خوب نیست چه در
موالها خوب ملاهم باید قتی که روز طوفانرا نمود و در طفولیت باید برای آنها
مزاج لایقی تحصیل نمود که پیری برساند

کتاب پنجم خواب اطفال در شش هفته اول میخورد و میخوابد و در ۵ هفته
مضمم میکند و حقیقت مینکه که متنبه بیدار میشود برای این که کام قاعده میب

نیت

5° de sommeil

خواب اطفال

۵۲

نبش با بد طفل را بحالت طبیعی خود را گذاشت که بخوابد و هیچ زحمتی نداشت
اگر و بیکه طفل بیدار میشود خوشحال و خندانش با بد بقیه کود که با نذازه
خوابیده زیاد بخوابد است اگر در بیداری ضعف خستگی نداشت و بنا بر طول
بیداری مضطرب شد و در خواب بیدار می شد هر چه عضا طفل بیشتر نمو میکند
موت او و باز در بیداری خوابش که میشود انوشه با بد برای او غارت منظمی قرار
داد که چه قدر بیدار باشد و چه قدر راحت کند و این بصر تدبیر است برای
خواب طفل پس با بد فشی غارت داد که بیشتر از شب قیامی از روز خوابیدن این
خواب برای حالت قوت و صحت مزاج طفل بسیار مفید است از انوقت تا یکسالگی
با بد بصر زیاد و زنی و مناعت بخوابد و از آن وقت که خواب و روز
موقوف کند و بیکه خواب و روز را موقوف کرد و بیدار داشت و خواب بیدار کرد
یکساعت از شب غمه قدری که گذشت و ساعت از شب گذشته بخوابانند
تا سن هفت سالگی این فاعده را مجری دارند طفل را از هر روز بواسطه حرکت
زیاد و بازی و زود بیدار شدن و بیدار شدن و از انوقت تا یکسالگی
منع کرد که یکساعت قبل از خواب خستگی آن دفع بشود که خواب راحت کند بقیه
گفتند وقتیکه طفل خوابید و اطراف او صدا نکنند و بعضی دیگر گفته اند
که با بد او را در جایی خوابانند که صدا را بخوابانند تا عادت بکنند اما چون
بنیان اعصاب طفل بسیار حساس است اگر صدا خیلی زیاد و بلند باشد و از
خواب بیدار عوارض خطر مثل حرکات تشنجیه و ارتعاش رخسار میشود پس
بصر این است که در جای که صدا آمد و شد زیاد نباشد و از انجوابانند با بد طفل و
که غذا را خورد و فورا بخوابانند چه در حالتیکه معده بواسطه غذا اشکه شروع بضم
کرده است قیام و منبسط شد خواب بیدار برایشان میشود و بیدار بیدار بود نام
و معطوب خشمناش داد که برای طفل تم و مهلت است اول صبح از این است که

مشاعر

در تنگی دندانها اطفال

۵۳

مشاعر از اخدر و بیداری و ضعف میکند و هم نباید و اطاق طفل کما هم معطره که
اثر بیکه در اعصاب او گذاشت که موجب عوارض خطر میشود با بد تمام اجزای
رخ خواب را همه و زود بیدار می شود و خیلی نا بیکه نکند و از دندانها بیدار
فترت می شود و بعضی از این منع کرده اند اما وقتیکه آهسته بجهت دندانها و آهسته بخواب
ضری که گفته اند نذازد اما بصر این است که او را عادت بجهت دندانها بکنند که

ندهند

فصل چهارم در تنگی اول اطفال و احتیاطها بیکه در انوقت

با بد کرد و عوارض بیکه در آن بین غار و میشود و در آن است - De la premiere attention, des soins
qui elle reclame, et de ses premiers accidents
بنیان اول و در سن دندان مربوط است بنوع اعصاب اطفال طفلانیکه مزاج او خوب است این هنگام را بیدار و خطرناک است اما اطفال ضعیف لطیف

با آنها بیکه حفظ صحت میکنند و بقیه در بیدار دندانها خطرناک است با بد
اطفالیکه تازه متولد میشوند دندان ندارند و دندان هم لازم ندارند بجهت اینکه
شهر بخورد دندانها هم مستعد است که غیر شری چیز دیگر بخورند نبش قدریکه
گذشت که دیگر شری کفایت آنها را نمیکند و باید غده ای بخورند که آنها را بجا بیاورد
و قند دندان بیرون می آید و از باب است که در بعضی زود تر ظاهر میشوند و در
بعضی دیرتر که نمیتوانند بطور محقق هنگام دندان شدن دندان را معین کنند مثل اینکه
بعضی اطفال با دندان میشوند (لوی ۱۲) با بعد دندان متولد شد مابقی
بزیاد دندان بفرموده شد و در بعضی دیده شده که دندانهای شری آنها بعد از
دو سالگی شروع بر سن کرده اغلب بخرها زود تر از بصرها دندان بیرون
می آید و دندانهای اول دندانها عادت به دندان شدن و بیست عادت
مشا از آنها دندان قواطع که چهار در بالا و چهار در پایین اند و چهار دندان
ناب و در پایین و در بالا یعنی هر یک از آنها در هر طرف یکی از قواطع و

و مشاعر

و بیکه
طفل در رخت خواب
خوابش بیدار شود و کما هم
بیکه در دندانها حرکت
میدارد و در دندانها
میدارد و در دندانها
میدارد و در دندانها
میدارد و در دندانها

بجالت خود گذشت

De la premiere attention, des soins
qui elle reclame, et de ses premiers
accidents

1^o de la sortie
des dents.

در سوزندانیهای شیر

و مشدندانیهای سبک کویکند و آنها در ماست و هضم شروع بخارج شیر
نموده و آخر چهار سال و نیم و شش و نیم بپایان میبندد و در سال هفتم شروع بافتا
میکند و دندانهای ثابت شروع بر سنین میبندد اما دندان و بیرون آمدن
سبک قسم است یعنی چنانچه اول قواطع بیرون میبندد قواطع هم اول میبندد
تقریباً در ماه ششم یا هفتم دندانها با از فلک اسفل خارج میشود و طولی
میکشد که در دندانهای آنها از فلک علی خارج میشود پس از چند وقت قواطع
طریقه تختانی و فوفانی که آنها را ضوا حاک نامند خارج میشوند و حوالی ماه یا نو
دو دندان طواحن کوچک اول بیرون آمدن و در میان آنها وضوا حاک فاصله بر
دندانهای ناب میبندد که خیلی طول میکشد تا بیرون میبندد اما تا میزند آنها
ناب قبل از طواحن کوچک بیرون میبندد و این ناد را سنی علی میخالد بعد
همه آنها دو دندان طواحن کوچک آخری خارج میشوند و این در سن دو ساله
سرنالکی است از رفتن و عادی بیرون آوردن دندانها است قبل از اینکه دندان
بیرون بیاید لعاب من زیاد شده است و متورم و با وجع غالباً قلاع و قرصها
کوچک در دهان ظاهر میگردد و اینها بواسطه تحریکی است که در غشاء مخاط
دهان ظاهر میگردد که بعضی اختلالات غامه بر این علامات موضعیه فرود
میشود که طفل مضطرب و بواسطه معجزی تحریکی گریبان و اشتها را عیش زیاد
و خواب و نادانها را غماز و کوفتی و بعد از اینها اسهال شدید عارض
و میشود و از همه علامت مخوف است و ما را میباید خیلی زیاد نشد و طول نکشد
طبیعتاً به مضطرب شود و در سنین بیاض صعب تره و قوی و تب و بیخوابی و افت
بعضی اعضا و حرکات ارتعاشیه و تشنجه و خواب لیسری غشی ظاهر میشود بخصوص
وقتیکه دندانهای ناب میبندد و کاه میخورند و چشمها و ریه میبندد بعضی
غدهها غنی متورم و بزرگ شد و منقبض میشوند که در سن و شدت خرافت تب

در عوارضی که در سنین دندانها عارض میشود

۶۵

موجب میشود که طفل زیاد شیر بخورد و انرا میبندد و هم ممکن است یکی از اینها
است که لکه اظلمه صفای بیرون آوردن دندانها میبندد

Accidents de
la dentition.
- Moyens de les
combattre.

باید فهمید در خطر این سنین و تغذیه بحفظ و دفع آنها - اگر تسبیح
بجای طبیعتی باشد موجب مرض نمیشود اما چون تمام بدن را تحریک میکند سبک
خونی که اگر در وقت بکر عارض میگردد بزودی بدون اینکه تلف شود دفع
میشود موجب مرض نمیشود مرضها آنکه در سنین عارض میشوند خیلی شدید
و با خطرند پس تحریک مخصوصی که عارض اطفال میشود جمیع عوارض است با این
عشر پیش بند آنها این عوارض تدبیر حفظ صحیح است که از زمان تولد کرده باشند
و در آنوقت هم بکنند بجز بجزای و در بزرگ برای این عوارض اهمیت حفظ
صحیح را واضح میکند چنانکه دندانها طغالی که هواهای سبع نمیشود و دندانها
قوی با آنها میبندد خطر این سنین آنها شد بد میشود و اطفالی که آب و طی که
ذکر کرده ایم غذا میل نمیدانند و هضم میکنند و در هواهای سبک ندکی میکنند
و بواسطه معتدل اند و ملاحظه سایر شرط حفظ صحیح در آنها میشود این
خطرات را ندانند اگر هوا خوب باشد پوشش آنها را کمتر و اگر هوا سرد باشد بیشتر
کنند و با احتیاط کنند که سرما نخورد بخصوص در وقتیکه دندانها میبندد
همچنین برای حالت عصبانیت آنها بجز از آنکه مادر باید در هوای خوبی تعقیب کنند
نشد اگر هوا خوب باشد بیشتر در بیرون بمانند اما اگر سرد باشد کمتر بمانند
که اغلب سرما سبب خناق و درم شعری و درمیه و فلج موقتی و غیره میشود و باید
شد که بدون تقدم در کمال سلامتش خوابید و صبح که از خواب بیدار میشود
باز او فالج شد که هیچ یک از بکای و دندانها بکشد و هر دو یا یا حفظ فرم
دندانها شد و اینها بدخالت اغلب بن فلج چند هفته بیشتر نمی ماند دفع میشود
چند ماه طول میکشد یا آنکه هیچ علاج نمیشود گفته اند بیرون آمدن دندانها بیشتر سبب

اثر عادت در اعضا حس و شوق

۷۰

لازم و مفید باشد که بواسطه آن تحمل تمام تغییرات هوا و غیره بواسطه عادت و تجربه که برای بدن مضرب بودند و موجب ارض شدن و منتهی شدن به چیزین است از عادت و عادت موای ملک و لباس و کار کردن و نکردن و خوابیدن و بیدار شدن و غیره فاکه باید که بخوبی آنها چنانچه در قواعد حفظ صحت بیان شده عادت کرده و از بد آنها اجتناب نمود با تجربه هرگاه عادت بیکه موجب ضرری شود باید خیلی سخت برضدان مقاومت کرد و طریقه تنگی پیش نهاد نمود و دفعه تغییر غذا و از انواع رنگارنگ میهند پس اگر کسی ملاحظه کند می بیند می بیند چه قدر زانسان بود که از طفولیت اطفال را نکند عادت کبد بیکه بیکه که همیشه گرفتند و بزرگ شدند بزرگ آن مشکل بشود و بزرگ و بد بختی می بیند اگر بخواند طفل قوی شود نباید از اجب و بیک غذا و منطقی کنند هم قسم غذا با و بدهند که همیشه عادت بیک غذا نکنند اگر چه از این طریقه اول طبیعت او اغراض میکند اما که عادت میکند و از کوه عادت همه قسم غذا کرده هیچ غذا با و ضرر نمیکند هر وقت از خواب بیدار میشود و میل دارد غذا با و بدهند سر بخورد و کرم بخورد همه چیز بخورد اسباب قوت مزاج او میشود و فوس که ملائمت بیدار و مادر نمیکند و که پیری این تربیتها طبیعت را کرده طفل خوب و قوی کند و اگر بزرگ ملاحظه تربیتها و بکوشند عاقبت بسیار خوبی خواهد داشت اگر خودشان نمیکند متابعت قول یک نفر طبیب بزرگ کنند که آنها را بجا ده طبیعت بیدار و از طفولیت آنها بچیزهایی که برای آنها مفید باشد عادت بدهد و جسم آنها را در طفولیت بشیمی میباید که عقل و شعورشان خوب بزرگ کند

(۳) اثر عادت در اعضا حس و شوق و شعور و حواس که عادت در آنها بیشتر از کرده آنها را که اثر میکند حواس ظاهر اند که بواسطه آنها خالک شباهت و خارجیه را می بینیم که توانیم زندگی کنیم

Influence de l'habitude sur les organes des sens et sur les facultés morales et intellectuelles.

در حفظ صحت آنها از وقت فطام تا هفت سالگی

۷۱

پس حواس ظاهر اند که اسباب ارتباط میان ما و سایر موجودات خارجیه عالمند که عادت با آنها مده میکند و اثر جدی بک با آنها میکند و اسباب تکمیل آنها میشود و این طلب بیفکدهم است که با این و این فکدهم بیان مکتوبی از نمائیم اما بعضی مطالب متعلق بان سابقا مذکور شده باقی را هم در ترتیب خود و در ترتیبهای نفسانیه و شعوریه بیان می نمایم

فصل دوم

De la santé des petits enfants et de leur éducation physique, intellectuelle et morale, depuis le sevrage jusqu'à l'âge de sept ans.

در حفظ صحت اطفال تربیت آنها از زمان فطام تا هفت سالگی

اول در صفا و خالات مخصوصه باین هنگام از حیوة اطفال — در این هنگام طفل خیلی نمد نمو نمیکند و این بیشتر از اثر حق طبیعی سرعت و خوراک است چون نموا و سریع است عمل هضم او و معده او بسیار قویست که حواس ظاهر در قوای باطنه و مشاعر اثر مخصوص کرده طفل هموش میباید بنا ی پر سببند نمیکند چون هر چه می بینند بزرگ بود و برای او تازه کی دارد اصرار می در زانسان و فهمیدن از دانستن است که متصل میسر و چو در چرا نمیکند و این وقت است که جمیع محرکات زندگی در او اثر میکند و هم از زمان تولد در او قوی موسک را سینه می بیند و میباید اصرار کرد میباید که خواهرش خوردن هر قسم است بعد بیا و زود بزرگ شروع میکند بخورن زدن و فهماندن و تفحص و استدلال کردن قوای نفسانیه و شعوریه او بکرتبه ظاهر میشوند و همه یکدیگر مدد میکنند هر دو یکی از قوای انسانی را و بزرگ کرده ثابت و واضح میگردد باید پدر و مادر با سینه که دارند آنها را بخور در ذهن او بکار بند و بطرف خوشی بنیاری کنند این تربیتها و البته برای آنها بسیار مهم و مفید است کرد قیقه و زانها افعال کنند و سینهها عقب میافتند اگر فاکه او را شرب میبازد و دیگر شرب نمیدهد فانی و نادان بود و از آنجا

1^{re} Caractéristique générale de cette période de la vie.

تغذیه اطفال

نمایند اگر این صفات خوب و مفاد و جمع شود و هست برپیش و بکارند بهترین مرتبه آنها است

در قیام غذای آنها - بیشتر از سوختن موجب هلاک طفل میشود اما مصلحتی که از یک غذا و سوسه و شیر در تغذیه وضع پدر و مادر حاصل میشود از شدت مصلحتی که دارد طفل آنها قوت بگیرد و زود بزرگ شود غذای مقوی زیاد و بفواصل کم که با و میدهند و این بسیار مضرت غذای طفل باید ساده و ملائم نه اینکه خاد و خا و باشد اگر طفل تند غذا بخورد بقیه است که غذا زیاد بخورد با اگر طفل دیرینه که باید زود با بازی حرکت کدی هیچ گاه نمیکند و هر دیرین حرکت همانند معلوم میشود بیشتر از اندازه که باید غذا بخورد بخورد باید در هر روز و ضرورت غذای آنها را مقدار معتدل کنند از عادت بدیست که وقتی میخواهند طفل گریه نکند با و شیرین میدهند بجهت اینکه او را دل و اکل میکند شیرین و نادم برای او مضرت است یکی از معایب اطفال بزرگ خوردن از آن فایده ندارد و او را خا میخورند بعضی هر چه میخورند شیرین میخورند و شیرین را میخورند با و میخواهند از حال آنها نماند بزرگ شوند مکرر هم مثل سایر اعضا همینکه بیشتر از اندازه غذا وارد کنند عمل آن زیاد شد خسته میشود باید بداند زمان را احتیاج کند پس اگر مقدار غذا و وقت آن در طفل که بسیار صغیر است هر چه میبیند میخواهد بخورد مقدار و معین نشود زیاد بخورد و پس از مدتی معده او خسته شد و میل به سوختن هضم میشود پس در چنین طفل خوب معین کنند و در چهار پنج دفعه غذا بدهند و هر چه گریه و فریاد میکند بیشترند هندا ما آنها که غذا داشته اند و مزاج آنها سالم است با آنها بیشتر غذا بدهند بخصوص آنها که بجز نان چیز دیگر نداشته غذاها را لذت برای آنها ممکن نشود منظم کردن ساعات و دفعات غذا هم برای صحت طفل و هم برای راحتی و عادتش

طریقه غذای اطفال

و مفاد و شایسته است همینکه منظم شد طفل غارت میکند و هر بنا اعتدال و غذاها را با آنها چنانچه در طریقه ناسعه مذکور است باید بنایی و سبک باشد پس از مدتی میتوان قدری کوسید و تخم مرغ با آنها افزود و سوسه را هم که مناسب آنها است و طریقه ناسعه مذکور نمودیم پس از سه الی اندک گشتن با جزء غذاها آنها قوت و بنای بد با آنها اغذیه معطره و شکل مخصوص شکلای معطر (وانیل و...) و نه غذاهای تند و نه غذاهای خنجرین و نه پنبه های ترش و بیختر آمدن بدفند هیچ آنها حواس او را که در این تنوع لازم که دارد برپایشان و ضعیف میکند و در این خوانها و اگر در انوقت بسیار سریع است سریع تر بنما بدچنانچه بد شد است طفالیکه آنها را استعمال کرد مزاجش بزرگ و غریب میشوند و عارضه که برای آنها اتفاق بیفتد و بوی خوردهن غذای سبک و ملائم که موافق با مزاج آنها است دفع میشود آب خوردن و بین غذا برای اطفال بسیار لازم است بنای بد بجز دیگر عوارض آب و بدهند که اسباب سوء هضم میشود شرابهای آنها از همه چیز مضرت است اگر بخورند سال و مثلاً که هم مزاج و اخلاق آنها را فاسد و هم اخلاق را در خون آنها کرده آنها را غیور بنمایند و بوی بوی با آنها میدهد که منشا جمیع اخلاقها و خوابهای طولانی میشود چای و قهوه و جمیع مشروبات الکلی برای آنها مضرت مکرر اینکه بجز بوی بنای بد یکی از عادات بسیار خوبی برای اطفال عادت بشیر و مذاومت است که صبحها ناشنا داده با آب و دما و برنج پنجه بدهند که سال و ترن غذا است برای آنها که اگر استعداد مرضی داشته باشند ان استعداد را از آنها سلب میکنند و اگر مرضی باشند امراض آنها را علاج میکند و دیگر ممکن است بعضی اطفال از بنای بد که عادت بخوردن غذا کرده اند از هضم نکنند و با آنها ضرر برساند و برای آنها شیر که غذای بسیار خوبی بود مثل شیر و زانوق

نظاف با کیز کی دیرین

۷۴

در آنوقت نباید بدینند تا بدین صبح که از خواب بیدار میشوند و هر وقت که غذا میخورند من آنها را با آب سرد بشویند برای اینکه دندانهای آنها محفوظ بمانند بعضی گفته اند صبح ناشناختن پناه از خواب بیدار شدن که معده آنها را قوی کند و هم بلاغی که در دهی و معده آنها است بشویند گاهی بعضی پدر مادرها بپوشمال بچال آنکه اطفال را تقویت کنند با نه عرق و شراب میدهند که در برای آنها تم واقعی است مکرر بدیده شده است استعمال آن در بغل و در اند بعضی گفته اند یکی از چیزها شکر برای اطفال ساله مضراتش است که وضع و در برای تغذیه آنها قرار میدهند و ساعت برای غذای آنها معین کنند باید در جمع استخوانی مخلوط با نهاده طریقی محسوس کردن غذای آنها ضرر و زیان دارد و هر وقت که منده میشوند با نهاده غذا میدهند مخصوص در وقتیکه این تغییر موافق مزاج آنها باشد اطفال خودشان ملذذ حالت ندان خوردن بشوند باید آنها را از شکستن چیزهای سخت مثل فندق و گرد و امثال آنها منع کرد و باید بدینها آنها را پاک کرد چیزها شکر در میاندان آنها مانده با خلل و اگر سخت باشد با چاقو یا سنجاق با سوزن بپزد و آورد

سپهر وقت ها شکر می پزند با کیز کی آنها — مثل شکر شو و خام و

سایر لوازم طبیعتی که در این سن لازم تر از طفولیت است باید آنها را امیکند چنانکه مذکور نمودیم بگردد و خوردن آب سرد بشویند ولی چون بدن آنها بیشتر قوت گرفته و بیشتر نموده اند میتوانند چنانکه سابق مذکور نمودیم آب سرد استعمال کنند و بیشتر در آب شستن که معقوی و پاکوئی و بجز اینها بپزد لوازم طبیعتی — باید اطفال را عادت داد که هر وقت از خواب بیدار میشوند با بول و براز خود را تخلیه کنند که وقتی در مجامع نشین قضا شود و بر بنجرها از مجلس بچین برونند با خدمتکار را بخوانند و همچنین

قبل

3° Soins de propreté.

لباس نهادن درین

۷۵

قبل از وقت بپوشانند تا که در این سن گرم باد و در آن جمع میشود با دستمال پاک کند و نکند از در هر لحظه با انگشتها بپوشانند با ناخن بخراشد با جروح نماید

چهارم در لباس آنها — پاکیزگی لباس هم از بابت حفظ صحت و هم از بابت پاکیزگی بودن در جمعهها لازم است با نهجهای سفید از قبیل پیراهن و دستمال

کردن و غیره را باید همه دوزخ بپوشانند با رجه ها سفید و خنجر از آنهم عوض کنند لباس آنها با بدینک و زاکت باشد البته هم که مانع از خروج عرق و عرق نشود لباسها خیلی گرم مخصوصا آنها شکر موجب عرق میشود برای آنها

جلد را ضعیف میکنند و طفل را نازک و لطیف کرده و از سرما خارج میکنند و نهجهای اینک قوت بکشد عصب و تحریک شود و برودت و گام میشود از سبب بزمی مرخص بکشد اطفال که با ضاکت بقاعه دارند پوشیدن فلانل که لازم دارند و با ضاکت با نهجهای حرارت طبیعی میدهند که بجز از جمیع حرارتهای مصنوعی است اما بعضی اطفال لطیف که حرارت طبیعی آنها کم است باید پیراهن فلانل بپوشند و لیکن باید بپوشین لطیف باشد و در هنگام تابستان فلانل از خارج کنند که مضراتش چنانکه

گفتم برای بعضی اطفال پوشش زیاد ضرر دارد باید بگوئیم که طفل هر چه کوچکتر تراست طاقت سرما کمتر دارد و با نهاده که لازم است بپوشند و بپوشند که بعضی اطفال چندین ساعت عرضه سرما شده اند اطراف نافه آنها فالج شده و هم دیده شده است که موجب خراش و برودت دیده شده است نباید دستمال کرد کلفتی گرم که کردن را سفشاد و در اطفال استعمال کرد که موجب نادن خون در مغز و برکتن بقلب گشته موجب ضرر کلی میشود و جزو لباسها باید از بپوشید و گمان باشد جزو لباس بپوشند مکرر در زمستان بسیار سرد بعضی ها جزو لباس برای اینکه با بپوشند سخت میزند و مضرت چه مانع از در و در آن خور ساق بپوشند و باید خیلی وقت کنند که کفش آنها سبک و راحت باشد و باید

هم نشانارد

در هوا ای که نفس میکند

۷۶

هم نفس دارد و زنده است و ملخص کلام باید دانست آنها طوری باشد که احسان یافتن
سرمه آنکند و خیلی سبکتر هم نباشد که آنها را خسته کند مانع از ریاضت آنها
شود باید در زمستان سینه آنها خوب پوشیده باشد و از طفولیت اطفال را با
بدنه که سر برهنه باشند و ما را میباید که سالمتد مگر آنها گناه باشد اگر سر آنها
نماید و گرم پوشند خون بطرف سرفه سباب همچنان و مانع کشد و هم حوی
تولیدش میشود مگر آنکه هوا خیلی سرد نباشد یا باران یا برف یا دریا افتا
کره در آنها با بدنه باید که سر را بپوشانند

پنجم در هوا ای که استنشق میکند و قی آنها را برای گرم شدن و ریاضت
میشود اگر هوا سرد است آنها را از امتناع بگرد و حصری و سبع بدون حرکت نکذارند
باید حرکت کنند تا خد متکارد با آنها اگر کند که عضلات دستها و حرکت بدنه را
در وقتی که جمیع اطفال هم سر برهنه باشند و هم با هم این حرکات را بکنند نباید
و ریاضت کنند اگر هوا هم قدری سرد نباشد یا بدنه روزها و این برهنه
پوشند و ما را میباید که سر را بپوشانند و از حرکت باشند اما
اگر باد سخت بوزد یا هوا از باد سرد شود آنها را بجا نه بر گردانند آنها را از بودن
در طاق و طوی خوابند در روز زمین سنگ نقرش باد و گرمی را برای
منع کنند که برای آنها ضرر کلی دارد یا وجود آنها اگر حرکت زیاد و تکرار کنند
افتد و ما ضرر ندارد چه بیکه برای آنها خیلی بوفند در هوای آلوده ای است
که هیچ تغییر نکند مثل طاقهای بخنای و زبردت آنها که هوا در آنها جاذبیت
چه در آنها از جری سبب مریض میگردند همین طور که گفتیم باید اطفال را
بفایدهای مختلف عادت بد دهند مگر این باید دانست که هواهای مختلف نیز
بد دهند بجهت آنکه مهم ترین موثر برای ما هوا است که آنها را احاطه کرده است
همینکه همه قسم هوا عادت کردند تغییرات هوا را با آنها اثر نمیکند و کمتر مضرب
میشوند

5° de l'air que
doivent respirer
les enfants.

در ریاضت نهایی از بزرگ

۷۷

میشوند منتهی میگوید سخت و قوی کنند اطفال خود را بفرق کردن در
باد ها تا بیدن افتات اعمال شامه و او را بزرگ و ملائمت و راحت بخورند
و نوشانند و گرم پوشانند و خواب را عادت دهند و مقصود آن این باشد
که او را سفید لطیف ظریفی داشته باشد یعنی که بد طفل در سخت کش ستره قوی
پیدا کنند

پس اگر بزرگ و مادر بخوانند چنانکه گفتیم طفل خود را تربیت کنند باید
ترس را کنار بگذارند و او را بخور و آکاد و بد بیشتر جرئت پیدا میکند و از
خطرانی میجهند که هرگز بزرگ و مادر او را و باور نمیکردند

باید بر حسب آنکه سن اطفال بیشتر میشود و بیشتر قوت میگیرند و هوای آنها بیشتر
میشود و ریاضت بیشتر کنند که شوخی بازی بکنند بر جهند بد و بدتاب
بشوند جنت خیز بکنند بر قصند با طناب چوکان بازی کنند چیزهای
بر دارند و بر زمین بکشند شاخهای و تخت بپایند یا بشکند قیچ چکش و
از بیل کلنگ پار و زابکار و بنید قوی بازی کلوله بازی بکنند بزرگان
بدون نظم اقسام بازی بکنند خیلی تند بالا بروند و تند پایین بیایند و هم
وقتی بن ششالی هشت ساله میباشند سوار اسب می شوند بر سر میخ بازی کنند
چنانچه در غریب و رسم است بزرگ و که کو و زابشان کنند و خرافات را قلم دیگر
از ریاضت باید که مناسب جتن و عمل آنها باشد یا بد در خانه بزرگ بد و زدن بافتد
مخاف کنند و فریاد کارهای خانه و چیدن و بر چیدن و مرتب سبب استخوانه
نمایند خانه را و خوبی چنانچه در غریب و رسم است بیایند اجرت بد دهند که آنها را
مشق بد و بیاموزد و از این جهت با آنها باید بد و بد طریق سلوک باشوهر که چگون
شوهر راوی بد کرد با آنها بفرماند طریق تربیت خرافات را و در دنیا و اوست
دادند و هر شهر میم از این متعلقه که هر یک کار با فضلای خرافات

برای

خواب اطفال در نرسن

۷۸

برای آنها دان کرده اند که علاوه بر تربیتها و تحصیل علوم متعارف تربیتها از نشا
دارند که هر یک معلّم مخصوصی دارند که با آنها چیزها بشک مخصوص خرفهاست
با آنها یاد میدهند و با طول میکشد تا یک دخترا بل شوهر کردن شود

ششم از امور طبیعیه خواب است و سن و سالگی با اطفال زاد بکر از
خواب و زنده کردن و بجای خواب و زنده آنها را بتفرج برد میبندند خواب و زنده
کردن با یاد آنها را شب و در بخوابانند اول یک ساعت از شب فته بعد و ساعت از
شب فته بخوابانند تا هفت ساعتی بدین منوال رفتار کنند و صبحها زود بیدار شو
امداد را خور و زنده از شدت حرکت بازی خیلی خراب شود و خسته اند با یاد آنها
از بازی حرکت منع کرد که یک مدتی قبل از خواب بخت کنند که وقت خواب
بخوابند و مدتی در و خنجر خواب از بابت خستگی بیدار نمائند و اگر آنها را بهمان حالت
مازی بگذارند قبل از اینکه غذا بخورند بخواب میرود

هرگز چند طفل را در یک دخترا بخوابانند یا بدهر طفل در یک دخترا بخواب
بخوابد و در جمیع درجات سن زیاد مواظب باشند که وقتی طفل بیدار شد بر خیزد و
از دخترا بخواب بیدار شد بیدار بیدار بیدار بیدار بیدار بیدار بیدار بیدار بیدار
شدن آنها را ضعیف و تحریک شده میباید و با یاد آنها را بیدار بیدار بیدار بیدار بیدار
هفتم زمان نرسن و آن عبارتست از یکا کردن سن و دندان ثابت

بجای بیست دندانی که آنها میباشند و اینها بزرگ میباشند و سال هفتم است
دندانهای غار به همان طریق که بزرگ میباشند و بزرگ میباشند و بزرگ میباشند
انها دندانهای بزرگ که حکم تر و بزرگ تر و بزرگ تر و بزرگ تر و بزرگ تر و بزرگ تر
انهم از همان تا پنج سال طول میکشد یعنی از سال هفتم تا در حوالی سال دوازدهم
دندانهای بزرگ میباشند و اینست که آنها را نرسن هفت سالگی نامند و رستن
الحضت سالگی اول دندان ثابت که ظاهر میگرد و بزرگتر میباشند دندان است و در

هر یک

6th de la croissance.

7^{me} Seconde
dentition.

رستن دندانهای و بزرگ شدن آنها ثابت

۷۹

هر یکی دو دندان را پر دندانها که قائم مقام دندانهای شیریند یعنی مثل آنها میباشند
دندان شیریند دندانهای واقع و از غده دندانها که بلافاصله در تحت خلف
دندان غار میباشند و رسته میشود مدتی که میکشد و پرده ناتمامی دندانها
شیراز دندانهای ثابت جدا میباشند و از جای خود خارج شده بالا میباشند
همینکه دندانهای ثابت در مکان خود نمیگردد بگرداند و دندان کجایشان
ندارد و هم رسته آنها از مکان خود خارج شده میباشند تا هشت سالگی ثباتی
نمائی خارج نمائند سالگی ثباتی ثباتی ثباتی ثباتی ثباتی ثباتی ثباتی ثباتی
سالگی ثباتی و حوالی سن دوازده سالگی دندان است و بزرگتر میباشند که
دندانهای ثابت بیست و هشت عدد میشوند و بزرگتر میباشند دندانهای عقل دندان
و بزرگتر میباشند که بزرگتر میباشند با اختلافات خاص از بزرگتر میباشند
سالگی بزرگتر میباشند و دندان تمام میشوند و عرض خطانی کرد
نرسن اول عارض میشود و این نرسن کمر است کلیه حس شدیدی که داشتند
که میشود و دندان میباید بزرگتر میباشند موضع دندانها غار
میشود که کاهی یاد با وجع است و بعضی که اغمال تمام میباشند و بزرگتر میباشند
لشها و این بزرگتر میباشند و این نرسن و نیم مثل نرسن اول و ثانی
نرسن بلکه کاهی شکایت میکند و کاهی نمیکند با بزرگتر میباشند و بزرگتر میباشند
و غذا های سبک ملائم و مشربیات لغای میباید بدهند و آنچه در نرسن اول
کفیم در اینجا هم معقول دارند

دندانهای شیریند از ابتدا فاسد میشوند و همینکه علامات خروج دندانها تا
ظاهر شود و عارض آنها شود و بزرگتر میباشند و بزرگتر میباشند که دندانهای
فاسد شده را میکشد که از و میباشند و وقت بزرگتر میباشند دندانهای ثباتی غار میباشند
و آنها را فاسد میکند و کج شد و انحراف را کوار آنها که غالباً با مشکل است که میباشند

میشود

یک خانه
دندان

۳
فراوانند

در خواص اطفال

۸۰

شود و ما موز کردند

ششم و قهنگه تربیه های فضا بنه زامن کور صبا بهم معلوم خواهد شد که میان انسان جنمائی و انسان فضائی فرقی نیست پس تربیه های طبیعیه جنمائی و فضا بنه مثل جیم نفس بهم مربوطند و از یک مبداء اند که با هم مخلوط شده اند مرده نفس با اشياء خارجیه بنوسط حواس است اگر بخواهیم صور اشياء بخور در نفس منتقل شود باید حواس را خوب تربیت کنیم و این معتبر است حواس که انبه نفس اند تا اضافی و بی عینیت باشند حقیقه اشياء را که هو حق در ک نمیکند و نفس منطبع نمیشد بدین سخت باید از تربیت حواس و حقیقه اشياء خارجیه که با طفا احاطه کرده اند گفتگو کنیم که برای اشياء بسیار مهم است و سبب میشود در تمام زندگانی اثر نیک بخوبی و سعادت و رانها باقی بماند اعضا و حس از ریا ضاعت و تکمیل میشوند هرگاه مواظبت کنند و آنها را بتدريج چنانچه باید عادت میدهند زیاد ترقی کرده خوب ظهور و بروز میکنند بخصوص و قهنگه احسانات ملائمه و با اعضا موافقت داشته باشند اهلالی کشته ها و اخلاها با شبنائی که از و و پیدا میشوند نظر میکنند ببلد و بیج عادت میکنند حس بصرشان چنان قوی میشود که آنها را از منافات خیلی ببیند چنان خوب ببینند و میشناسند که دیگران با چته های تند و در بین ان قسم نمی شناسند و همچنین هند نما از کثره با و عادت قوه سمع آنها بقسمه ظاهر شده ترقی میکند که از منافات بسیار ببیند صدکادشمن خود را خوب میشوند که آنها که عادت نکرده اند هیچ نمیتوانند و مگذا شراب شناسانها یاد بر در شناختن شراب بجای ظاهر شده اند که تلک شراب را که چشیدند و بو شدند خوب بدو عطر آن و اینکه چند سال است از کذا شهر مملکت است و در چه وقت ترش میشود بدون زنده و نقصا حکم میکند

در خواص حسه ظاهره — مادامیکه طفل در رحم آ

8^e de l'éducation des sens de l'enfant.

des cinq sens.

قوه لمس اطفال

۸۱

و از ای حواس نیست و حکم نباشد آنچه از او بظهور میرسد مگر مددی از آنها انار حیره نبائی است چو بدست تابع وجود مادر اما وقتی منولد شد فاعل غافل میشود که بنیای سرورده با اشياء که با و خاطره کرده اند پیدا کرده و آنچه را می بیند اخذ میکند و دارای میل از او میشود و بواسطه بعضی علامت مثل کوبه و خند و حرکت دادن دست پا و غیره و از اول با تکلم در او آخر فرج و غم و خوف و شوق خود را ظاهر میکند از حواس ظاهر که اشياء را بطرح جمع موجودات خارجیه اند باز تربیت اندلس و فاعل بدین شنیدار بدین چشیدار بو شدن اول این قوی بواسطه باز پیچها با اقتضای این سن مشغول عمل میشوند و طفل از آنها محظوظ شده مرتباً و آنها را وسیله تعلیم و نشوونما و استنکام قوای او قرار میدهد برای گرفتن آن باز پیچها میل میکند که حرکت بکند اول تا قوه چشیدن و بو شدن بکار بنفشاده اند باز پیچها شیکه قوه شنیدار بدین از آنها محظوظ میشوند با و فشان میکنند و من ها این باز پیچها را از برنج و سایر فلزات مینا خند چنانچه در شهر هر کولاف و پختنی ازین چنانکه آتش فشان بپزند و از اندام این ایام با بلور و عاج درست میکنند و سوزک و غیره مینا مند و قوه طفل ندان بچرخ مینا و زود بدست او میدهند هر چه میدهند نمیتواند را بصدایا و در مکر و انرا با دندان سفشارد اسباب شود بپزد آتش و دندان او میشود

De toucher.

قوه لمس و مالیدن — موضع این قوه تمام جلد بدن است از

سر و تن و کمر و سبکی و سنگینی و وضع و شکل و نوع و زبری و صافی و ناهمواری و بلندی و کوتاهی و قریب و بعد اشياء از بدن و غیره میبکند بکوب و جوانان در انکشان و دست نوادان که است و بنا بر بدن و زنده است که با نا احنا با اشياء خارجیه میکنند و این علامت حیره که در طفل ظاهر میشود بواسطه

بکشتن آتش فشان
و کوبه اش فشان از علو
بپاشیده است که هنوز کوبه
اعظم اهل این فشان است
در کشتن آتش فشان از کوبه
فشان بود و فشان و علم آتش
فشان و کوبه که معادل آن
کوبه آتش فشان کوبه و زود
و کوبه آتش فشان کوبه
در و زود آتش فشان کوبه
فشان کوبه آتش فشان کوبه
میکند و زود آتش فشان کوبه
از هم موجود است که کوبه
است و کوبه آتش فشان کوبه
فشان کوبه آتش فشان کوبه
از این کوبه

قوة سمع

۸۴

سازمان چشم آنها زود فاسد و کور میشود

قوة شنیدن — از زمان تولد و کار است و صوتی بکوش طفل که
طبعاً با بطن آن بر میگزیند و با این وسیله میشود او را از گریه ساکت
کرد و چند زنگوله بهم میبندند بدکشتا و میبندند آنها را حرکت نماند از صدا
انها خوشوقت شده گریه را فراموش میکنند و در بیک بزرگتر شدن از جمیع نعمات
موسیقی فرخنده شده و بکوش و قوه سامعه او میکنند قوه شنیدن نیز چنانچه
مذکور شد از تربیت و ریاضت معتدل نمود و بروز میکنند اما اگر عمل آن
زباد و شدیدی شود خشم میشود مثل اینکه در قوه بصر که چشم نمیشود و از امتداد
بکار برد اگر چند ساعت متوالی بکوشی را بشنود موجب غلغل شدن او میگرد
صوتهای گریه ناملاهم تمام مینیان عصبانی را تحریک کرده اطفال را مشتقر
میکند بکوش صوت حس که آنها را قوی میکنند اطفال نعمات را لکن نادان
دوست دارند و برای تربیت قوه سامعه آنها بسیار مقید است تا شرف نماند در
انها مختلف است بعضی آنها را اگر چه خسته و ازدهم باشند راحت میکنند
بعضی آنها را بکوش و رفتار میاورند بعضی آنها را مشورت و بعضی معنوم یا خاموش
میکند یا تکلم میاورند و تکلم نعمات و الحان ملاهم و ریاضت و تربیت خوب است
برای قوه سمع آنها بآنکه رای و صدا باشند چیزهای بر برکتابند
سوفان زدن بفلوات و از گردن و امثال آنها برای کوش همان اثر و ضرر را
دارند که روشنائی و الوان نماند برای چشم داشت از صدا بسیار عالی مثل
صدا توپ مخصوصی زندان باشد یا بدجنان میکنند که این قوه را ضعیف
یا فاسد میکنند چنانچه کوش توپچها غالباً است که است شلیک توپ و بعد
گاهی موجب ملاکت ما همان در قعر که فاشده است البته در کوش نازک
طفل هم اثر ناگواری خواهد کرد بر مادی و فاشده است که کوش اطفال را پاک کنند

قوة ذوق و شمع

۸۵

و اگر و سخن دان جمع شده باشد با کوش پاک گزیند مکرر این و سناخ چو
کری موقت کشته که پس از آن مدتی لال بوده اند تا اینکه بزرگ شده آنها را
بجام برده اند و سناخ شسته شده بپزند آمد شوا شده اند پس از چند ماطق
و کوباکشته اند با این و سناخ سبب در کوش شده که منجر بگریه ای کشته است
کری برد و شمع است یکی مولود می باشد که در آن طفل چیزی نشنیده و ابتدا
تکلم نکرده و یکی نیست که مدتی میشود بعد بواسطه غرضه مثل جلاخ
و ضرب و سقطه یا ورم عصبیه چنانچه پس از ورم حجب و مطبوعه حرقه
غرض میشود که میشود چند بیک میکند لال میگرد و بجهت اینکه دیگر چیزی
نمیشود که تکلم کند بعضی بر آنند تمام لایها بعد از کوشیدن غرض میشود
که در حقیقت لالی همیشه عرض تابع کوشی است بعضی دیگر لالی عیب یا
مرض منتقلی میدانند

Du goût

قوة چشیدن — مادامیکه غذا مختصر است چندان بکار نیست
و عمل زبان میکند و فرغ دادن است اطفال صغار از چیزیکه بداند آنها
بدانها بد زبان و تنفر میکنند پس لازم است که آنها را بطعمها مختلف عادت
داد برای این مقصود با بدان چیزیکه نفرت میکنند رنگ و هفت از آنها
داد و زبان با آنها داد که عادت کنند این حس بسیار لطیف است با بد بکمال
دقت آنرا بکار برد نباید غذاهای تند و لذیذ و بسیار گرم و معطر و بسیار
و مبهوه های نارس با آنها داد که ذائقه شان فاسد شود و را بنده غذای ملاهم
ساده که مناسب مزاجشان باشد بدهند و همیشه بک چیز عادت دهند
که عادت بکوش قبول نکنند

De l'ouïe

قوة بوییدن — معلوم نشده است که این قوه از زمان و کوش
بکار باشد اما بعضی حالات دلائل میکنند که در آنها بکلی معذور نیست چنانچه

قوة حافظه

۸۲

کودک مادر زادی که عرق مادرش بویندی داشت اگر کسی بکر پستان بدو
او میگذاشت نمیکرفت و فریاد میکرد چون مادرش پستان بدو میگذاشت غذا
میکرفت پس از آنکه این قوه در طفل ظاهر شد و از بزرگ کردن چیزهای تند و پخت
معتدل منع کند که خلل در قوه شامه او بهم نرسد چه بگویند این قوه را که نمیکند
بغضی که در بینی احساس بشی خارجی بنمایند اما بکلی هم از استنادهای عطر
و چیزهای بوی ملایم خوشتر اند منع نکند بعضی کلمات که عطر ملایمی دارند
بدست او میدهند و میگویند که آنرا بگوید و اسم ببرد که فلان کلمات تا اسم آنرا
حفظ کند که هر وقت آن بوزان شود بداند بوی کدام کلمات است که مثل بوی
زکا را نقل آنرا قوه شامه را که و کاهی بکلی تمام نمیکند

قوة حفظ — تحقیق در جمیع قوای باطنه در این مقام موجب قوت
است تنها قوه حافظه را که در اطفال بکار و مهم است بنام میگویند قوه ایست که آنچه
بوسیله حواس درک میکنند ضبط میکند و نگه میدارد بواسطه این قوه است
که طفل تکلم میآموزد و هر کلمه را با و میگویند و هر ملازمی که با و میکنند قوت
نمیکنند اغلب اعمال طفل مربوط با این قوه است و طفولیت بسیار قوتیست که هر
درک میکند همیشه بخاطر درختان که گفته اند العلم فی الصغر کالتقش فی الحجر
و بر حسب وضع و محل خود اگر زیاد مشغول باشد و کلماتی که مرتباً و میگویند او را
زیاد بکار وادارند و آنرا زیاد بکار ببرند محفوظات او زیاد میشود و اگر تنبلی
و کسل باشد و کسی هم او را بکار وادارد کمتر بکار میرود محفوظات او کم
میشود حافظه از زمان تولد و کلماتی که شنیده و قوتی شیرینانه
او در پیش میبرد که میگوید چون شیر خود در رفع احتیاج او شده و حفظ او
ممانعت میکند میشود احتیاج ثانوی که پیدا میکند که فریاد او از شیر میبرد
چون میبیند هر وقت گرسنه میماند مقصودش حاصل میشود و هر چه میخواهد

De la memoire

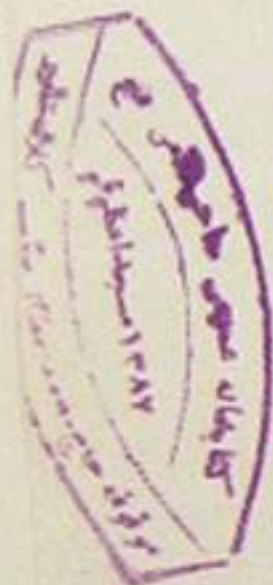
در اینکه طفل اکثر اشیا را از تقلید یاد میکند

۸۷

بدر و مادر با و میدهند این نتیجه را حفظ میکنند و همیشه برای چیزی و کلی
که میخواهد کسب میکند و مقصود خود را حاصل میکند و فته و فته خواهد شد
او زیاد میشود چون فته اول بلحاظ مقصود خود را حاصل کرده بود از سر
میکشد پس چون از فته برای طفل نقطه شروع بارادها و کارها است تا بعد از
دو و از اول چیزهایی که صلاح و برای او مفید است بخاطر او گذاشت اگر خواهی
چیزهای نامناسب شود منع کند و گوش بکشد و او نکند تا همیشه در ذهن او بماند
که او را از فلان چیز منع کردند و دیگر در کارها احتیاج و او را میگویند در هر
که اظهارات و تقاضا و اطاعت کرد او را نوازش کنند و او را محبت کنند که بخاطر
بماند اطاعت و حرف شنوی مطلوب است تا از اطاعت شود و وقتی خوب مطیع شد
حالت تقلید (تقلید طفل) در او پیدا میشود که در اطفال بسیار مهم است
اولین اعمال فضاویه این است که طفل میخواهد آنچه را دید و ضبط کرده تکرار
و تقلید نماید هر کس هر چه میکند و هم از باب تقلید میخواهد بکند از این
است که میخواهد چیزهایی که دیده استعمال کند و بکار ببرد و از باب تقلید
که طفل بکار کلام میکند که اول کلمات مفرد و مرکب را بشناسد و بعد کلمات
و از این خود را بفهماند و فته بیشتر میکند و در حقیقت تمام افعال او
تحت یک سلسله از اعمال تقلیدی پس بر ما لازم است که پیش روی طفل کارها
بکنیم که برای او مفید باشد که از آنها تقلید کند

Commencement
à parler.

بر زبان اطفال — قبل از آنکه طفل بتواند برای
اظهار احساسات خود علامات اشاراتی در قیام و کوبه خود را بداند که بواسطه
انها اظهار احساسات خود را میکند و حالت صحت و بیماری او را حساست که
میکند بعضی حرکات علامات ظاهر میشود که شادی و راحت او می دانند
ممانعت میکند و قوتی در مرض میشود با از تنی با و میرسد بطور وضوح صورت



سبب کربهاطفال

۸۸

هم می کشد و قوی تر که ناک و ملتد میشود هم کشد که فایده باشد حالت فرج
و انبساط و صورت او ظاهر می شود و کثرت قنای افتاده که قبل از سه هفته
حالت فرج خود را به تبسم و خنده نشان میدهد چون شروع بخند میکند و
جزئی حرکتی است که در لبهای او ظاهر میشود که اگر استیجاب نباشد میشود تا آنکه
واضح خنده میکند و صورت او کشاده شده و صدای خوشگالی مکرری میکند
که به وفرا برای طفلی که هنوز زبان ندارد یک نوع بیابا غیر ملفوظی است چنانکه
مذکور شد بان فرج و از تب و غضب نادر است خود اظهار میدارد و این
باستقامت خرق مواجیح از ریه و کشش از حنجره که موضع تکوین است
است نهاده میشود و حنجره نوزاد تنک و کوچک و عضلات همگان با زبان و ناک
و عضلات کوچک و دشتهای کوچک و کوتا هستند از این است که گریه نوزاد
بسیار ضعیف و خفیه است قتی که ضعیف الخلفه یا در حالت غریب با غما
باشد گریه برای اینکه ریه را وسیع و بدغم بجمع در مجرای نفس را خارج کند
بسیار مفید است اما اگر زیاد شود و در آن خون را بر هم زده موجب غما میشود
و قتی که زفير شهبوق خوب و صفا و سهل الخروج است علامت قوت مزاج نوزاد است
که گریه که سبب مزاج و جمع با صدمه دیگر باشد با قنوت و اضطراب و قیاس
است اگر لحظه ادا شود باز شروع میکند و از حالت گریه و اضطراب تشنج
او میتوان فهمید که غرضه و کدام عضو است کافی سبب که این است که مقصود
دارد و هر چه مضروب نماید نمیتواند از شدت عجز کره میکند علامت
این است که شروع و نفس او پیدا میشود صدای گریه فای قل طفل برای رفع
احتیاج و نسل مقصود است و گریه فای که بعد میکند بواسطه فنی است که خوا
او احداث میکند طفل مقید چون نمیتواند بفهماند که به وفرا میکند و اما
سیم و چنانکه طفل مقید گریه میکند از چشم اشک بیرون نماید و فای

نیم

تربیه نفسانیته اطفال

۸۹

پنجم صدای طفل تغییر میکند و اولی هنوز ملفوظ نیست لیکن گریه محض هم نیست
در ماه هشتم و نهم این صدای ترقی کرده طفل آنها را بفلفله دارد که حرف میزند
حرکت دارد و میخواند حرف میزند قوای شناسایی و متبجانات طبیعی که تاکنون ظاهر
و پیدا نشده بودند بجهت کشاند پیدا میشوند و حتی در طفل احداث میکند
طفل را ذات معلومان خود را میخواهد بدین بگری بهمانند شروع تکلم میکند
اول تلفظ بجهت علم میکند اما آوازی و حروف عله را ممتاز و واضح تلفظ
پس از آن تلفظ بجهت و سائله میکند مثل اینست که طفل فوراً بدون مقدمه
بسخن آمدن نخستین حرفی از حروف سائله که بزبان میآورد از حروف شفویه و
حروف غنیه است ب پ م ن که با الف که حرف عله است ترکیب میکنند با
یا ما نامی میکنند و اولین کلمه که تکلم میکند لفظ مادر است و فرایه فاما
در فارسی نه میگویند این اظهار بجهت است که طبیعت میآورد خود میکند و عله
اینست که قوای نفسانیته در طفل شروع بعمل کرده اند از اینوقت باید تربیهها
نفسانیته او شروع کرد معتبر است که بواسطه ضعف که در اعضاء متکلمه طفل
حروف و کلمات را بداند میکند و اگر از کوچکی اقدام با صلاح آن نشود عا
میکند و دیگر ترک آن مشکل است پس لازم است آن حرفی را که خوب است نکرده
در حضور او صحیح و شمرده تلفظ کنند که یاد بگیرد و درست بگوید

de l'éducation morale
et intellectuelle

فصل در تربیه نفسانیته

چنانکه تربیه جسمانی برای طفل لازم بود تربیت نفسانی هم لازم است
مادرها باید که در سال اول مواظب طفلند و او را تربیت میکنند اول امور
و اول معلّم اند باید ملتفت باشند در ظهور و بروز دل و موش و طاعت
او زیاد وقت کنند پس باید در اینجا دستور العمل و تربیههای نفسانیته
طفولیت اول برای اینها بیان نمایم کلمه که ملتفت است این اول تربیت

نشد

عادات نفسانی آنها

۹۰

نبت کان نمیکند این امر هم زایه فی عشتاقی کذا و انداختن میبند بجهت اینکه توان
 یاد گرفتن چیزهای باطل و مضرت اعتیاد بعات و دتیه میشود مخصوص اگر دایه
 و مرتبه نادانانه باشد پس در اول طفولیت قبل از اینکه حواس و ظاهر شود
 باید شروع باین تربیت نمود **پلونا وک** میگوید هرگاه ضعف مزاج مادر
 مانع از این باشد که طفل خود را شیر بدهد باید بزودی بعد از تولد دایه
 عاقلی برای او انتخاب نمایند و از انوقت خود شروع دایه کمال مواظبت و این تربیت
 داشته و از انجود و انکذا و نده که عادات و دتیه و اخلاق و دتیه پیدا کند بجهت
 اینکه هر نفسی بدوی نرم کنند خیلی و در انسان نقش میگیرد بهین قسم است
 هر چه طفل در این سن میبیند و در دایه میگیرد و عیناً لحاظ نمیشود و نقش میبندد
 افلاطون الهی بکمال سخن دایه فارا از اینکه افسانههای لغو و مجعول که موجب
 خیال آفرانیه میشود با طفل نادر بدهند نمیکنند میگوید این خرافات و
 ذهن او نقش میشود و دیگر محو کردن آنها محال است باید هم با دتیه برای او انتخاب
 کرد که عادات خوب از او اخذ کند صحیح و با لجه فصیح با او حرف بزند که بدلیجه نشود
 در این سن طفل زود سخن میشنود و نمیکند و اعمال او را میباید آموزد اگر خوی
 اعمال بد داشته باشد فرامیگیرد و دیگر ترك آنها مشکل میشود و در این باب
 مثل خوبی و روزه اند هر که با مثل منشی شود شلی ناید میگوید عادات طبیعیه
 که ضایع میشوند و اثر ناکواری و وجود ما میکنند اما عادات نفسانی
 ان قسم نیستند ما را اغراض و غرض به نیکوکاری و راستی و محبت و اخلاص
 مینمایند و ما را در اعمال مفیده جری قوی میسازند و بواسطه این چیزها
 و علاقه قوتیه ما را بخود مربوط مینمایند و افعال و افعال ناکواری حواس
 و اغراض نفسانی را تسلط مینمایند قوای فانی و فانی و بزرگ و خوبی و بر قوای
 مخانیه مسلط مینمایند با لجه عادات نفسانی بهین تربیت برای نبت

در صحیح عادات و تربیت اطفال

۹۱

در کفیل اطفال

هرگاه یکی از اعمال نفسانی دفعه اول بر ظاهر شود برای تکمیل ان خیلی است
 است هر روز بیک و یکبار وقت رشتع و ظهور ان کنند و از انرا بپندارند
 و هیچ چیز بهین از پیدا کردن عادات نماند و دفع مانع از ان نیست
 این خطا است که گفته اند عادات دتیه بعضا اطفال صحیح دفع نمیشود و اینکه
 دفع نمیشود بواسطه این است که مواظبت اصرار و دفع ان نمیکند و دتیه
 دوزی بر دفع و صحیح آن میگویند خسته میشوند و دتیه میبندد باید مدتی اصرار
 در دفع ان نمایند تا حالتی رخت کو چکی خوب تربیت کنند و دتیه بترک نشود
 و ممکن نیست دتیه را بخود واکذا و نده و در دتیه با یک خدمت نکنند مینو
 شربزیدند اگر این اتفاق بیفتد از نواد راست مثل **سقراط** که از دتیه
 بزرگ مستغنی از مجید است فلسفه آسمان و از زمین آورد و غیره مثل است
 برای این مطلب از خا نوده پسته متولد شد بود با تمام معایب که داشت و
 شدت میلی که طبیعت بتریت پیدا کرد عادات نفسانی هم مساعدت نمود
 استقامت ذاتی در او احداث کرد تمام معایب با اختیار خود را بدل کرد
 و بدو وجه رسید که رسید شرح حالات او در تمام قوای پنج مسطور است اطفال
 اگر مطیع نکنند کلیه مؤید تابع میل خود میشوند و برای اجرای مقصودشان
 ند بیزها و از اند که میبندد غریزه میبندد قوا و اضطراب مینمایند و لا شخاص
 که در حوال آنها بیند میشوند و اند صبر حوصله با آنها تنک میکنند و اگر بزرگ
 با این حالت بر مقصود خود مظفر شدند دیگر کارشان مشکل میشود و دیگر
 کس از عجز و انحراف نمایند اگر با عزمی ثابت با آنها مقاومت نکنند و از چیز
 که برای آنها ضرر دارد ندانند و بطلبش منع نکنند بعد از ان بدو و مادر
 و خویشان و ندان سالیان و دنا ناظها و ندانست خواهند کرد که جرمیکند و

در مطیع نمودن اطفال

۹۲

دندان کردن این قسم تربیت شد چه اگر محبت منع را با و بگویند در این بین
نمی‌تواند پس غلبه کردن بر او ممکن نیست مگر بسختی بشاد و اعتنا بکند
و فریاد و نگریدن و این بسیار لازم است که شد حرص و میل و لذت سنگین
چون حواس ظاهره طفل ضعیف اند با بهادر یکی از حواس خود را واسطه
قرار داده غبطه و غضبش را با آن واسطه با و بفرماید مثلاً بگوید بکنند تر گفتگو
کند گوش او که احتیاج این صوغ غریب کرد و در میان صوت غریبه‌های آوا
و صدا او نمی‌تواند غلبه بر آن کند ساکت میشود و دیگر چنین خواهی نمیکند با چشم
که انا و حاجه بدماغ میرساند واسطه قرار داده بواسطه آن نظر غضب
با و کرده اشاره بفرمان برداری کند میگوید که قوه مخالفت ندارد با بهاد طاعت
کنند فرد بکه بزرگتر شد اگر مطیع نشد بنظر غضب بنگرند و با صدا بلند با او
حرف زنند و قوه اقتدار و حکمرانی خود را با و بفرماید با چار شد مطیع میشود
همینکه فرمان بردار شد خود و کسانش اسوره میشوند در برابر معرفت
میگویند در کتومنه اطفال خود را بدو که خوب تربیت کرده و اند
کله از این است یا بد بکنیم هم نمی‌تواند بکنارم بکنیم با بد بکنیم با اقتدار
با غریب ثابت باشد اما باید بملازمیت متانت هم باشد بعد با بد از او و لجویی
کرد و بر او مدلل کرد که این منع از رو گوید و حقایق است اگر با و نفهمان
و چنان کار کند که محض اظهار اقتدار است بکارهای شرمناک خواهد شد اما
او ترس خواهد بود و طفل بعد میفرماید که اگر از کار می‌گویند خود
مرا تکیان میشود چه را که امر را با و اجازه و در صفا فرما منع میکند از طریق
عقل نیست از دقت هوس است لجاج را از سر میگیرد هرگاه طفل مطیع نباشد
بعضی تغافل برای او اتفاق می‌افتد که اگر بداند آنها اندک غفلت کند مثلاً
میشود و مجال فکر و تدبیر هم نیست و در این حال بجز اظهار اقتدار هیچ چاره

نیست

در تربیت نفسانیات

۹۳

نیست مثلاً طفل طبعاً نچرخ بر کرده با کار و تیزی بدست گرفته میخواهد بکار
برو با بلبای می‌بلند با بلبای می‌بازد و زود خانه رفته خم شدن نزد یکسخت
و حالا هیچ بجای نماند از هم که او را مستخلص کنیم چاره منحصر است با اینکه طفل مطیع
باشد و بقوه اقتدار بمحض اشاره با قضا فی که با هنک مخصوص با و بکنیم با طبع
انچه در دست است می‌بازد و از لب چاه و رودخانه که مشرب با فسادن
بود پس میرود و از این قبیل مخاطرات برای طفل هست اگر مطیع نباشد
ملاک میشود اطاعت حرف شنوی و این و بجز این ذات نفسانیة می‌باشد
و منشأ جمیع تربیتها است که از برهان میتوان استوار کرد طفل را اگر بچرخ
طاعت دادند بکرمندای که بر او شنیده نمیشود استیلا را حاکم خانان
و با بدان زمان تولد شرع کرده طفل را مستعد با ن نموده همینکه مطیع شد
ما دام العمر خود و کسانش مرتبه الحال و با کمال خوش و قی و زندگانی میکنند
و برای حقیقت مزاج او هم فایده کلی دارد و هیچ خالیه مثل حالت مرض خالیه
تربیت طفل را نمیتوان فهمید و قی عیناً دان و میرند اگر از امر و صبور و
ساکت مطیع او امر طبیب است معلوم است داده مرتبی بر او داده و غایب
که او را بنظر و مطیع و منقاد کرده است اما اگر بالعکس بدخو و پر کواست طفل
کریه و فریاد میکند و هیچ چیز قبول نمیکند حرف کسی را نمیشنود و چنین پراختو
که برای او ضرر دارد معلوم میشود بد تربیت شد و از او غایب بر او داده
مرتبی است آنها که گفتند اند برای هر مطلب برای طفل باید دلیل آورد و با و کما
کرد که این چنین و آن چنان است و مدعی شده اند که این اصل در تربیت است خطا
کرده اند بجهت خالک استدلال خود برای او می‌باید اما کما می‌باید بخود طفل
قبل اینکه مشرب شود دلیل چویند و پرسند است پس با بد او را بخود و اگر
که بمیل خود از او بلبا می‌بازد اگر قبل از وقت برای او دلیل می‌آوردی

در منع اطفال از دندان زدن و سر کوبی

۹۳

هم در هر حکمی با و میکنند و در نا فرمانیها دلیل مبادی و زدن را منع میکنند و کندی میکنند و میگویند چرا دلیل مبادی و زدن طولی نمیشد که موشن و صنایع میشود و همچو میل دارد و نمیکند و کسی نمیشود و استدلالات و ابکی پس باید بگوید که برای اینکه طفل شود دلیل ناپاوردنا خود او دلیل جوشود در هیچ حالت نباید برای اینکه طفل شود با او نزد بر کرم یا در زدن گفت که بدکار میشود ناممکن است یا بدقتی کرد که اطبان پیدا کنند اگر چه برای چیزهای خیلی خوبی باشد که حکم از این است که بجز برای چیز که در او خیلی مؤثر است و استی و صداقت است که وقت با میل غارت او موافقت کرد مطیع میشود مخصوص و قنیه نصیحت خوبی که با و میکنند و زدن دیگر فراموش نمیکند باید با و فغانند که همیشه باید ناسکند و قنیه طفل میبیند هم با و است میگویند حرف او را با و میکنند و او را نکند نمیکند و است که میشود و این حالت را و رسوخ میکند نباید گذاشت طفل مرقور شود و آنچه در دل دارد پنهان کند با طفل دیگر را فریب بدهند که بدترین مغایب است در او پیدا میشود و مکر بواسطه معاشرت با اطفال دیگر است صفات را دارند باید حجت کرد که این عیب را و ظاهر نشود که اگر ظاهر شود دفع آن ممنوع است

هرگاه در حق طفل با و حرف بگویند یا از بی بکنند و طفل بخواد انتقام بکشد باید بر فوق و قدا او را از این انتقام منع کرد و اگر او را نصیحت نکند و اینجاست دفع نکند بعض اطفال قوی غیور هستند مجروح میکنند بلکه میکنند اگر چه بر او شایسته باشد

و قنیه طفل را در خلایق کرد نباید و زدن با و قنیه مبادی نباید با و چیز گفتن دیده شده که اطفال بچهاره از خوف اینکه آنها را بزنند و در خوشا نیا پنهان کرده و بحالت صبا و بکمانه نامرئ اند پس باید زود ملتفت شوند و از

اول

در مساوات و نسیب و نایب اطفال

۹۴

اول که میتوان آنها را علاج کرد بعلاج آنها بگویند پدر و مادر بیکه اطفال متعدد دارند باید در محبت و سایر چیزها در جمیع اطفال مساوات کنند و هیچ طفلی را ترجیح بدیگری ندهند که این ظلم است و طفل غنیکن و بیجو صله موجب خوا موشی بدی میشود که با خلاق و ترکیزه مرض میشود با حالت حسد را و پیدا میشود که مغایب است که اطفال کما به حسد را ابتدا ای رضاع حاصل میشود و وقت مادر و زایه پستان را بدندان دیگر میکنند از ندر کرم و فریاد میکنند زیرا که طفل هنوز بان درجه ترسید است که تواند حسد خود را پنهان کند بزرگتر که میشود حسد خود را پنهان میکند اینست که بدون علت ظاهری لاغری ضعیف میشود و را بصورتی بجز حسد چیزی دیگر سبب غری و نیست نباید تخصیص کرد که محمود او که است چیست اغلب پس از تخصیص معلوم میشود که با مادرش طفل دیگر را بیشتر نوازش میکند با پستان بدندان طفل دیگر میکند و پدر و مادر هم ملتفت نمیشوند که طفل با این سن حسد داشته باشد که بطفل دیگر نپزاند طفل هم خوف از بیجهت اینکه پستان و نوازش مادر را حق خودش میداند پس در اینجا نباید این طفل را با اطفال دیگر مانوس کرد که با هم بازی کنند و بتدریج بعض چیزها با و بدهند که بطفل محمود بدهند که او را به نرانی و بخشش جاد بدهند اما نه اینکه بدون مقدمه او را مجبور بخشش کنند بقیه است قبول نخواهد کرد و استیالجا و خواهد شد

پس بر پدر و مادر است که با آنها بطور خوبی و مهربانی رفتار کنند چقدر از مادرها مقصرند از این است که با زنان و کارهای دیگر آنها را مهربانند اطفال که نایب با عانت آنها در دوی مین زندگانی کنند صنایع و خرا میکنند کما مانها اینقدر بزرگ نیست که قلب آنها را اینطور مجروح و مسخو

در رفع جبن از اطفال

۹۳

کند که اثران بیدار شود و اسباب هلاک آنها شود باید پدر و مادر ملتفت شوند و تمام نیکه‌ها را با آنها بکنند و باید بدهند کلبه چنانکه یکی از حکمای بزرگ میگوید دو کتخت بطفل خود مان نشان دهند خوش روی و ملائمت شما قلب او را بدست می‌آورد و ترش روی و درشت کوی مناسب نیست اطفال بنشینند و احترام و بوی که می‌دهند و دردن که می‌خواهد و اغماض کردن برای حالت آنها مجرب است باید اطفال بکمال آنها دانند بدهد گرفت که می‌باید بدوند بد شنید و نشنید بجهت آنکه بعضی کارها هست که وقت دنیال کردند بدتر سخت تر میشود و از اغماض و بی اعتنائی بجز اصلاح میشود اگر کم لازم شود بخند بکنند یک لحظه باشد پس از آن و از نوازش کنند و اصلاح در دهنه او را عینند و ضعیف القلب میکند

یکی هم از معایب طفل جبن و ترسو بودن است باید سعی کرد که این عیب را و بپزدانند و بیشتر سبب اول ترسنا بید طفل است که کریم یا شیطنت میکند که با او میگوید کریم نکن حالا که می‌آید ترا میخورد و با سگ همانا شتر تو را یاره میکند یا خفه بپزند اما من با آنها را گرفتن با بقم دیگر آنها را ترسانند و هم خواندن حکایات مجذوله مؤخسه مثل قصه دیوان و پریان و شیاطین و غولان و افسانه‌های مؤخسه از قبیل آمدن مردگان بدست و راجع و غیره از چیزها طفل را بمول و فراس می‌اندازد بپزند که آخر شایع ناگوار دارد زیرا که طفل بالطبع با ترسانه فاما بل است و در او اثر مخصوصی دارند و میخواهد مکرر آنها را بشنود و در ذهن او مرکوز میشوند و متصل این صورتها در خیال او هستند اسباب ضعف نفس کشنده و تمام عمر برون و ترسو میشود و سلسله عصبانی در طفل بقدر سریع تاثیر است که با دنی و وحشی مترسک میشود شب که تاریک میشود و وحشت بیشتر میشود و از آنکه صدای می‌رکد و از خواب بیدار

Empêchement de la peur des enfants.

در بیدار کردن نفسا نبر

۹۴

و دل و منطبقه و دزدان خون و سیر و نبض او تند میشود و منجر بقتله و کتول و می‌کند و کاهی فحشه می‌پزد و کوا برین حالات در طفل ظاهر شد باید با کمال متانت و آرا خیال او را منصرف بطرف خجالتان غاده کرد که این چیزها که قوا از او ترسیدی چیز است متعارف که اکثر اوقات همیشه بطور ما می‌پوشیم ابتدا نمیشویم و بعدا بل عقلیه در کمال ملائمت و در از ترس بیرون می‌آورد و در بعضی اوقات که مترا آنها را بر ضد آنچه از او می‌پرسند جرئت و قوت بدهند که ترس آنها را بپزد و این صحیح نیست و باید مجبور نکنند که بغیر ترس او را بپزد و از او در تار و پستی بگذارند که ترس او برود با چیزهای مخوف با نشان بدهند که عادت کند باید او را از خوف بیرون بیاورد و در زمانه با این قسم که عاقبت ناگوار می‌آورد باید بتدریج و خیلی بآرامی بپزد و در زمانه با این قسم که عاقبت ناگوار می‌آورد باید بتدریج تشجیع کنند و با اطفال که خیلی جرات دارند و راهم بازی کنند و میخوفت چیزها چیز موخشی پیش او بیاورند و ذکر سباع و حیوانات مخوف پیش او نکنند و اگر وحشت برای او پیدا شود او را مشغول کنند و وحشت او را بلباطیف اطفال بپزد کنند و لا بل عقلیه برای او بیاورند که این ترس بدون آزاره از او سلب شود مثلاً چراغ را از اتاق بیرون نبرند یا از احتیاطها لازم است اما صبر حوصله میخواهند افسوس که بعضی از آنها این حوصله را ندارند و قایع موخشی را بختا جریع و فریاد میکنند مثلاً از صدای غلغله و شیشه برقی با اتفاق دیگر در حضور طفل بگریه می‌پزند و فریاد میکنند پس باید خاطر نشان آنها کرد که در این وقایع در حضور طفل خود داری کنند زیرا که از وحشت آنها و وحشت طفل زیاد میشود و بکلی اطمینان از او می‌برد و این بس خطرناک است که اسباب امراض مختلفه میشود باید اگر کم صدای شنیده شد از او بپزد و در وقت طفل با طمأنینه نظر کند همه را آرام و بدون اضطراب بپزد اطمینان پیدا کند و بقیه کند

در علاج استسما اطفال

و بنا بر این باید بداند که این بیماری که کامی می‌طلبی می‌خوانند که برای آن ضرر خطر دارد و معتبر
از آنست که مکافات و قوا و پنج طبیعت می‌خوانند و از خواندن افشاها مخصوص
افشاها و خرد و پیکر و حالات عشق با وی امثال آنها اجتناب نمایند تا بیک
ضخیم اعمال آنها و مبادیه و خدشکار و هم در رس و امثال آنها نگذارند بلکه مستحفظ
سخت نمایند بکارند که خدغن کند و مواظب باشد که این کار نکند

(هـ) بیکاری یکی از اسباب بزرگ این مرض است اما طفا لکه میل بیازی می‌کنند
و ذوق اینکه کاری که اسباب خوشحالی باشد پیش آنها بکنند ندارند هر لحظه
وضع خودشان را بشیر میدهند از اینجا بر میخیزند نظری می‌کشند کوش
خود و موهای خود را می‌گیرند می‌کشند صندلی خود را می‌چینانند حالات
دیگر از آنها بروز می‌کند که دلیل بر بطلان و از کار ماندن بدن و قوه
خفا است باید معلم و مستحقین ملتفت حالت آنها باشند و آنها را بکار و از آن
بجهت آنکه در خدایت مشاعری در عمل ماندن بدن زیاده اتفاق افتاده است که
قوه شهوان نوعی پیدا شده است که دیگر چاره آن ممکن نبوده است

(و) هرگاه با تمام احتیاطها با زانچالت باقی باشد باید معلوم کرد که
بواسطه مرضی عارض شده یا خورد عیب شغلی است کرمهای زده تو بر گو
شدن روزها و ماساد بقا (کار) بعضی امراض جلدی که مضار فشا
بدن و موضع مخصوص شوند و امثال آنها ممکن است سبب شوند از وقت
مرض است باید بمعالجه آن بقی می‌کند در موقع خورد مذکور شده کوشید
خوش بخت طفا لند که اینجا لک در آنها چندین طول نکشیده موجب
خادش مستحکم غیر مهوری نشده زود دفع شود

تمت المقالة الاولى وتلوهها المقالة

الثانية ان شاء الله تعالى

المقالة

در امراض اطفال

مقاله ثانیه

در امراض اطفال در آن ذویات

باب اول

در ترابینک (علم با شغال دوسه) و بنا بر قواعد کلیه Chirapentique

فصل اول در تشخیص و فصل بیان میشوند
اگرچه نوعی هم باشند میتوان در اطفال استعمال کرد اما باید بدین دینت معینه کتر از شتر
معمولی خوانها باشد اشکال تشخیص اشکال استعمال و در اطفال از مشبه بودن
و معلوم نبودن امراض آنها نیست از طرفه اطفال غث لطافت مزاج (ملون مزاج)
انها است پس برای اینکه اطفال و از اخیل بخورند و اشکال مخصوصه و مراکت
که دواها را خیلی مقبول و در لکشر و بطوری تهیه کرده باشند که طفل آنها را مثل
باز بچرخد و خود میل بخورد آنها کرده بخورد و انوقت که او را و مناسب است او
میشود اما اگر این قسمها نکنند طفل را و اگر می‌بینند و حش می‌کنند کرم و غیره
می‌کنند بدان و می‌بینند بپوشن می‌بیند باقی می‌کند و بپوشن می‌کند و از آن او را
می‌بیند بخورد او را می‌خواند با نند شت پای او را می‌گیرند می‌خورند با قاشق و امثال
ان دندانهای او را از هم دور می‌کنند و در نشت دندان او را می‌کشند لب لشته
او را مجروح نمینمایند ستر پای طفل عرف می‌کنند بکشد بدن او سرد میشود البته
این قسم دوا اگر وارد معده او هم بشود ضرر می‌کند آنها شرط لازمه معالجه
اطفالند و برای این مقصود باید خیلی غاذن بعلم و اساس مخصوص برای
مقدار شربت و غلبه و مخلوط نمودن دواها داشته باشند

فصل شربت و امثال اطفال

De dosage des médicaments
chez les enfants.

انرا با تمام مختلف می‌بیند کرده اند بیان تمام آن قواعد را اینجا موجب
اطفا لست آنها هم که از یاد نماندند بجهت آنست که بیکار از دانش مقدار شربت

دوا

فقد شرب وای اطفال

دوای جوانان مقدار شرب هر رجب از سن طفل را معلوم نمائیم
 گوئیم قاعده بیان کرده که اقرب تحقیق است میگوید بعد از آنکه قد شرب
 دوای جوانان معلوم شد برای طفل کمتر از یکسال دو اوزه یک ازان در روز
 نیز در یک ساله سدر در چهار ساله یک ربع و در هفت ساله یک ثلث و در چنانچه
 ده ساله نصف از آن بدهند کثر اینطر بقیه را تغییر داده میگوید بد فرض
 میکنیم مقدار شرب وای جوان یک باشد و طفل از یکسال تا سه سال یک
 ازان از سه تا هفت سال یک ثلث از هفت تا ناسه سال نصف از چهارده تا
 نایست سال و ثلث از نایست سال بدهند باید دانست سبب آنست که نمیتوان قاعده کلی برای
 شرب وای اطفال قرار داد از آنست که مقدار شرب مذکوره چنانچه در هر
 در جوانان یک مقدار است و اطفال در جمیع ادویه یک هیچ نیست اطفال
 بعضی و اما قوتی را بالتبیه خیلی بیشتر و بعضی متحمل میشوند مثلا بلادن و ستم
 الفار و جیره و بیشتر و بعضی از جوانان متحمل نمیشوند بالتبیه بیشتر و اما
 دار و ادویه دیگر مثل اسید فنیک و افون و ترکیبات آنها را متحمل نمیشوند
 که مقدار خیلی ضعیفشان را و اما موجب تهوع میشود پس ادویه قویتر مثل
 افون و اذوق و غیره و خانق الکلی ترکیب قلیائی آنها را بطفل نمیتوان
 داد مگر کم و مقدار ضعیف مثلا و قهقهه نباشد چهار هزار یک گرام افون بطفل
 که کمتر از یکسال دارد و بجز شود نباید بکسر تیر و ادویه که او را چند قسمت کرد
 بدهند تا آنکه در دوازده مثقال آب اخل نموده هر دو ساعت یک فاشق
 (مثقال) از آن بخوراند و منتظر اثر آن باشند

سابقا در فزک نسخه ها که منوشند مرکب بود از ادویه متعدده و گمان
 میکردند که هر چه در وایشتر باشد بجز اثر میکند چنانچه تر باقی و شر و بطور
 داخل مینا جین فامیم منتهی است و اگر در مینا و مجالس علمیه فزک بر اینطر
 ابراد

تجرب وای اطفال

۱۰۵ ابرادان را و دوزند که اگر این مرکب منفعه نایست کند که نمیدانند کدام وای
 او است که نافع است کدام مضر است هم ممکن است تا هم که فعل و انفعال کنند
 اثر شوند بعضی بعد از آنکه بزخم نادر دوائی تجربه کرده خورده است عمل نکند
 کرده باشد و دیگر اینکه طبعی نسخه اختراع میکنند که دارای چندین دوائی
 چنانچه مکرر تجربه شده است که در واد ترکیب کرده اند مضر واقع شده است
 و این بواسطه آنست که اثر یکی بر ضد اثر دیگر نیست اینطریب نمیدانند
 مرکب اختراع میکنند که دواهای آن بر ضد یکدیگر میگردند و مضر واقع میشود و
 دیگر اینکه در ترکیب یک جزء آن ستم الفار است و دوائی بسیار قوی است و
 ضعیفه که جزء نسخه اند بی فایده میشوند و اگر مقدار آن کم باشد قوه ساز و دویه
 غلبه میکنند ستم الفار بی اثر میشود و مکن ابرادان زیادی کرده اند از اینست
 تا ممکن است وای مضر استعمال میکنند اگر لازم شود یک نادر و اگر مصلح
 مقوی عمل آن باشند با اضافه مینمایند

قاعده کلی در تجرب وای اطفال
 اطفال حق قرص امثال آنها را با شکل میخورند و دستور العمل خیلی مختصر
 برای وادان آنها میدهم و چندین نسخه برای آنها میدهم که بیشتر
 اقسام باشد که هر کس آن را با اطفال کوچک بخورد نماید
 در مسخوفها و مخلوطها و نغورضا و الکلیها و شرابها و لعوقها مصوق و مخلوط
 میتوان باینها داخل کرد با مخلوط بعسل یا سربا غود و نغورضا و محلولها
 ممکن است اخل شرب کرد نادر و اینچنین که قند و دان باشد اما شرابها و لعوقها
 بکمال میل میخورند

حقنه در اطفال سهل تر و بیشتر از بزرگها استعمال میشود بجهت آنکه در
 و امراض و دویه و دوائی که مکن و دوائی که دوا از دوا دهنی بدهند

حقنه اطفال

انها لازم میشود

در اطفال مقدار مایه که حقنه میکنند باید بیشتر از دوازده الی سیزده
منقال باشد و از دو سال تا پنج سال از بیست تا سی منقال و از پنج تا ده سال
چهل تا پنجاه منقال و در جوانان شصت الی شصت و دو منقال باشد و از حقنه بزرگ
و نصف آنرا نصف حقنه و ربع آنرا ربع حقنه گویند
درجه گرمی مایه که حقنه میشود باید بر حسبین و موقع از پانزده الی بیست و دو
باشد هرگاه دوا قوی حقنه میکنند که میخواهند زود جذب شود باید مقدار مایه
آن نصف آن چه مذکور نمودیم باشد و لو ذائقه داخل آن کنند که معده مستقیم را خنک
کند و خیلی غریب نشود و قتی که میخواهند چیزی را دوا قوی را حقنه کنند باید قبل
از آن برای تخلیه اطفالی که در دوده اسهال بزرگی نسبت بس آن آب یا
لغاب خطی غریب کنند

مقدار دوا و قوتی که داخل حقنه میکنند باید بیشتر از ضعف آن که از دهان
استعمال میشود باشد بجهت آنکه اتفاق افتاده دوا قوی را پیش از اندازه داخل
حقنه کرده اند موجب سہم و مبت شد است

اگر مقصود از حقنه تخلیه اطفال روزی است قدر بخار یا سوس را با اندازه که
برای حقن مینویسند در آب طبع کنند و بخار را در پنج درجه حقنه نمایند
و اگر مقصود از حقنه اینست که دوا در اندرون بماند و خارج نشود فائده خود را
ببخشد انوقت باید مقدار مایه خیلی کم یعنی چهار منقال باشد که تقاضای دفع نکند
بابت آن حقنه نرم و کوچک از بلور پاک و در نشو و سرلوله آن بار یک از استخوان پاک
و نشو باشد و از اجزای کرم بگذرانند از استعمال حقنه ها که در این از شدت
ببرنج مینازند اجتناب کنند که طفل را مجروح میکند

ضای اطفال

ضاد

Des cataplasmes.

در حقنه جلد و مالت و حمال اطفال

ضاد که در اطفال با دمه و اسهال بزرگی که در آب گرم و پنجه زدن و بجم منبند
نابو امضای بعضی بقوام خمیر نرمی شود این ضاد کامی و جبارش و مخری که در
طفل میشود انوقت باید بجای او بزرگ او در پنج استعمال کنند مخصوص قتی که
بخواهند ضاد بزرگ چشم بیندازند و در پنج مناسب است یا بزرگی ضاد با اندازه
گرمی بدن طفل باشد و در مراض ضاد بزرگ لازم میشود که موقوف بخوبی
طبیب است

تزریقها تحت جلد — در اطفال مقدار دوا را باید مقدار دوا را این پنج
الی شصت یک مقدار باشد که از دهن میخورند و مخصوصا از دهن محلول و مریض در

اوجاع شدیدة آنها بسیار مؤثر است
دوغن مایه ها و خمیرها و آله — ندای بزرگ که بنا بر مریض خطره استعمال
مالتی در شرخ تمام — در معالجه اطفال بسیار نافع اند بجهت آنکه آنها را
فیزیکی (طبیعی) و مکانیکی (محرکی) دارند که در آن خون را جاکر و تخلیه
یک و حرارت غریزیه را در بدن آنها زایل میکنند

مالیدن دوا بدین آنها بکلی بی فائده یا قریب به بی فائده است بجهت آنکه بدن
جذب نمیشود مگر از دهان و بقیه که از این قاعده مستثنا چند چیز در اکثر
احوال از آنکه از دهان استعمال شوند مؤثر تر اند و بهر جذب میشوند
اطفال خیلی صغیر که نمیتوانند غریزه کنند با بدنه وقت ادویه مغویه در امر
دهان و حلق برای آنها تجویز میشود بطریق مضاعف و مایه با پنبه تدفین
و بطور غبار یا الک مخصوص یا شیدن (بولور یا سو) تجویز نمود

افزایش کوبه

در هر ملک از فرنگ و از آن دوا برسم خودشان بعضی معین کرده اند از همه
مشهور تر طریقه فرانسها است که اغلب از معمول میدارند و کثیری هم

از آنها

Douces frictions remplies
par froids frictions

مسهلان اطفال

از آنها را که در این طریقه اند که واحد از کرم میگیرند که مساوی است با یک صد یک کرم (خون کرم) مکعب ب مظهرند که تقریباً پنج نخود است اگر یک از کرم است از دو ضاعیف عشاریه مثل کرم و صد کرم و هزار کرم معین میکنند و اگر کمتر است کور عشاریه مثل یک کرم و صد یک کرم و هزار یک کرم میگویند اگر چه بعضی از وزن و خیلی سهل است لی غلبه مالی آنها را میمانند و کرمین آنها برای آنها اشکال دارند چه رسد بدانکه با بدن آنها کثرت بخورند از این جهت هر را بخورند بکنند و نخورند و مثقال که معمول علیه و اساور عطارهای این نام است کرم که برای آنها سهل و بفهم نزدیک تر باشد

Des purgatifs. اوز در مسهلان اطفال

Purgatifs huileux. (۱) مسهلان روغنی

بکثرت روغن را در مسهلان برای اطفال از یک چهار مثقال و اطفال که بالاتر از یک سالند مسهل خفیف است

روغن کرچک باید در اطفال صغار با احتیاط استعمال شود چه ممکن است بیشتر از آن عمل کند و مضر شود و در اطفال قبل از شش ماهه نیم مثقال و در بیشتر از شش ماه تا دو سال و نیم یک مثقال از دوالی چهار سالگی از یک الی یک مثقال و نیم از چهار الی شش سالگی و مثقال از هشت الی دوازده سالگی و مثقال و نیم الی سه مثقال بخورند و روغن کرچک را باید داخل شکر کرم یا داخل آب گوسفند یا جوی یا قهوه تلخ یا آب نارنج یا شیر بادام یا زرد تخم مرغ و غیره فاکون بخوراند

مسهل روغن کرچک

روغن کرچک روغن بادام شیرین شربت کل ثقیل و از هر یک یک مثقال الی چهار مثقال بر حسب سن طفل میدهند

شکر در بکر

زرد

مسهلان روغن

زرد تخم مرغ قند روغن کرچک مطبوخ قهوه بر حسب سن ۱۰۹ بدهند که بمقدار شربت های مذکور روغن کرچک داشته باشد

Emulsion à l'huile de ricin. **مسهل عالی از روغن کرچک**
روغن کرچک صمغ عربی عرق نعناع مقلد اب قمارق شربت شکر
۲۳ ۲۰ ۱۰۰ ۲۵ ۲۳

اول صمغ را با مثل خواتین شکر القاب شود و بعد که روغن کرچک را داخل کند و ما بقایا هم بتدریج اضافه کنند و بر حسب یک نادر و شربت بدهند

مسهل روغن کرچک

روغن کرچک داخل نصف زرد تخم کرده درها و ن چینه بپایند تا خوب بترج شوند پس نان عرق عصار نارنج شربت شکر آب قند کفایت اضافه نمایند بر حسب سن از شش مثقال و بیشتر بدهند

Lavement de l'huile de ricin. **حقنه روغن کرچک**

در حقنه اطفال بر حسب سن از شش مثقال داخل بدست تا چهل مثقال لغاب خطی کرده حقنه نمایند یا اینکه از داخل یک قاشق شورشی عمل مصفی یا تا عمل کرده بپزند

Purgatifs sucrés. (۲) **مسهل شکر**

La manne. ترنجبین و شربت — از جمله مسهلها منوی زمان دوم طفولیتند که آنها را داخل شیر کرم میکنند طفل بمیل بخورد برای سه الی ده ساله و قاشق مثقال و در جوانان شش تا دوازده مثقال است

شکر

ترنجبین اب مطبوخ انبوس داخل کرده بطفل کوچک بتدریج بدهند

مسهل شکر بکر

شربت

سهل علی صمغی

شهرخشت دره الی بیت شغال شربل نموده بکمرته بدهند
 ترنجبین شربل کل نریخ اگر کوچک است در دود فقه و اگر بزرگست بکد فقه
 باید درج بدهند

فقد شربل مغز فلوس هم بوزن ادویه سابق الذکر است
 برای فلوس با فلوس بچتر (کدکن)

مغز فلوس شربل بنفشه شکر سفید عطر بخار نارنج بر حسب وزن
 عمل بجهت شربل صلاها معلولت بان الی زفاشوق آشور انرا نیز در فقه و داخل

3 Purgatifs résineux. (م) سهل علی صمغی
 صمغ سفونیا از ادویه بسیار مفیده آنها است اما چون بدطعم است باید انرا داخل
 مثل لوق یا شربل یا شکلا نماید از اینکه انرا داخل دای ها کنند جناب کنند
 که انرا منجمد کنند و عمل صمغی از ان سلب میشود مقدار شربت ان از هجده ماه الی
 دو ساله نیم نخوراند و الی چهار ساله از نیم نخوراند الی سه کند از چهار الی هفت ساله
 بان نخوراند و هفت الی ده ساله پنج کند از ده الی پانزده ساله پنج الی شش کند کم
 عمل مسخوف و رسته سفونیا کمتر از صمغ آنست باید ضعف صمغ ان استعمال شود
 مقدار شربت صمغ و دوشه جلب مقدور صمغ و دوشه سفونیا است
 صمغ انرا در فم خلی قوی و مطئن و در مسخوف و رسته آنها است همیشه باید نصف مقدار
 مسخوف و رسته آنها داد شود

شربل سهل

صمغ سفونیا شکر سفید آنها را بجم مخلوط نموده و از ده شغال شربل خالص نیم
 شغال آب کبابی داخل کند بطفل مثل ان و از ده ساله بکمرته بدهند

لناج

سهل اطفال

لعابی سهل

صمغ جلب داد در نصف زده تخم بزنند و دوازده شغال آب سه شغال
 شکر سفید و یک شغال بخار نارنج بان داخل کنند و بکمرته بدهند

سهل عرف المانرا اندون جلب کب

جلب نرید مجوف سفونیا الكل در جبهه هر دوا الكل بخشانند
 دوا الحیج شغال انرا بخوانا

بدهند و بطفل بکشتال و بیشتر بخوراند در اطفال صغار استمان الحیا داد

سفوف سهل

مسخوف جلب مسخوف رهند مسخوف نارچنه هم مخلوط نموده داخل شربل بدهند
 بکد فقه بطفل بخوراند

ملین از قیلیلین

قیلیلین شربت خطی کباب در بوسه طفل خلی کوچک و بزرگ الی و شغال سه
 بدهند

شربت ریکر

مسخوف جلب قیلیلین مناسب بکدا اطفال است داخل شربت بدهند
 نیم کند

سهل می هم از سهل معولی اطفال است چون طعم شمع و ناگوار و بوی گز
 دارد و هم موجب قوی میشود انرا با الكل اصلاح کرده بدهند

سهل سنا

برک سنا الكل سنا را در الكل در روز بخشانند انوقت بجزیره چند
 نموده از علك با پارچه مثل ان بکزدانند و خشک کرده بکوبند مقدار شربت
 ان بیت نخورند تا چهل نخوراند که داخل قهوه تلخ یا شربل قهوه کرده بخورند

و مقدار

مهلکامنی

۱۱۲

و مقدار خفتر آن چهل نخود باشد بخود است
مخرج کرم سنا

Potion vermifuge

سنا یکی قهوه بوداده آب جوش شکر درآورد و ساعت
بدر گذاشته و در صبح ناشتا یک دفعه میل نمایند

مهل سنا با قهوه

Medicine purgative au café

سنا اصلاح شده با الکل سولفات و منبری (نمک غریزی)
قهوه بوداده کوبیده هر سه را چند دقیقه در ۲۴ مثقال آب بجوشانند
وصاف کنند و مثقال شربت شکریان افزوده و در طفل به الی بازده ساله بگذارد

خفتر مهمل

Lavement purgatif

برک سنا سولفات سود آب جوش سنا و در آب جوش حل کرده صاف
کنند سولفات و سود را اضافه نموده و در طفل پنج شش ساله خفتر نمایند
و بوند — برای قوه هاضمه مفید تر است بیشتر استعمال میشود تا بشتون
مهمل مقدار سهلی آن در اطفال از یک نخود تا پنج نخود است

سخت مهمل

و بوند در بشتون اب مکرر صاف کنند شربت کاسه سنا و بان اضافه کرد
بکریه بدهند شربت کاسه سنا و بوند مرکب با بقا در اطفال کوچک خلی معول بود
صفت شربت کاسه سنا

Sirap de chicorée composé

و بوند چینی رشته خشک کاسه برک خشک کاسه شامتر خشک کاسه
شحم خنظل ۴۰۰ دارچین ۴۰۰ صندل ۴۰۰ شکر سفید اب بعد از کفایت
بطریق معول شربت بزنند و قاشق شوریان پنج نخود و بوند دارد

(۴) مهملات ملخی

Purgatifs salins

استعمالات منبری

۱۱۳

Medecine de magnésie

منبری کالسنه — از ادویه بسیار مفیده اطفال و خاصه زافع تر
معدله است از زمان تولد تا دو سالگی پنج نخود از دو الی چهار سالگی ده نخود
از چهار الی هفت سالگی با نزه نخود از هفت الی ده سالگی بیست نخود از
ده الی نوزده سالگی سه نخود و در جوانان چهل نخود مخلوط شربت اب قند
با داخل شربت مناسبتی کرده بدهند

کرنیات و منبری — با منبری انکلیس محل استعمال و قدر شربت آن مثل
منبری کالسنه است قهوه که انجا را برای دفع ترشی غذا میدهند از نیم نخود
تا پنج نخود کفایت میکند

ملین منبری

منبری کالسنه (مکلی) شکر سفید اب بخار نارنج فیکرنا
۱۰ ۲۸ ۲۴

داخل اب کرده و در ظرف نقره یا قش ملاهم بجوشانند و با قاشق نقره متصل هم
بزنند از آنش بر داشته شکر داخل و بعد بخار نارنج را اضافه کرده مخلوط
نموده از صافی نازکی بگذرانند و بر حسب تن مقدار شربت از قاشق بدهند
که بقدر بیک مقدار شربت منبری را معین کرده باشند باشد

سفوف منبری

منبری مکلی و بوند کوبیده مخلوط نموده با نخود و بر حسب تن
شکلای منبری

Chocolat à la magnésie

منبری کالسنه شکلا مخلوط نموده از اینها قشر قاشق مثقالی ساخته مرکب
۱۵ نخود منبری دارد

لیموناد ملین

Simonade purgative

جود لیمو کرنیات و منبری شربت اب لیموی متعارفی اب و قند که بخواهند
۱۰ ۲۸ ۲۴

لیموناد

مقبی اطفال

۱۱۳

له وناز کار دار سازنده بخورد منجر را بر میدارند و بعضی از ده بخوردی کشا
دو سوزان وقت که میخواهند بطر برآید بندند داخل کنند بطفله و از ده ناپا نزنه
ساله بدینند

Calomei کامل — برای معالجه اطفال بسیار نافع و از آنجونی منحل میشوند
منحل و منخرج کره است مقدار شربت از آن بر حسب سن نیم نخودالی سه کدر
میدهند بعضی از داخل عمل با شکر نانان میکنند و بعضی حبای فرس میدهند
و در دو خانه غامض شند و باید از آن با مادی که مذکور میشوند و از آن
منحل بدارا شکر منشا بندایم استعمال نکنند و آنها را سبب نور و بی بد و در قلبا
و کلور و کافلای و آب گوشت غذای شور و تمام ترشها (سرکه و آب
له و ترشها پرورده مثل ترشی انبه و کبر و غیرها) و چیزها بی که ماده
بادام تلخی دارند (غار کبلا سی هسته الوبالو و شفا الو شربت با دام تلخ)
و بدو هم بدور فاندند بعضی گفته اند که اگر کسی در یک وقت بدرد و
بطاس از داخل بخورد و کامل بروی ملته بپاشد اسباب صمومت و
فساد چشم میشود

لشکر

کامل فندش دوازده بسته کنند روزی سه بار در اسهال صغیر و نوزاد

دومیه مقبی اطفال

2° Vomitifs

بجز مقبیها ایچا است که از او بهر مخصوصه با اطفال است

لشکر

ایچا قند کوبیده بندر بچ بدیندافی کند

لشکر

شرینایچای ساد بکشتال الی و شغال بندر بچ بدیندافی کند

لشکر

مقبی و محرکات قلب اطفال

۱۱۵

لشکر

ایچای کوبیده شربت بنفشه لعون سفید مقبی بیجا کوازان
سه قسمت کنند هر یک را بقاصه ربع شاعنایک ناعنید منشا

مقبی

ایچای کوبیده انتیون سنجین عنصلی ابقطر در مرده دقغه
بکشتال بدیندافی بنا ورد

سهم معرفات

5° Diaphoretiques

کلریدرات و پیکارین ابقطر حل کر ربع یا نصف آید و یک پرا و از
۷ سیکر آمایم کند

مقبی

اشادامونیک ابقطر شربت شکر مخلوط نموده و مر و ساد و شفا از آن بد

بهار و محرکات قلب

4° Diuretiques et stimulants du cœur

لشکر

نور و صبر نور عنصل از هر یک ننور در پنهال روز شش الی دوازده قطر
در امراض قلب مرکب از آن بچ بدیند

لشکر

بولک در پنهال در شاتره شغال آب مرکره محلول استان بطاس اضاف نموده
۳ کد نایک نخودا انجیر ابلیز بر شربت قد داخل کرده در روز شفا ظاهر

و باطن هر ساعه بکشتال نادر و شغال بخوراند

زرق بر جلد

کافورین بزرگ شود ابقطر بکر ربع یا نصف آید و یک پرا و از در صغیر
شدن قلب تزدیق کنند

عرقه دیکو

مسکن و منوم اطفال

۱۱۵

مخلک د بکر

کافور شربت نعناع عرف بادینج و بیدار در ضعیف شدن قلب بخورند

لشکر د بکر

درد و بواسیر نفور و زیتال و بزرگ از مرطوب شربت عشب روزگ و مشغال در عظم قلب بدهند

مدربول

نهایت و بواسیر مطبوخ شبنم (مرغ) بندریج بدهند اذ دارین

ملک د بکر

مطبوخ بک عنب الدب نهایت و بواسیر از دانه حر که به بک بچ بدند

لشکر مسک بول

مرکب طفل با اختیار ادرار میکند و نمیتواند خود داری کند عصاره بلادن نعین بزرالنج شربت شکر آب بکر کفایت میکند

بنجر مسک و منوم و افیاج افما

5° Calmants
dolorifuges commifères

اول تمام ادرار افونته مکند کور میشود
دویم کلرال میدانه

ناشنالکی برای هفتاد و نهم ساله داخل است مشغال آب کرده درک شربت نعناع اضافه نموده و مرچار ساعته کشال بدند اثرش ظاهر شود

لشکر حنظل کلرال

کلرال آب مقطر در آب حل کرده حنظل نماید اگر خواب نهد مکرر کند کلرال آب مقطر عرف بخار نارنج مرد و ساعته کشال بدند اگر خواب نهد مکرر کند

مسکن بکر

مقوی معده اطفال

۱۱۷

مسکن د بکر

برمورد و بواسیر اب مقطر شربت بخار نارنج مرد و ساعته کشال بدند ناخواب

مسکن دندان

بور عسل لودانیم دندان که مشکل برون میباشد انکشت بدند

مشرب مسکن

سالمیلا و سود اب مقطر شربت شکر مسکن و جاع بمشرب ۱۰ تا ۱۵ تا بخورند ام ۲۲ ۴۳ اوجاع مفاصلات

مرد و ساعته اگر لازم شود ساعته دو مشغال بدهند

نمرنج مسکن اوجاع

نمرنج تکیل بوضع وجع میباشد

نمرنج مسکن د بکر

عصاره بلادن عصاره بزرالنج عصاره شوکران کلریم کلریم بکر ۱۰ تا ۱۵ تا بخورند ۲۲ ۴۳

مسکن د بکر

عصاره بلادن عصاره بزرالنج شوکران از مرطوب و از لبن بوضع وجع میباشد

مسکن د بکر

روغن دارچین کلریم لودانیم از مرطوب بوضع میباشد

سشمر مقویات معده

معده دند بر حسب شخص طیب آب بک و آب فک و فقه غذا از شش باشد دوسه مشغال بدهند مطبوخ انیسون و فقه غذا از شش نباشد بسیار نافع کلبو و پیپین هم برای هضم مفیدند

لشکر

6° Stimulants de l'estomac

مقوی و مخرج نفث اطفال

۱۱۸

لشکر

انبنون در یک پنهال اب پنج کرده با قدر قند بدهند

لشکر برای سق هضم

اب مطبوخ در بوند بیهوش کردن دهنی مخلوط نموده بدهند

هضم معبد القوی و مقوی و محرک
روغن ماهی شراب لاکا مخلوط نموده روزی سه نوبت ناشتا شوقا شوقا بدهند

لشکر دیگر

ارسینا سود بر حسب روزی در صد شغال بابک کنده در دند
شغال اب مقطر حل کرده قبل از هر غذا ابک شغال بدهند مقوی است

زرد زبر جلدی

عاقول نور اب مقطر سه چهار روز یک مرتبه بنیتاسی تقسیم از این دیکه برازان
نماید نمایند

مقوی دیگر

شریب در دود فر شریب پوست نارنج تلخ قبل از غذا و شام یک نوبت شوقا شوقا بدهند

لشکر دیگر

فسفر روغن ماهی مخلوط نموده روزی یک شغال بخورند

لشکر دیگر

لشونید اب کافور الکرا در نجوبه دار شریب پوست کنه کنه انور و شک
م ۴ م ۴ م ۱ م ۴ م ۱۰

مخلوط نموده هر ساعت یک شغال بدهند

هشتم مخرج نفث

آب مرین شریب قند در هر ساعت یک شغال و طفل یک ساله بدهند و
مهرکینال

8° Expectorant

مصلح اغشیه مخاطی آنها

۱۱۹

هر یک سال که از عمر طفل میزد نصف این مقدار را بر او بنفشانند

لشکر دیگر

کر مر مکتفی بر حسب سن طفل لغوی سفید مایه یک شغال بدهند

از این تا ۲ ماهه کنه ۱۰ م ۱۰

مصلح اغشیه مخاطی

(۱) ادویه رافع ذر و سطار یا (مصلح اغشاء مخاطی مکه و زرد)
مشریب فابض

سنگ حنم آب مقطر شریب شکر هر دو ساعت و شغال بدهند
۲۰ ۲۰

لشکر دیگر

سنگ حنم آب مقطر کلینین شریب شکر در دوسطار یا مر و عشا
اما کنه ۲۰۰ ۱۰ بخور ۴ دو شغال بخورند

لشکر دیگر

زاج سفید آب برونز پر فون شریب شکر شریب خشتاش در
۲۲ ۲۴ ۱۲

در دود مرین یک شغال یک شغال در دوالی سه روز بخورند

لشکر دیگر

اسید کلریدیک آب مقطر لوفانم پپین هر دو ساعت و شغال
۲۰ ۲۰ ۱۰ بخور ۴ م ۴ م ۱۰

لشکر دیگر

اسید کلریدیک در یک پنهال اب سرد در پنجه بعد از هر غذا بدهند
اما قطر

لشکر دیگر

سرینطرات

9° Modificateurs de muqueuses

Muqueuse gastro-intestinale.

از این تا ۲ ماهه کنه ۱۰ م ۱۰

سویطرات و بیهموت قند یک شربت است که بنده کنند و هر دو ساعت
از هر خنای نام ناکند یکی بخورند اگر فایده نکرند و از و شربت
از او بدهند

لنخترى وكر

تنور گنه که تنور پوند تنور کلبو افادی ایاپ نینو
م ۱ ۲ نخود ۱۰ نخود انخودیم

سه ناده قطره بر حبس تن قبل از مکر غذا و آب سرد با شراب پوش کنه کنه
و پنجه در زلق الامعاء مدهند

حَفَنَتْ فَا بَضُ

اسید نیک (جوہر ترش مزہ) اب مقطر دو تاسہ مرتبہ حقنہ نمایند
در دوشنظار و اسهال و بانی استعمال میشود

حَفْظِ رَجَبِ

تغییر پد اب مقطر بدرد و بواسیر بکفنه است و یک چهارم از آن حقنه
۲۲ ۲۳ ۵ خود

حضرت دیندار

سنگ حقیق اژدو کند و تا بک بخورد و نیم بر حبس در بپاش مثقال آب
حل کرده بک خفنه است و زی سه مرتبه از آن خفنه کنند

حفتی رک

پرکار و در ضرر کلینیک خالص اب
عقلم نامم ۲۲۰ حقه نما بند

حضرت دُرّیگر

عصاره ذائقه آبی که خفته است ز زرقالدر درده معلول دارند
 (۲)

ادویه دفع عفونت

۱۲۲

کرچن میل کند

ایضا برای اخراج الفج

عصاره پوست نار ابله و عرق نعناع عرق زبرنون از مرین داخل کرچ
قاشق نیم شوق بخورند تا گرم ها خارج شوند

ایضا مخرج حب الفرج

کوسو قند یک شربت است چهار تا شربت از آن بخورند

لشکر برای کشتن کرمک

C. Oxyures

کلیل وازلین بدور مقعد بمالند

بازن برای دفع عفونت

11° Antiseptiques
disinfectants

لشکر

نعنائین خالص صمغ عربی کوبیده آب مقطر شربت قند مخلوط

۵ نخود ۱۰ ۲۰ ۴۰ کرده هر

دو ساعت سه مرتفال بخورند ضد عفونی دوده است

لشکر دیگر

نذخره شکر سفید یک بسته کنند و دو ساعت یک بسته بدهند تا که

بسته ضد عفونی امراض دوده است

لشکر دیگر

اسید فنیک در چهار مثقال لعاب خندان و پنجه آب برنج اضافه نموده هر

دو ساعت یک مثقال بخورند ضد عفونی اسهال است

لشکر دیگر

کلیل شکر پنج بسته کنند ساعت بساعت بدهند ضد عفونی است

لشکر دیگر

اسهال

۱۲۳

ادویه دفع لشنج

۱۲۳

اسید لاکتیک آب مقطر شربت شکر بر حسب سن مرین تاد و ساعت
یک الی دو مثقال بدهند عفونی اسهال تا بشانی است

لشکر دیگر

نیزوان سود آب مقطر شربت قند هر دو ساعت دو مثقال از آن بخورند
ضد عفونی دوده است

لشکر دیگر

نقل قند کوبیده ده قمت کنند و دو ساعت نیم یک قمت از آن بخورند
ضد عفونی اسهالات

لشکر دیگر

کراژت صمغ قطران کنیاک آب در یک شبانه روز هر ساعت
یک مثقال در اسهال و بانی بدهند

لشکر برای التیام زخم

اسید فنیک کلیرین مرکب با اسید فنیک کلیرین

ایضا

کلرال میخانه کلیرین مرکب با کلرال از مرین کلیرین خالص در دقت برنج

لشکر

نوشه شرب جلاب لعاب و دو مثقال در اسهال بنر طفل بدهند

12° Antispasmodiques
calmants

Dolorifuges som-
nifères

ادویه دفع لشنج

اغلب برای دفع کرمک و اطفال مضطربند

لشکر

کلریدان و مرین آب مقطر شربت خطی دو الی چهار شربت در سه مثقال

لشکر دیگر

شفت

صد الشنبه

۱۲۴

شربط طر عرق زبرنون تنور مشك تنور دارچنه از هر يك
مرد و ساعه و مثقال ازان بخورند

لنخدر بکر

تنور بزرگ البنج تنور بلادن از هر يك دو قطره قطره پنج قطره
عصار بخوراند

لنخدر بکر

برمورد امونوم داخل بمقطر عرق بنار نارنج کرده در بین فویه کوفه شود
(لنخی) اطفال بدهند

لنخدر حقه

دبته سنبه الطیب هم کوبند و صد مثقال اب جوشانند در امراض عصبیه
چهار دقه حقه نمایند

حقه بکر

تنور مشك را در دهن زرده تخم بزنند چهل مثقال اب خیار داخل کرده
حقه کنند و بعد بیکه لازم است مکرر کنند

حقه بکر

مشك کلرل دو نصف زرده تخم بزنند بیهشت مثقال اب داخل کرده
بعد از حقه منهل در کوفه لبون حقه نمایند

لنخدر بکر

تنور بلادن اب مقطر روغن ابالی چهار مثقال در کوفه لبون طفل شیر
خوار بخوراند

لنخدر بکر

اینتین اب مقطر الکلی نماید از اب بکالی چهار مثقال و بطفل
خوراند

نصف

ترکیبات شربط

۱۲۵

نصف مبلبرام بخوراند

برمورد بطاس اب بر سر بن عرق بنار نارنج در کوفه لبون بخوراند
نیم روز بخوراند

برمورد بطاسوم کلرل هیدراته اب مقطر روغن و الی مثقال دوز
شبه و کوفه لبون بخوراند

13° Preparations opiacées

طریقه عصاره و تصفیه کردن شربط
افون مزاج جزا بمقطر سرد دوازده هزار جزء

Extrait d'opium
extrait the baigue

تمام تریاك را ورقه ورقه نازك کنند و درون ثلث اب مقطر یعنی هشت هزار
جزء ازان را بر کوان بریزند کاه کاهی تراجم بزنند بعد از بیست و چهار
ساعت تراچن کنند و بفشارند و از غلک با پارچه مثلان بکشانند
و باقیه ابر را داخل آن کنند و باز نازد و از ده ساعت بمیل را دوباره بکنند
انوقت ترا از کاغذ صاف کنند و در حمام ماریه تجزیه نموده بقوام آورند
دوباره ده قهنت اب سرد داخل آنچه مانده نموده بهم بزنند و بکشانند
نشین شود باز ترا از کاغذ صاف صاف کنند و در حمام ماریه بخیار ترا
بقوام آورند از صد قهنت تریاك چهل و نه قهنت عصاره باقیه بماند بیست
که قدر شربت آن نصف شربت تریاك است مقدار شربت آن در سال اول
قولد سه تا چهار هزار یک گرم در سال دوم پنج هزار یک گرم (نصف گرم)
از سه سال تا پنج سال مثقال دوازده هزار یک گرم از پنج تا هفت سال یک
کنده و نیم تا یک مثقال از هفت تا دوازده سال دو و نیم کنده است

Ceinture d'extrait
d'opium

لنخدر تنور عصاره افون

لوزان و قطره ها سیانکلیس

۱۲۶

عضاده افیون الکلی درجه عصاره زادر الکلی خنسانده تاحل شود و
صاف کنند از خارج ترنجبا استعمال میشود و بر دماغ و ماله بهد میشود
و هم ممکن است که با طفل سه چهار ساله از داخل استعمال شود سه قطره آن
خس کند عصاره دارد

لوزان و افیون

Laudanum
de sydenham.

تریاک و زعفران و مخک دارچین شرب افیون زاورده
۳۰۰ جزو ۱۰۰ جزو ۵ جزو ۵ جزو ۱۰۰ جزو
نازک کنند با سایر اجزاء در شرب خنسانند یا نرزه روز بماند و گاه کافی هم بن
و خیلی بقوت چنک کنند و صاف کنند بهت بخورد لوزان سه دانام را از آن
مخورد و نیم تریاک و یک نخود و ربع عصاره آنت بطفل یکساله یک قطره از آن
ناز و ساله دو قطره تا سه سالگی سه قطره از پنج الی هشت سالگی سه تا شش قطره
از مغلطه را هر یک یکدفعه دهند بلکه او را در بپشت متغال شربت خند داخل
کنند در مریه ساعت یک فاشق و نهوه نخورک بزرگ بدهند هینکه طفل شروع
به بیکی کرد با حذره او متع شد موقوف کنند هرگز یک قطره لوزان را بطفل
کتر از یکساله بکده ندهند که اسباب صمومیت میگردد

شربت خشناش سفید

عصاره خشناش سفید الکلی درجه آب مقطر شکر سفید مخلوط کرده
در آتش ملایم بجوشانند تا بقوام آید و دو متغال از این شربت دارای نیم نخود
عصاره است مقدار شربت آن برای طفل یکساله یک متغال دو ساله دو متغال
سه ساله سه متغال پنج ساله چهار متغال بچان هیم که در تریاک مذکور شد
میچ و قشاقصو بکریه ندهند که موجب صمومیت میشود

قطره ها سیانکلیس

Gouttes noires anglaises

ار و پرا فینون

۱۲۷

افیون جوهر سیرکه (کرپنا لزه) مشهور آب مقطر زعفران
۱۰۰ جزو ۵ جزو پرا فینون بپشت بخورد و ده نخود تریاک و پنج نخود
عصاره دارد از این تریاک با طفل ضما نبا بداد یک قطره آن مقابل چهار قطره
لوزانم سپند نام است

شربت شربت افیون

Sirope d'opium
عصاره تریاک آب مقطر شربت شکر چهار متغال آن چهار صد
یک کر آم عصاره تریاک دارد یک متغال از آن که (یک خس کند عصاره
افیون دارد) بطفل پنج ساله دو متغال از آن با بطفل ده ساله الی و ده
ساله بدهند از و را همیشه باید بمقدار منقسمه بخور کرد و با طفل
خیلی کوچک نداد

شربت شربت کارا

Sirope de Karabé
شربت افیون لوزان و کهریا مقدار شربت آن مثل شربت افیون است

شربت شربت کدین

Sirope de codeine
کدین کو بیله آب مقطر شکر سفید در طفل
۱۳ جزو ۷ جزو ۱ نخود

دو ساله یک متغال در هشت ساله سه متغال یک متغال آن
خس کند کدین را از آن است

شربت کلریدرین

Sirope de chlorhydrate
de morphine.
کلریدرین و مورفین آب مقطر شربت شکر چهار متغال آن
۱۰ نخود ۱۹ متغال آن خس

پودرد و ریحنگلس

۱۲۸

کنند مرفین دارد این شربت را باید بطفل کمتر از پنج ساله
ندارد با نرزه بخورد از این شربت معادل خمر کند عصاره ترناک
است بطفل پنج الی هفت ساله یک مثقال بدهند و در وازد و کما
دو مثقال همیشه هم بمقدار منقسمه بآید

Pilules de cyroglossae **حب نینگلس (لسان الکلب)**

عصاره ترناک مسحوق بزرالنج مسحوق پوست ریشه لسان
۱۰ جزء ۴۰

مسحوق مرمری زعفران چند مسحوق کند (لسان)
۱۲ جزء ۴

شربت عمل جبهای نیم نخودی کنند مرمری خمر کنند ترناک
دارد از آبش آنکه ترناک زیاد دارد برای مرهمین و شفتی
مناسب تر از اطفال کوچک است مگر آنکه با اطفال نصف
بار ربع حب بدهند

Poudre de Dover ou poudre d'ipéca. **سُفوف وُر پاستور پیکاباناک**
(کدکس) *ajiaci.*

مسحوق زنات دپلاس و سولفات و پلاس از مرمری هشت مثقال
مسحوق اپیکا و ترناک خشک کو بنده از مرمری دو مثقال
همه را نرم کو بنده مخلوط نمایند ده یک ترناک بآید یک
عصاره ترناک دارد اما پودرد و در سابق کدکس و مثل
ان ترناک و عصاره ترناک دارد یک نخوان را بمقدار

ادویه قاطع نوبه

۱۲۹

بمقدار منقسمه بطفل چهار ساله بدهند از ترکیبات بسیار
خوبست که تنها استعمال میشود با مخلوط بدوای دیگر
میکنند

جهاز نوبه ادویه قاطع نوبه

(14) Antithermiques,
febrifuges antipéri-
odiques

(۱) کنه کنه مشروب

در یکساله یک نادر و سالکی دو ناسه سالکی سه تا چهار سالکی
انام کند نیم نخود تا نخود ۳ تا ۴ تا ۵ تا ۶ تا ۷ تا ۸ تا ۹ تا ۱۰ تا
چهار تا هفت سالکی هفت تا ده سالکی ده تا پانزده سالکی
۱ تا ۲ تا ۳ تا ۴ تا ۵ تا ۶ تا ۷ تا ۸ تا ۹ تا ۱۰ تا

بر حسب موقع به بخورن طبیب بکمرینه بآید ریج بدهند

(۲) مالبین کنه کنه

کنه کنه وازلین مخلوط نموده بکف شها و در بطن اطفال خیلی کوچک که از نخود
۵ تا ۱۰ تا ۲ تا ۳ تا ۴ تا ۵ تا ۶ تا ۷ تا ۸ تا ۹ تا ۱۰ تا

(۳) نوبه قاطع کنه کنه

کنه کنه ترشی طریطر اب مقطر روغن یک با چندین مرتبه بر حسب
حالت مریض در نوبه های غشی نزدیک منخ جلدی کنند

(۴) حقنه کنه کنه

کنه کنه در هر سه ضعف مقدار شربت آن آب که ترش باشد لودانم در

ادویه زافع کوفت

۱۳۰

آب زرد که باور کرده حشمت نمایند و نکه دارند.

(۵) آنه پی بن

آنه پی بن بر حسب تن اب مقطر الكل مخلوط نموده در اکدم نام بخورنیم ۲۰ بقدر کفایت طفل شش ماهه را

هش ساله مر ساعت یک قاشق آشخوری بدهند

(۶) تنور در پیک

تنور در پیکال جلاب صغی مخلوط نموده هر دو ساعت یک قاشق بخورند ۳۰

(۷) بک با مسخو بر پیک

برک با مسخو برک در پیکال زهر یک حاضر است برک را در یک پیاله الطنج کرده بکافعه بکشد مسخو را داخل شربت کرده با قاشق بندریج بخورند

(۸) سال بسلا دسوی

سال بسلا دسوی زهر شرب الیلهو و دو چهار دنا شق قاشق بخورند ۳۰

(۹) محلول فولر

محلول فولر آب نوک چند مثقال بخورند مر یک مثقال بقطره محلول دارد ۳۰

(۱۰) کنه کنه مرکب کتانه

کنه کنه اسیدارینو کلرید سحر کنه و دو دالی چهار حب بخورند ۳۰

Antisyphilitiques دانه های ضد کوفت

کلل بافتد مخلوط نموده ده جبه کرده مر ساعت یک بته بدهند ۳۰

نم ریخ زنبغی

روغن خاکتری روزی و دسه مر سه بقدر بخورده کوفت در کوفت ۳۰

ادویه زافع پیک

۱۳۱

ادویه بز بر بغل و زهر زانو مالند

مشرب پیک

محلول و آنزین بر حسب تن داخل شرب کرده در کوفت مولو که بطبی الطهر بعد از دو سالی بکمر زد و چهار مرتبه بدهند از که شروع کرده بندریج زیاد کنند

مشرب پیک

محلول و آنزین شرب بقدر کفایت و کوفت رقی طفولیه در یک روز چهار مرتبه بخوراند ۳۰

اضا

بدر دبطا سوم تقنین بند شرب جنطیانا در کوفت طفولیه مرتبه سیم روزی سه قاشق آشخوری بخورند ۳۰

اضا

شریب زهر بر حسب تن دواب بقدر کفایت بخورند در یک روز در کوفت ۳۰

در جبه سیم سه مرتبه بدهند و مدتی بان مداومت نمایند

Coqueluche (۱۶)

شاقه های دانه های پیک

اغلب و پیک ضد تشنج برای سینه اطفال مفیدند

شاقه

بز مورد و بطاس شرب خشخاش شربا بیک مطبوخ بلیکا ۲۰

۲۰ ناه کنده ۱۲ فطر ۵ ناه فطر ۲۱ دیم

شاقه پیک

اسید سینه بیک شرب کوکار عرق بخار نارنج مطبوخ نموده بدهند ۳۰

۱۰ فطر ۱۲ فطر اقاشق آشخوری بدهند

غرغره و مضمضه

۱۳۲

نسخه برای آب شست و امراض تشنجی اطفال

برمورد بطاس تنو و امونیاکی سبیل الطیب ابخالص بکف می دهند

تا ۲۰ قطره
۲۲
Gargarisme et collutoire

هفت غرغره اطفال

کلرات بطاس تنوور پوست کنده شربت شکر ابخالص مخلوط
۱۵ تا ۲۰ قطره ۲۰ بقد کفایت

کرده غرغره کنند

غرغره دیگر

کلرات بطاس ماء الشبهر در او و امسانه و قهقه های کوچک
دهان و حلق غرغره کنند

مضمضه برفک اطفال

بورق کلپسین اب مقطر
۲۰ قطره ۲۰

نسخه برای شستن برفک اطفال

اب ملک اب مقطر روزی چهار پنج مرتبه دهان را با آن بشویند

هنگام بیداری

باید که در خانه بکند تا چندین طفل را و این دواها را که ممکن است
شب بخت لازم شود و دکت بدوا خانه نرسد در خانه داشته باشد
کلل لودانم روغن بادام شیرین روغن کرچک ابیکا منبری
کنده بر کلو در فشر شکر سبب مشمع خردل مشمع دبا حلیون
ارد بزرگ آرد برنج نشانه کل بنفشه کل کاو زبان بابونه بخدا

دواها بیکه باید در خانه باشد

۱۳۳

شربت خشخاش ترنجبین برک ناریج بنیه کرناس حوله نوار
ایپکا دوانست به غانله در استکان کام و نوله با و قهقه فی السعال نازند با
شروع به تب کفره اند ز با و نافع است که منقوح از ابر حبتن طفل
داخل شربت قند کرده بدهند تا فی بنا و در
کربان منبر — وقتی طفل می بکند و براز او سبب است یا بوسه عا
اوست بکفا شو چای خوری بزرگ از آن داخل شربت قند کرده از
صبح تا شام بیدار بچ بدهند

ایطر — هرگاه تشنجی عارض شود شیشه اطرا نیز بدهند طفل می بکند
بھوش می آید اگر ممکن باشد دو سه قطره از آن را در یک شربت قند ریخته
با و بخوراند

بر کلو در فشر — مسواک انا ب اخل ان کرده قبله بان الوده برای قطع
دغات به بنیه با اگر خون جراحه بسته نمیشود با آن بشویند
شکر سبب — بکشتال از او داخل بدن شربت شیر آب کرده دستمالی آن
تر کرده بموضعی که کوفته شده یا ضربه بان وارد آمده یا در دوا در میگذارد
با اگر ممکن است آن موضع را با بن اب فشر منبر

کلل — هم سبیل هم ملین هم محرر کرم و هم مصلح اسهال و زرد سبب
قد و شربت ان نسبت بدیج من از یک کند و ناسه کند است که در شربت
ساده یا شربت مناسیه ریخته بخوراند

لودانم — صافی تر پاک است که شربت اندکی عفران دارد و در افصال
مثل تر پاک است اما چون مایع است شربت هم اسباب نفوذ آن میشود
الاشتر است شربت و حقه چنانچه در دفعه افیونیه مذکور شد است و این
و هم بر کفو نما دوا می آید

قواعد کلیه که ملاحظه آنها لازم است

۱۳۴

مشموع خردل — از محلول قوی است باید بابت ترکیده بموضع وجع و غیره
وجع بچکانند و بر حسب نحو طبیب و اطفال از پنج نادره دقیقه و در
جوانان ناربع ساعت نکه دارند و بردارند اگر بیشتر بگذارد زخم میکند
و جراحت هم طول میکشد تا ملتئم شود

مشموع دبا خلیون — منافع آن معروف است که مرده بر جراحت بعضی
مترجمها بچکانند دهان جراحت را بهم میاورد و دوا را زود منحل میکند

فصل در بیماری

در قواعد کلیه که ملاحظه آنها برای علاج اطفال لازم است

در استعمال از خالت طفل که سالوست یا مرضی است طفل طبیب یا هر کس را که
میخواهد تفتیش از خالت او کند می بیند بیشتر کرم و غیره را می بیند خالت
طبیعی او بر هم می خورد و بعضی نفس او سریع میگردد و کرم می شود پس باید تدبیری
کرد که بان بتوان خالت او را با ساقی منهد پس بعضی امتحانات که اطباء برای
تشخیص مرض اطفال میکنند مثل شمع (کوش خادان) و قرح موضع و
استعمال از خالت باطنه مثل اودام و غیره را در اینجا منضم می شود
مطالعه زیاد میکنیم که مادر و پرستار و دایه که ملاحظه کنند بفرمهند که طفل
مرضی شد زود تر طبیب اطلاع بدهند که امر علاج بنا بر این باشد

بعضی خالت را نشک و وقتی که طفل در خواب است بیشتر می بیند مثل کرفتن
بعضی شمریدن نفس وضع تمام بدن و هیئت اعضا و خالت جلا می کند اگر
بدن بجا است چسبی نیست متصل حرکت میکند و طفل وضع خود را تغییر میدهد
و لبها کبود یا پررنگ صورتی که رنگ با کفره و خفه باز باد سرخ و حرارت آن
بیشتر از حرارت بدن و خشک تر از خالت طبیعی است بجای اینکه خندان باشد
مثلاً باشد و ناله های خرن کند برها بیند او محلول چشمها که همیشه دینه بود

ناز

استعمال از خالت طفل که مرضی باشد

۱۳۵

بازمانده یا اینکه هیچ باز نکند یا فقط از آن خیره حدقه کشان یا ننگ تر از خالت
طبیعی یا حول کشته باد در در چشم او دانه کبودی ظاهر شد خالت خوار
تغییر کرد از آنچه بود بیشتر یا کمتر شد نبض نفس قوی و حرکات انقباضی
شد مثلاً قرع غش نبض که صد و بیست بود صد و سی پنج و بعد چهل شد
دفعات نفس او هم زیاد شد معلوم میشود که خالت مرضی ظاهر شد

بعضی خالت دیگر است که در سینه و سینه و سینه معلوم میشود اگر بجای اینکه
متبسم و خوش خلق و خندان باشد غصه ناک و بد خلق و صورتی و تحریکات

بنا بر این کشته و خشک صدای بیهوشی و بلند جلی باشد یا غنه یا کفره
یا ضعیف شدن باشد یا وضع مفاصل او تغییر کرد سرخ یا متخلع کشته بر کرم
یا کوچکتر از خالت طبیعی شد باشد یا خالت بر او تفاوت کرده از روزی
دو سه مرتبه بیشتر یا کمتر شد دقیق تر یا غلیظ تر یا ننگ آن که زرد بود
سبز یا برنگ دیگر شد باشد یا زبان او خشک و سرخ و حرارت آن زیاد
باده سفید کلغنه در روی آن ظاهر یا نرم یا سفید باز در شده یا در سینه
بطرف سینه بر و خالت ابرو او تغییر کرده آنچه در سینه است میخواهد
بردارد یا ناله ها را بطرف شکم جمع کرده قاف او خطر از او دارد و ناله ها را زود
انگشتها را بدین صبر و علامت این است که از کلو شکایت او با پیش از آنکه
شکم او عمل کند کرم می بیند یا صد اگر کرم او تغییر کرده خشک شد نفس مضطرب
و منقطع در وسط است معلوم میشود مرضی غرض او کشته است پس باید بر
مزید بصیر خوانندگان این علامات بتفصیل بیان کنیم

اول نبض نوزاد — اگر مادر و دایه متبسم باشد و قدری نامل کند
میتواند خالت نبض طفل را بداند که نبض را بشمارد و برای این مقصود ساعتی
که تائید باشد لازم است که تمام یکدقیقه یا نصف یا ربع دقیقه را بشمارد

اگر

Regles générales
pour le traite-
ment.

استعلام از حال نبض نو زاده

۱۳۶

اگر ربع دقیقه سی فرسخه شده معلوم میشود در دقیقه صد و بیست فرسخه میزنند
 یا اگر نصف دقیقه شصت فرسخه میزنند باز معلوم میشود در دقیقه یکصد و
 بیست است همینکه با بنعل موخنه شده غارن کرد میشود همیشه مواظب باشد
 اگر تغییر پیدا کند فلفله باشد بطبیعت عرضه نماید بکلیه نبض در زمان تولد
 کمال سرعت دارد و بند درج از سرعت آن که میشود در حال صحت نبض
 نوزاد از زمان تولد تا دو ماه میماند یکصد و پنجاه و یکصد و ده فرسخه میزنند
 حد وسط آن در دقیقه صد و چهل فرسخه گرفته اند در ماه ششم یکصد و بیست
 هشت در ماه دوازده یکصد و بیست و در آخر سال دویسم یکصد و ده میزنند
 اگر طفل کریمه شده کند با هنجاق غارضا و کرد نبض او سر به سر میشود
 و در بین خواب نبض او اندکی بطئی میشود کاهی نبض تنها احسان میشود
 باید از رنگ یا یا صدغین استعلام از حال نبض نمود در هفت سالگی نبض
 دخترها سریع و منواتر از نبض پسرها میشود اگر نبض که سریع بود خیلی
 بطئی شود مندر بر یکی از امراض دماغیه است

از این جدول مولعاده قرعانه در مریض معلوم میشود

جدول نبض مؤن

در چهل و نهم	از ۱۳۰ الی ۱۴۰
در یک سالگی	از ۱۱۵ الی ۱۳۰
در دو سالگی	از ۱۰۰ الی ۱۱۵
در سه سالگی	از ۹۰ الی ۱۰۰
در هفت سالگی	از ۸۵ الی ۹۰
در چهارده سالگی	از ۸۰ الی ۸۵

از این

از این جدول استعلام از نبض اطفال در سن مختلفه از این میشود

۱۳۷

سن	منه در سن	منه در سن	منه در سن	اطباء مجربین
در چهل و نهم	۹۴	۷۲	۸۲	در پیر
چهارده و نیم بعد از ولادت	۲۰۸	۱۴۰	۱۵۰	در پیر
روز اول	۱۵۶	۹۶	۱۲۶	زاکیر
	۱۵۰	۱۰۰	۱۲۲	کودما
از ساعت چهارم تا ساعت بیستم	۱۱۲	۸۸	۱۰۱	کارز
از روز اول تا روز هشتم	۱۵۰	۹۶	۱۲۸	کودما
« «	۱۴۰	۷۶	۱۰۶	کارز
تا روز دهم	۱۸۰	۸۰	۱۰۰	بی نازد
تا روز پانزدهم	۱۲۴	۱۰۴	۱۱۲	کارز
از روز چهارم تا روز بیست و یکم	۱۰۴	۷۶	۸۷	والکن
از روز پانزدهم تا یکماه تمام	۱۶۴	۱۲۰	۱۳۷	نر سو
	۱۴۰	۱۲۰	۱۱۲	کارز
از یکماه تا دو ماه	۱۵۰	۹۰	۱۳۵	بی نازد
	۱۵۸	۹۶	۱۳۵	نر سو
از دو ماه تا سه ماه	۱۱۰	۷۰	۰	بی نازد
تا شش ماه	۱۶۲	۱۰۰	۱۲۸	نر سو
از شش ماه تا یکسالگی	۱۴۰	۱۵۶	۱۱۲	نر سو
از یکسال تا دو سالگی	۱۵۸	۱۰۰	۱۳۰	کودما
از دو سال تا سه سالگی	۱۴۰	۱۰۶	۱۲۲	والکن
از سه سال تا چهار سالگی	۱۴۰	۹۶	۱۷۰	نر سو
از چهار سال تا پنج سالگی	۱۱۰	۷۲	۹۸	زینب و نازد
از پنج سال تا شش سالگی	۱۰۲	۶۴	۸۲	زینب و نازد
از شش سال تا هفت سالگی	۸۰	۵۰	۷۰	زینب و نازد

در پیر

در تنفس نوزاد

۱۳۸

در تنفس نوزاد — در اول تولد در دقیقه از سی تا سی و پنج مرتبه تنفس می‌کند و هر چه سن او زیاد می‌شود عدد تنفس او کم می‌شود از یکساله تا سه سالگی عدد تنفس در دقیقه ۲۴ تا ۲۵ است و این تنفس اول حجاب اجزای است که در تنفس کشیدن پایین شکم موضع حجاب خارج حرکت می‌کند بعد از چنگ که تنفس داخل بوی می‌شود سینه حرکت می‌کند و نوبت تنفس رئوی است

از اینجمله اول عدد تنفس اطفال معلوم شود

خواب بیدار

از دو الی شش سالگی در هر دقیقه ۱۸ ۲۴

از شش الی دوازده سالگی ۱۸ ۲۳

از دوازده الی پانزده سالگی ۱۸ ۲۰

سپهر درجه حرارت بدن نوزاد — بیست و چهار ساعت بعد از تولد حرارت متوسط بدن نوزاد تقریباً سی و هشت درجه سانتیگراد است و بعد از بیست و هشت ساعت یعنی هفت و هفت و هشت درجه می‌رسد و قدری که می‌کند و باز کم می‌شود از سی و هفت درجه یا بین توپها بدو مگر اینکه کم یا با عارضه دیگر سبک شود اما اگر به پیشتر از ۳۷/۱ و بکتر از ۳۶/۵ برسد دلیل بر خلل مرض است بعضی در تشخیص تب درجه حرارت دماغ ترا از سرعت و عظم نبض می‌دانند و بان تشخیص مشکلاتی که می‌کند پس برادر و ذاب است که همیشه ملاحظه حرارت بدن را بکنند که عادت کنند اگر کم یا زیاد می‌شود بطیب عرضه دارند و لزوم و قشره در اطفال صغیر دیده نشده بجای آن کتو و کسبون غرض آنها می‌شود

چهارم مدفوعات نوزاد — تمام شیر که می‌خورد جز معدود نمیشود بعضی از راه امعاء و بعضی بطریق بول و عرق و غیره خارج می‌شود اگر آنها

مانند

مدفوعات نوزاد

۱۳۹

مانند زرد و صفائی که مذکور می‌باشد علامت صحت مزاج و خوبی خالند و هر یک از آنها را جدا جدا بیان می‌کنیم

(۱) **بزاق نوزاد** — اول مدفوع آن سبزه یا بلرخی چسبند و غلیظ و زیاد است که آنرا بهر به عقی و بفارسی می‌وزن مانند که بعد از خوردن او شیر که آنرا آغز می‌گویند دفع می‌شود اگر طفل را زانیه شیر می‌دهند این آغز را ندارد و با بد چنانچه در دستورات مذکور نمودیم ملینه استعمال کند تا آنکه از خارج شود و در سه روز طول می‌کشد که عقی بکلی خارج شود و وقتی حالت آغزی از شیر سبک شد رنگ بوزم تغییر کرده زرد طلایی می‌شود که کافی دانهای سفید در آن موجود است گاهی نیست مگر این نقاط سفید و می‌پیدا کنند و موقوف نشوند علامت انحراف مزاج طفل است که می‌در بر باز شیر منجمد شده دیده می‌شود که علامت هضم نشدن شیر و سنگینی است اما دامی که طفل شیر می‌خورد باید روزی سه الی چهار مرتبه اطلاق بشود و در آن که او را از شیر گرفتند روزی یک الی دو مرتبه می‌دهد و باید مدفوع نه خلیه صلبه سخت نه خیلی نرم و رقیق نه خیلی کوه نه زیاد باشد حد وسط آنرا مادر بداند که اگر کم و زیاد شود ملتهف باشد بطیب اظهار کند اگر بر او کبر شود دلیل هضم نشدن شیر و فساد آن در معده است که می‌در بر کره پیدا می‌شود از یک شیر است باید شیر را اصلاح کند

الغرض

(۲) **بول نوزاد** — وقتی شیر ماک می‌خورد بول آن چهار الی پنج متقال اما وقتی شیر او زیاد شد خوب تغذیه کرد که بول او زیاد شده مقدار آن به پنج سیر می‌رسد بول صحیح آنرا کافیه زرد و شفاف و بدون ذراته اما قدری که در خارج می‌ماند آنرا بهر خصوص پیدا می‌کند و وقتی مرض می‌شود هم در کفایت آن تغییر پیدا می‌شود ممکن است خیلی زیاد شود

عرف و قی نوزاد

اما اغلب که در سرخ و تیره رنگ و غلبه میشود از آنجا که این تغییر میکند
بوی مخصوصی دارد.

(۳) عرف نوزاد - در اول ولادت کمر عرف میکنند بشیر زباد سرخ
شد تا چهار پنج روز بهین قسم میباشد بعد سرخی رفع میشود و در آخر هفته
اول جلد نوزاد سرخ برنگ من میشود که عنقریب این رنگ هم زایل شده
و رنگ آن سرخ و سفید میشود که دیگر همیشه با آن خالت میباشد پس از آن چند
که گذشت بدین عرف میکنند اما گاهی هم عرف بواسطه زبادی پوشش و زبادی
لباس یا از بابت گرمی هواست که هم از شدت گرمی و غلبه عرف میکنند و چون
عرف زبادی موجب ضعف آنها میشود اگر از گرمی هوا و لباس لباس آنها را که
کرده آنها را بموضع خنکی بگردانند اگر سبک بگردانند در دفع آن سبک میکنند که
اطفال صغار که عرف میکنند هرگاه ملاحظه شود که زبادی عرف میکنند
بسیار داشته باشد برض سبب آن بگویند پس باید زبادی را به همیشه ملغوث
مدفوعات طفل باشند اگر کمتر از شربت که میخورد و مزاج و خالت طفل
خوبست معلوم میشود شربت را خوب مضمم میکنند و اسباب ملو و میشود و اگر
بعد شربت که میخورد نایبتر است معلوم میشود شربت را خوب مضمم نمیکند
و جذب بدن نمیشود و مندرجاً حالت مرضی است پس در این حالت بطیب طالع
مدهد و بهترین تدبیر برای داشتن این حالت این است که خیاره
مذکور نمودیم طفل را با آنرا و بکشند

(۴) قی نوزاد - علامت نوبه مضمم شربت وضعه عند طفل است
اول باید زبادی را که کندان در قی بشود و بعد از آن انداز معینی برآ
شربت را در آن قرار بدهد که خوب مضمم شود و در غذاهای طفل که شیر است
میکند بخورد منبر یا خوش شربت (بر کربان شود) اب افان بند

سرفه نوزاد

اگر سبب ضعف یک مزاج دایه و ماد داشت و دایه قوی بسیار ندا کر ممکن
نمیشود چنانچه مذکور نمودیم شرب الایغ و بز و سار و جوانات با و بخوراند
اما اگر قی شد بد شود و باین تدابیر رفع نشود بطیب جوع نمایند

(۵) اسهال نوزاد - اگر با وجود لبت قوی الغاده رنگ بران سرفه
باشیر بریده دفع نمیشود شیر را که کنند و بنما قسم که در قی مذکور داشتیم معول
دارند اما اگر مدفوع شیر بریده یا آب بطیب جوع نمایند

پنج سرفه نوزاد - در حالتی ضا است گرفته و تشنگی نیست طبیعی است
اما اگر گرفته و صد اخروسی از آن معکوع گردد دلیل مرضی و حنجره یا خفاق
بخصوص اگر طفل منصل است بطرف حلق و حنجره خود میرسد و نفس برنمیگردد
و خالت و کلبه کل است انوقت باید بطیب اظهار نماید

ششم سرفه که به و فریاد نوزاد - گرفته شد بعد علامت در دماغ و در مخرج
دفع سوزن و کینای بدن و امثال اینست باید تخصص کرد اول بیام بدن
او نظر کنند اگر سرخی ناز و در مخرج چه مشاهده کردند بعد از آن بگویند
اگر از نظر کردن چیزی معلوم نشد ششکم و گوش و سایر اعضا او بگردانند
و بفشادند اگر گرمی معلوم میشود علت آن موضع است اگر سبک تر
گرمی نایبتر است و همان را باز میکنند و حرکت میکنند مثل
اینکه پستان میخواست بکشد که هی انگشت را بدندان میبرد و میبکشد که هی
تعبیر صفا اگر به سبب تشنگی بعضی امراض میشود چنانچه در ذات الریه و در
شعب شریه صوت گرمی گرفته است که طیب بچون که صد آوای طفل را
میشود حکم میکنند که میل بذات الریه و در مخرج شش و در قی صفا اگر به
خس و ضعیف نفس اولیه است و در مخرج بعضی امراض و ما غنه ناله و آوا
فریاد طولانی که مدتی طول میکشد علامت در گوش است که به قبل از عمل

حالت بیلا و وضع نوزاد

۱۴۲

کردن شکم و باغض است علامت مرضی و امعاء است
هضم حالت نوزاد — اگر زبان سفید است بازه سفید دارد
دلیل بر سوء هضم و تحریک امعاء است اگر خشن و سرخ و کرم باشد علامت
دهان شدید است اگر قلاع در روی آن ظاهر شود علامت بدی شیر بدی
غذای آن است اگر پرده رنگ نوره است اثر فرود رفتن دندان در آن است دلیل
بر ضعف مزاج است اگر زرد است دلیل مرضی و یکد و معده است و مطبوعه غلظت
و سایر امراض خاد و غیره دارد که در ضمن آن امراض مذکور میشود
بیشتر حرکت شکم نوزاد — در امراض و ماغبه دیده شده که
طفل دستها را بطرف سر میبرد و میخواند و مو را بچسباند و دستها را در مقل
سرادر و با انگشت میغلطاند و دستها را این میکند در امراض بطن نافه را
روی شکم جمع میکند و صورتش اثر خستگی و اضطراب مریض میگردد در ضیق
النفس انگشتها را از بدنان برده بخصوص و قهقهه اغشبه کا ذبه راه خنجرها
گرفته باشند

حالت وضع بدن نوزاد — وقتی داشت بی حرکت همانند دلیل
بر غلظت نفوس است و نور کولی شدن حجب و ماغ به بلو میخواند باها را جمع
میکند و دستها را جمع میکند و بر روی سینه میکند
بیم حالت صورت و جبههها و خطوط آن — این تغییر را امراض
بیشتر ملاحظه میشود بخصوص در طرف بالای صورت که کامی از دها را
هم بالا کشیده میشوند پیشانی تنگ میشود چشمها بی حرکت و خیره اختلا
در یکجا ظاهر میشود در امراض قلبی و ریه قهقهه سطحی صورت تغییر میکند
بینی نازک و سوراخهای آن کشاده و پره های آن متحرک در اطراف دهان اثر
تغیض ظاهر در درجهها حلقه کبودی نمایان میشود در امراض بطن طرف

حالت چشم و خواب نوزاد

۱۴۳

پایین صورت تغییر کرده رنگ آن پرید و یا خنده چپ چپ میشود رنگ
لبها نیز و از لب دهان حالت غم و اخگر کی میشود و میگردد
فانزیم **بیم** حالت چشمها نوزاد — در امراض صعبه تغییر کلی میکند
مثلا حول از علل مات و در تب است که از عمل انعکاس با کوفت و بیرونارض
میشود و قوی کوفت و بیرونارض موقوف شدند ممکن است باز حول باقی
باشد اما اغلب فع میشود در ورم نور کولی حجب از علل مات و تب
تنگی حلقه کمر از اشاع است از مسه و سبب از ترناب و میل خون بدینا
عارض میشود در اشاع حلقه و قهقهه در هر دو چشم یک اندازه متع
شده باشد خطری ندارد مگر فهمی باشد که از نور متأثر نشده تنگ نشود
اما اگر در مرض خادی یک اندازه متع شده باشد از علل مات
در تب است هرگاه امعاء از تحریک و تمزیق کرها مثلا میشوند شکل
غیر منظم میشود

در **بیم** حالت خواب نوزاد — بیشتر است طفل نادرا و اول
شب و بجای تار یک بخوابانند که صبح زود بیدار شود که برای صبح نامحاذ
است برای دادن شیر او را از خواب بیدار نکنند مگر آنکه مدت زیاد
از وقت شیرش بگذرد اگر در خواب حالت بی حرکت نمیکند نفتر
او بخالت طبیعی است از خواب نمی جهد و صلا نمیکند و دندان را
بجم نمی ساید خواب طبیعی است علنی ندارد اما اگر خواب خیر و هر
ندیده میکند خوابش غیر معمول میشود سبب دارد باید سبب آن
که از یک یا چند ناخورد بکر یا خاری سوزنی بیدار و خسته باشد
او بزرگ شده یا درخت خواب و ترش است یا خارش و خراشی او را عارض
نابین است شد بیک عارض و شد است باید برقع اسباب کوشیدن اگر توانست

رفتارهای در پرستش با نوزاد

۱۴۴

رفع میکنند بطیبت جوع نمایند
سپری هم در نوزاد - معلوم کرده ام که در روز اول که طفل
 نازده متولد شد فریب بیست شغال زوزن او کم میشود و این نقص با واسطه
 مواد است که مادامیکه در رحم بود مثل بول و ما عود دفع نمیشد بعد
 از تولد دفع میشود و از روز سیم ناز و زهفتم و هشتم باز بوزن روز اول
 میرسد و از آن بعد چنانچه در جدول صفحه چهارم مذکور کرده ام روز
 او زیاد میشود

چهارم رفتار مادر با اطفال مرض - نباید مادرها
 اطفال را معالجه کنند اما معرفت طفل جزئی کسالتی پیدا کند نباید
 فی الفور طبیب را و زدن قدر با او مدارا کنند اگر دوسر روز بگذرد
 و بخوبی نوزاد از طبیب استعلاج نمایند اما اگر مادر طفل جوان باشد
 و در خانه از آن کامل نهایی بخیر کرده نباشد فی الفور بطیبت جوع
 کنند چه مادر جوان نمیتواند بفهمد که طفل مرضی است

پانزدهم پرستش طفل مرضی - تکلیف مادر و پرستارها مراقبت
 حالت طفل است بخصوص قیاسی که مرضی باشد اصل در این پرستش و ملا
 نظافت و پاکیزگی است که اطاق و کا هواره و جامه خواب لباس از
 پاک نکه دارند هوایی که استنشاق میکنند پاک و خالص باشد و از آنها
 هم بپنداره نباشد داخل خارج بشود اگر درها بسته است و از آنجا
 کنند و با عطر و عفتنه را طاق و نباشد اگر هوا گرم است بخیرها را
 نه بندند اگر سرد است ببندند و آتش کنند طفل را در موضعی را طاق
 که در در و بری هم باز است هوا جریان میکند (کودان در) نکند از
 بعضی این که جزئی کسالتی پیدا میکند شرب را قطع نکنند مگر اینکه مانعی

در امراض نوزاد

۱۴۵

داشته باشد اگر نازده او را از شرب گرفته و دوباره شرب دهد اگر مرض
 او شد نباشد و از این نوزادها ما اگر مرض خفیف نباشد با طبیب استعلاج
 هوا و برون بخارج را لازم بدانند که در شرب و از شراد کرمای مغرط حفظ
باب یک و دوم

در امراض اطفال در آن وقت فصل است

ما جمیع امراض را در این کتاب کو نمیکیم فقط امراضی را که مخصوص
 اطفالند برادر مینامیم نام مادر و ذابها از آن منفع شوند

فصل اول در امراض مزاجیه و غیره

اول در قواعد کلیه - اگر قبل از اینکه طفل مرض شود با کمال دقت
 مراعات قوانین حفظ صحتی او را نموده باشند مرض او زودتر علاج میشود
 بیش تر اطفال که در کوچکی تلف میشوند از این جهت است که آنها را در
 سن چنانکه باید معالجه نمیکند پس بهترین است ستور العملی برای مادرها
 جوانان اینان کنیم که از روزی که نوزاد متولد شد و مادرها باید برای اینکه طفل
 با خوردنشان بخواب و نند طفل را معناد بزرگ و شرب خشناس نمایند که چنانچه
 سابق مذکور شد برای طفل ضرر کلی دارد بعضی تدابیر را لا بق که آنها را
 معالجه زنانه میکنند که اغلب حالت طفل را بهم میریزند نکنند و نه از کسی
 دیگر قبول کنند باید وقته طفل مرض شد طبیب را و زدن هر چه بخور کرد
 عمل کنند و غیر این نکنند و ستان و خوبشان که میبایند لوزانه بعض
 معالجات بگو میکنند مادر هم مشوش و پریشان است از راه اضطراب
 که طفلش زودتر علاج شود قبول میکنند و هر چه گفتند میبندد و
 بهر اسباب هلاکت طفل میشود

وقته طفلی مرض شد باید فوراً او را با طاق خوش هوای داخل بست

incipales ma-
 adies des en-
 fants

regles generales
 de conduite.

در قواعد کلیه که در امراض بزرگ و کوچک

۱۴۵

ببینند که صد ابراز در خواهر هم باز نهای خود را نشود که بخوانند خبر
با آنها باز کند و آن طاق جمعیت نشود که هم هوای آنها نامناسب بد
میشود و هم طفل ناراحت نمیداند و هم گوش و بویهای آنها مشغول شده
اسباب طولانی شدن با جلب تب کشته با استیلا بخوابی با صدای کوفی و سگری
نکند از کسی داخل طاق مرض شود بدن استثناء همه را خارج کنند که اول
ضربان دهن در فایده و هم چنانچه ذکر شد اسباب بیدی هوای طاق و آن
مرض است باید زیاد جمد کنند که هوای طاق ملامت باشد طاق را زیاد
گرم نکنند و پردگها کلفت بدور درختها و بنا و بزند پوشش در او را زیاد
نکنند و رخت زیاد بپوشانند بیشتر غذا اسباب مرض طفل کشته موجب
میشود پس اگر چه زیاد ضعف هم باشند باید غذای آنها که وسعت ماکان
باشد بجهت آنکه غذای قوی ضعف مرض را بیشتر کرده تب شدیدی نماید
علاج آن مشکل تر میشود اغلب سبب تلف اطفال این است که مرض آنها از
اول خیلی خفیف بروز میکند بگویند مرض خود بخود دفع میشود و بپای
میاورند یا خوردشان بعضی دواهای خانواده میدهند که مضرت و حال
اینکه اغلب امراض اطفال بطور عارضی عارض میشود که بنظر بسیار خفیف
نماید و حال آنکه بسیار شدیده است طبیب بداند که باید از اول با کمال
جهد علاج آن گوشه بدرد و مواد در بنا بد طفل را از طبیب بپرسند بلکه
باید تحبیب کنند که وقت برای معالجه نزد طفل نباید مضطرب شود و کره
نکند که نبض و تغییر کند و تمام حالات بدیهه او برهم بخورد که دیگر طبیب
نواند از نبض سایر علامات مرض او را مشخص کند بلکه باید طفل را از امر
مطمئن کنند که طبیب علاج جواب بکند طبیب هم بکمرش به طرف طفل نرود
و برگ او نگاه نکند و چیزی نگوید یا کاری نکند که او را خوش نیاید چنانچه

کنند

در امراض خنازیر

۱۴۶

که خبر خواهر و دوست و است چنانچه طبیبی مرخصخانه اطفال در جیب خود پول
و شیرینی غیر میکند و بد طفل میدهد مشغول میشوند اوقات تفحص از حال
او میکنند
بسیار که است که حال طبیب بدرد و مادر موافقت میکند غالباً بجزو طبیب
درست عمل نمیکند با اطمینان کامل باورند و ندانند است که طبیب عاخر مینماید
چنانچه در امراض رشیه (کوفت سیل و خنازیر) که طبیب میداند بدرد
و مادر مبتلا با آنها بودند که از اول ندید بکار نبرد و زود علاج نکند
محکم میشوند و اسباب هلاکت طفل میشود و اگر او را واضح بگویند آنها را خوش
نماید بدین باب بدرد و مادر علاج طبیبی گذاشتند و او را مسئول بدانند
که هر ندید بکار نبرد که از اول بکند طفل که متولد شد و کان مرضی در او
هست اگر چه ساله و فریه و ظواهر صحت داشته باشد با بد طبیب بدرد و مادر
نماید تدابیری که برای امراض دنی با بد کرد بکنند و نگویند طفل ما ساله است
چرا برهنه میکند یا در آنجا نرود و باید زمان طولانی مشغول این تدابیر شوند و اطفال
شوند بجهت آنکه چنین نحی که در بد کاشته شده دوز و بیست و پنج از کند
نمیشود و تمام ملاحظات حفظ صحتی از بابت غذا و هوا و افتاب و با حست
انتخاب ملکوتی که مناسب باشد برای سکای طفل نماید چه اگر طولانی آنها اغلب
مقتد است میتواند بر ضد خنازیر و استعداد با بیلای سل و امراض صعبه که کوفت
سبب آنها میشود و امثال آنها مقاومت نمایند در حال باید بدرد و مادر بدرد
دستور العمل طبیب نمایند

در علاج و امراض خنازیری صراجه — برای طبیب پرستار
مرض هیچ چیز هم نواز علاج آنها نیست باید در کمال جهد از اول طفولیت
برض آنها بگویند بجهت آنکه با دشابع و بسیار سخت و صعب العلاج اند

مزاج

Constitution et
maladies scrofu-
leuses.

در خنازیر

۱۴۸

مراج خنازیری اطلاق میشود بحالت مزاجی که منصف مد و دلبسته مزاج
تمام اخلاط و سوء ترکیب تمام نسوج بدن علامات ظاهره که با آنها میتوان این
مراج را شناخت از این قرارند جلد بدن نازک و براق و شفاف کلی یا برید
دندک صورت منفتح لبها کلفت مخصوص لب بالا لبانی بدن بزرگ و نرم است
اغلب چشمشان گود و مو سرخرمائی کم رنگ میشود لیکن این دو علامت ثابت
و دائم نیستند و چندان اطمینانی ندارند در جلد سر صورت غالباً بادی خمریک
جوشهای جلدی ظاهر میشود چشم و گوش غالباً سرخ و همیشه مایعی از آنها
خارج است طفلان که دارای این مراجند اغلب مستعدا مرض بسیاری میشوند
که بواسطه ضعف مخصوص که دارند آنها را امراض خنازیری نامند که علامتها
(بزرگ شدن تور کولها) (درن) است که موجب رکنی صلابت عظم میشود
و بزرگ شدن غده کما عنق و اقلام رملها و تورم سفید مفاصل و فساد عظام
و ستریم و زرد زوده و زرد مریج و بر کولی و غیره باشد

مراج خنازیری گاهی در فی است اگر مادر خنازیر است نابینا به فریب صحیح
المزاجی برای او انتخاب کنند که شیر او را بخورد اما غالباً از بیگانه تدا بیر
حفظ صحیحی که در آنها طفل متولد و بزرگ میشود حاصل میگردد بخصوص
وقتی که غذا بهر غذا بیته ان نیز خورنی باشد و در خانه های متخانی سرد و رطوبتی
که هوا که داخل میشود و تا زین است جمعیت نادر دارد مسکن داشته باشد
همو که اسباب بزرگ حفظ صحت است در این مرض اثر کلی دارد میتوان خود
تنبهائی اسباب مع ان شود و مانع از عوارض که غالباً از این مرض عارض
میشود کرد

بالجمله پس از اینکه مراعات شرط حفظ صحیحی را چنانکه مذکور شد ملاک کرد
بعضی و اما هستند که در این مرض اثر کلی دارند و آنها بهر دود و غرق و غرق

و عصاره

در نرخی عظام طفلان

۱۴۹

و عصاره بزرگ کرد و امثال اینها که میتوان نتیجه بینی از آنها حاصل نمود
در این امراض هرگاه برای خانواده ممکن باشد چنانکه مذکور شد بجهت
ندابیر تغییر مملکت و تغییر هواست هرگاه این ممکن نمیشود طفل را در اتاق
و بهرند و بگردانند و بزرگ و بزرگ و علفهای معطر بگذارند و مجدداً کنند
و باید بدود و افتاب بزرگ نماید و او را زود بمکین بگذارند و مدتی
در هوای بد و در کف فاندکائی نکنند و از این شربت با و بدهند

شریبت پوست کنده کنده بزرگ

شریبت پوست کنده کنه بزرگ با طفال کمتر از دو سال زمین
۱۵ نخود ۱۵ نخود غذاها نصف آش آشخوری دهند
که نیم نخود بزرگ و بزرگ و در اطفال بالا تر از دو سال بقدی دهند
که یک نخود الی یک نخود و نیم نادر و نخود بزرگ داشته باشد

در غنچه بزرگ و غنچه بزرگ و غنچه بزرگ

بزرگ و بزرگ عصاره شوکران عصاره بلادن بزرگ و بزرگ
۲۰ نخود ۱۵ نخود ۱۵ نخود ۱۵ نخود

Rachitisme

سپتیم و در استیسم (دام الکاحه نرخی عظام) مرضی است
که بکلی متاثر با خنازیر است منصف میشود بمرحی و سوء شکل استخوانهای اطراف
و استخوانهای ستون فقرات ممکن است که مزاج را بکلی فاسد کند و بسیار گران
که بعد از سن بلوغ عارض شود پس از امراض مخصوصه بزمان طفولیت است
از اسباب حاصل میشود که میتوان آنها را دفع کرد و پیش بینی از حصول آنها نمود
و اگر بوقت معالجه شد اثر بدی از ان نماند و بکلی علاج نمیشود همیشه در
هنگام نشین اول تا نشین دوم بروز میکند اما گاهی در سال اول نماند

سپتیم

ستم است که ظاهر میشود تمام اسباب که اسباب ضعف مزاج میشود طفل را مستعد
 باز میکنند سوء تدابیر غذای غلبه های غیر موافقه سبب حصول آن میگردد
 بخصوص خوردن غذای جوانی در وقتیکه خیلی کوفت اند و هم طفل را بیکه
 نذازند و در غذای عمومی میدهد مستعد ابتلای این مرض میشوند
 اسبابی که برای بروز زخار برزق کرم و سکنای و رطوباتها مختصانه که در وقت
 باشند و امثال اینها نیز جالب این مرض اند بخصوص اگر در دوزخ هم طفل را بافتاب
 و اما کن و سبب نبرد

از نابت اینکه این مرض بطور تاق و خفا در بین بعضی اراضی دیگر ظاهر میشود
 با که در بتدریج عارض اطفال سالی که حفظ صحیح خوب میکنند میگردد
 ابتداء آن معلوم نمیشود پس وقتی مشخص میشود که زناد پیشرفته و مستحکم شده
 باید که آن مرض برای اینکه پیش بنگازد و بروز مرض کند با رفتار اطفال بطوری
 نماید که شرفی را که ذکر میکنم معمول دارند

در وقتیکه طفل خیلی کوفت است یا بدوزا (بطور افقی) یعنی در خواب
 و تدابیر غذای او را بر است و چه که زناد عارضه ای که او را مدت برو صندلی
 بزرگ بگذارند یا در کالک های کوفت گذارد و بگردانند و بداند بخت
 از است چنانکه ذکر شد و از بطور افقی بر روی کت بکشد یا بخواباند یا با
 که برای زرد کرم معمول دارند و در دوزخ و حوکها را بکلی از او بگذارند
 ولی بقتد باشد که خسته نشود که ضعف شود و بوضع او را مجبور نکنند که اعصاب
 بدنی او بهم بخورد و در دوزخ اطفال بخصوص مخصوص و از آنها که خوف این
 مرض باشد با تدابیر اعضا با هم بطور شاکر حرکت کند که این خیلی برای نفوذ
 آنها مفید است هیچ چیز برای او بدتر از این نیست که در دوزخ یک عضو را بکشد
 بداند چنانچه در کارخانه فادیم خانه ها که با یک عضو کار میکنند این مرض بسیار است

جعی برافند که اطفال که عارض میکنند همیشه در حرکت و بیگانه میمانند و خوب
 نمیکند بسیار مضرت است که اطفال را بیری یا نکه دارند و زیاد میشوند مخصوص
 و قهقهه آنها را در حرکت دهند که عضلات آنها را خسته کنند اینست که باید اطفال
 خیلی کوفت را در بین روز بخوابانند و آنها را بیکه قند کنند یا بیشتر است شرب
 بخوابانند بیکه طولانی از استاقوت این مرض است باید و دختران آنها قهقهه می
 که سر آنها بلند و از پای آنها نباشد که نصف فوقانی بدن برو نصف تحتانی فضا
 بیاورد باید در تشک و منکافی که سر را بر آن میگذارند و موی و ماسک یا
 بیک سرخس یا کپا هم معطر گذاشته باشند و هرگز سر را بر روی بالش نه گذارند
 علامات عمده که با آنها میتوان شروع و ابتدای این مرض را دانست از این قرار است
 طفل غنیمت و بد خلق خسته و کوفت است و از همه قسم ریاضت حرکت با دارد
 و چنین میماند که از وضع ابتداء و تشنگی ترسان است و همیشه میخواهد دراز
 بکشد میخواهد هیچ حرکت نکند و همیشه میخواهد باور دست بر زمین بگذارد
 کاهی تب عرق و افری میکند رنگ صورت پریدار و جلد زرد خاکی شده است یا ساق
 عمل هضم بهم خورده اسهال عارض بدن او شود و در بول او رسوباتی که با
 پیدا میشود اینها سه چهارم اقبل از اینست که دست پاها و زمر کند و سوسنکل
 در اطراف پا در سنون فقرات که علامت عمده این مرض اند ظاهر شود نه تنها
 عظام اطراف ستون فقرات کج و منحنی شده بلکه کاهی سوسنکل ردنی عارض
 عارض لیکن میشود که برای خرها زناد خطرناک است بجهت اینکه وقتی این
 میشوند را شدن آنها خیلی مشکل بلکه محال میشود که لابد میشوند عمل بیکه
 کنند باید بدرو و دوزخ علامت مرض ظاهر شد که چه این سوسنکلها هم ظاهر
 نشد باشند چه کنند و از ابتدا به تدابیر طبیعیه علاج کنند اگر این مرض را
 از ابتدا علاج کنند و دوزخ علاج میشود بجهت اینکه بدن اطفال را

دول
مضراول

از اطفال سالی که در
 اکثر بلاد و مناطق
 خالصه و نکلین و کوفت
 مانده و مبتلا به این
 بود و وضع حمل و مشکل
 و مشرب جلاکت کنند
 اما کوفت اند و کوفت
 کوفت طفل عارض
 بعد از بواسطه این
 استخوانها از سر کله
 راه بهشتی تن شده
 که عظام اطفال را
 شود یکی از اطفال خرد
 کرده کوفت و جلاکت
 از موضع دم مشکاف
 خفله یا بقرین مایه
 این عمل را در او زاید
 آورد مشهور شد بعد
 قهقهه این عمل افند
 هم در غریب مینوشت
 علی

در کوفت و ولودگی

۱۵۲

موانع علاج شده اند اما اگر از ابتداء علاج نکنند و بگذارند استخوانها
کج شود و بان کجی که دارد سخت و صلب شود و سوسکهای مختلفه در ظاهر بک
و در احشاء عمده ظاهر گردد که مانع از اعمال بدنه شوند و بک علاج پذیر
نیست بزودی هلاک میشوند ممکن است اگر از ابتدا پیش بنگ نکنند موجب
امراض مبتدوله کثیره و بک مثل بک شدن بیهان عصبها و مالتجولهای مزله
و تشنج و طیش قلب و ضیق النفس عصبها و سل و فلیج و غیره و از اینک بسیار
چنانکه مذکور شد که در پس برای پیش بنگ از آن باید اهتمام کاملی در حفظ صحت
آن کنند اولی و امر تعذیب آنها بجمد نمایند و بعد با مکن و سببه که افتاب باشد
ببرند و از بخار باطنی داشته باشند و سایر ملا حظات حفظ صحت را نمایند
اگر با ملا حظات حفظ صحتی باز مرض ظاهر شود باید مخصوصا در غریبها و کجا
بلد و ترکیبات امن و امثال آنها بدهند و قی معالوم شد که طفل مبتلا بک
است باید ز یاد احتیاط کنند که استخوانها او منحنی یا شکسته نشود بخصوص استخوان
سینه که دقت احتیاط مخصوص لازم دارد و معین است که در باضات حفظ
صحتی برای تکمیل علاج بجهتین نمایند

چهارم در کوفت و ولودگی اطفال — از مادر باید با از هر دو
بطفل منتقل میشود علامات از خالیا از روز هشتم تا بیست و نیم بعد از تولد
بروز میکند و قاری بسیار سریع دارد اول علامتی که مشغول است فاک احتیاط
خالیا جانی و ضربیه متولد شده بعد از دوسه ماه در امکانها بعضی اوقات بروز
میکند در اطراف موضع و آلات تناسل و در چپها کجله دانه های کوچک نموار
کشته بعد از آن خالهای کلوی در بدن ظاهر شده که می رود و تولد یا بان و
بعد از آن (پانفیکوس) فغاع در آنها بروز کرده و مل در غده تهموس و
تفرج کوش ظاهر میشود و ملها ی کوچک و بدن بیرون آمدن متغیر میشود

Syphilis congenital

در توبرکول

۱۵۳

گاهی مجاری نفس مسدود شده فحشه می بیند گاهی دانه های زکام و نزله بینی
و عفون بواسطه و در غشای مخاطی بینی ظاهر گشته و بینی مثل پنبه ها پیدا میکند
استخوانها ساقط یا منقطع شده و کلاغر میشوند شقاق جلد و خروج قبل از وقت
دندان بیرون آوردن شایع است و بی ثنوی یعنی دانه های بی ثنوی هم از علامت است
توبرکول و از بروز و در بچه های اندرون لب بینی مقعد مجروح شود و از بزرگ
من در سینه و کف پا و دست ظاهر جلد آنها بخصوص جلد سینه سرخ مایل به بنفشه
بصق و زرد زخم مخصوصا در دست پای آنها ظاهر شد کلبه ثوزان کوفت مذکور
و سینه نک و کما دانه های سرخ است که در ریه و خارش دارد و صد آنها در سینه
خشن و گاهی گرفته میشود ناخنها کوچک شده اغلب بیخوابی و تعب اندکاهی از
بزرگی بکده مبتلا بفران و استسقای فی و تخریب اطراف شده و اینها از گاهی
پوست سراج دارند عنبیه متورم و ولودین متفرج فساد عارض عظام و بعضی
میشود این علامات اغلب از روز چهارم تا ماه ششم بروز میکند گاهی تا آخر تابستان
در سال هفتم و با لا تر ظاهر میگردد که این علامات برای این بود که مادر
و دانه بزنند که طفل مبتلا بکوفت است و دانه های بزرگ دارند شیار و اگر کنند
و کلرات و پطاس یا و بخوراند و در دانه ها و از با آن بشویند و احتیاط کامل کنند
با آنها سرایت نکند و زود بطبیب جوع نمایند

پنجم در سنل (در دانه سلی) توبرکول

Tuberculeuse

در این مرض اولی اعصاب قوی با متورم بدن حساس مشاعر سریع النابض طفل
غیر صورت و سفید لطیف اندامش کلبه لاغر و باریک جلد نازک و براق
عروق نمایان چشمها درخشان جلد و سینه مرطوبند موها نرمه اطراف
استخوانها نازک و سرهای آنها کلفت و دست پا راست و باریک و خالهای
سرخ و زرد (تمش) در صورت ظاهر این اطفال زود تر از سایر اطفال

در سترگ

۱۵۴

راه میافشند و زود ترازد بکران و فلک برون میازند و من نیزند و زود مستعد
بامراض کبد و کلیه اند سینه آنها داز و مدود میشود و سبب اکثر امراض
سینه است

پس از چندی تو بر کولها در زنبه (سلیم) باد و حجب مانع (و در حجب کول)
باد و رما ساز بها (کاژ) ظاهر میشوند این مرض اغلب زنی است اما از بیک
حفظ صحت و بیک تعدیه و تمکن در اطافهای بخانی و طوبی امثال آنها نیز عا
میشود بعضی گفته اند تو بر کول سبب بخا و بر میشود و خنا و بر هم سبب بر کول میشود
و این خطا است آنها و در مرض مغا بر یکدیگر و هر یک مرض مستغلی اند تو بر کول
ممکن است آنها را من باشد در صورت حادث تب شکست میکند و خلی نود
لاغر میشوند ممکن است و چند هفته هلاک شوند (سل سواره) با اینکه
مرغین شود و موجبانی (فلک خون) گردد در وقت فشاران بطبی
شدن بدن زمر عطش زیاد جلد کرم و عمل معانی و سرهای کوچکی میکنند
و رجوع مبه و سرخ از زال حرارت بد مختلف تغییر پذیرگامی ناپذیر که
میشود که در شب از سی و هفت و جبهه هفت عشر میکند و در صبح تخفیف اود و این
از علل مان تا بنه مشخصه مرض است که ای بقدری تغییر میپذیرد که در شب بخند
در جبهه رسیده صبح بی و هفت سی شدن و جبهه و شش عشر میرسد و با مذار نما
بدن عرق میکند خشکی زیاد کف دستها و کف پاها نیز از علامات مشخصه این مرض
چنانکه در کاسه و خنا و بر من کور شد باید تمام شرایط حفظ صحت و پیشگیری
در اینجا مریضی است اگر پدر و مادر آنها تو بر کولی بوده اند آنها را بدانه فرست
صحیح المزاجی بداند هتاهم زود در خونی تعدیه و در اضافات آنها کنند مفیدتر
از هر چیز خونی موافق است هوا بدست
مشاعر آنها را خسته نکنند زود بمکین نکند و اندا که هوا سرد باشد هر روزه

تقریر

در سترگ نو زادی

۱۵۵

ببفرج بینند با اینکه تحمل سرما و کوما خوب میکنند از سرما خوردگی و زود من
میشوند و واضحی که بیشتر است با این مرض میشوند و واضح مرغ غده مرطوبی و موضع
رطوبتی است باید در دجاها ای مرتفع خشک منزل کنند و آنچه سرد و چه گرم و قوی
رطوبتی است نه باشد برای آنها مضرت است حمامهای نمکی برای آنها مفید است
بشرطی که بکدام حمام تمام بدن آنها را مالش بدهند و گرم بپوشند و غذاهای
مناسب و موافق مثل گوشت طوط و زرد تخم مرغ و شیر و شکر و قهقار و گوشت
بره و کوسند چاق و آبگوشتها و آلهها و قیق بدین اشیاء بخورند و از اغذیه غلیظه
اجتناب نمایند که معده آنها ضعیف است هضم نمیشوند و اسهال در آنها و نایب
بدن بکر میشوند و برای آنها که اغلب این مرض موجود است سر تاش تا دوازده
صد بلک کرم قشقات شوکه در یک روز بدیند نافع است و غن ماهی از او به
مخصوصه این مرض است که ذابها هم میبوانند بدیند از و و مشغال شروع کرده و با
کنند تا به پنج شش مشغال برسد طفال با کورند شد که کمان زندگی را آنها بشود
از اصرار و ابرام در پیش بیک و قوانین حفظ صحت و تعدیه بیک که کفره شدن
مزاج آنها مستقیم کنند مانند انخا ص ساله تاس پیری زندگی کرده اند و آنها
زیاد برای این مرض مثل ترکیبات هفت و ستم الفار و بدو و هاز کور کرده اند که استعمال
انها موقوف ببحرین طبیبان است

شش ماهی در سترگ نو زاده بواسطه سرعت فسادش از امراض خطرات
ممکن است و چند روز بکلی طفل را کور کند پس باید از ابتداء طبیبان ترا تشخص
کرده زود علاج آن کوشند که زود علاج شود این مرض در حین تولد عارض
نمیشود بلکه در روز چهارم یا قدری بعد از آن بروز میکند شناخته میشود از
تورم جفنها که همیشه برای هم افتاده باز نمیشوند که جفنین بطوری متورم
که جفنین اسفل روز بر جفنین اعلا ناپیدا میشود که دیگر کسودن آن ممکن نمیشود

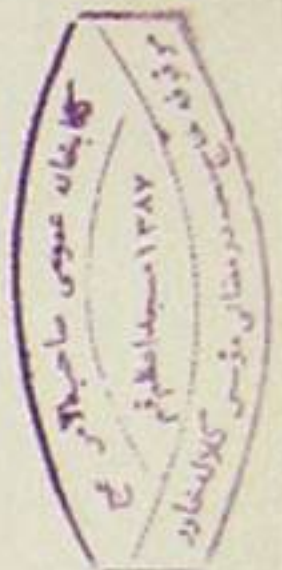
Aphthalmie
des nouveau-nés

در پر قان نوزادی

بچه که کاهنی غانها را میشود و قه جفن را بر میگردد و متورم لغا بچسبند
در روزی که بزرگ میشود منفعی شده جرك غلظت سفید و قه جفن را از هم باز
میکند بکمر نه بیرون میریزد از روشنی مناله میشود و قه نه کد زان را ز می در
روان را و امکد کرده و روشنی زان را و بر خوردن هوا و کرد و غبار و رو
و حله پاکیزگی و بعضی امراض عده که در حین وضع حمل غرض میشود (نوزاد)
نادر و جریان آب سفید و غیره) اسباب معارفی اند و بانی و ممکن است که هم
باشد پس باید اسباب صله کوزه را از او دور کرد و دست طفل را بست که بچشم خونریزی
و صدمه و زخم چشم او را با روغن خنک یا کوزه که مایه در فم برده باشند بشویند و
کار جفن را با روغن جرب کنند که بچند از محلول سنگ حنجره که بک خود ازاد و حنجره
پنج مثقال آب مقطر حل کرده باشند بچکانند و بر خشتلک و خفت مضمضه و در
کنند و این ابام برای پیش بینی بفرموده در رختخانه های قایم و مایه موافق
قبل از زایش و مهبل را با اسید فنیک بشویند و بلافاصله بعد از تولد محلول
سولفات زینک بچشم طفل بچکانند با محلول را از اشک بک و بکصد بچکانند
قبل از این ده بک طفل مبتلا با این رمد میشدند و حال بواسطه این پیش بک
اند و بک نفر بک نفر مبتلا میشود

هفتم در روز نوزاد الی هشت روز با ناله میماند و غالباً خوب بود
رفع میشود و ما را میباید که بکری بکری بکری بکری بکری بکری بکری بکری بکری
خواند با بد مختصر و قه زان کرد که از دستان شپرداد و طفل را کرم نگاه داشت
و بجا نماند و فرستاد اگر مدفوع اول که انرا با موزه یا عقی نامند بکلی خارج نشد
باشد بک دو ملتن از کلل با و خوانند و انهار در علاج کافی اند اگر ترکیب
نتیجه امراض که بک باشد با بد طبیعت جوع نمود

فصل دوم در امراض آلات غذا و ان بر پنج قسم است
۱- *Appareil digestif*



ital

